

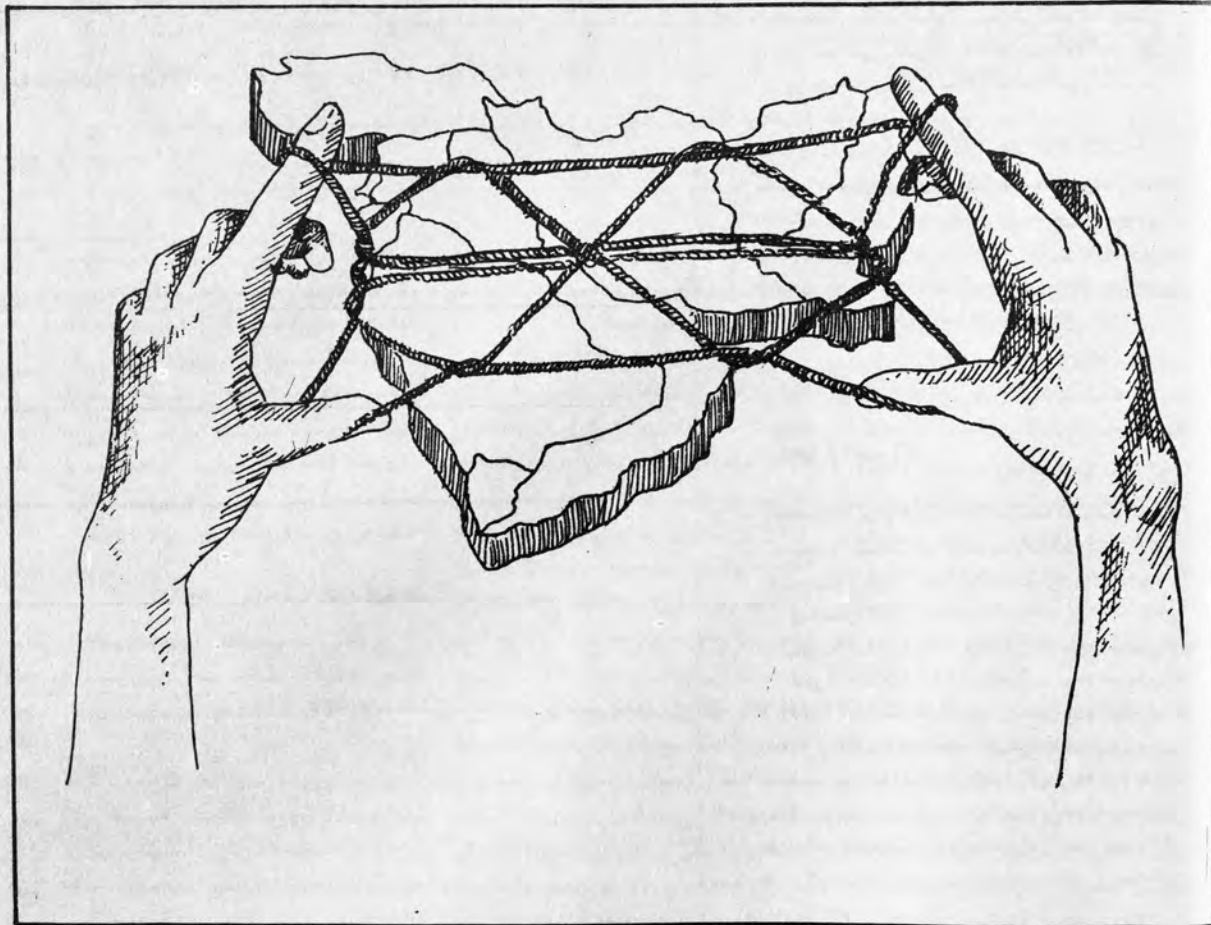
● دربارهٔ اتحادیه امنیت
منطقه‌ای

● نامه و بیانات آیت‌الله
منتظری

● مرجعیت دینی و
رهبری سیاسی

● روش تحلیل و ریشه‌یابی
اختلافات

راه‌مجاهد





شماره ۱۱، ۳۱، ۰۴
تاریخ ۱۳۵۸ - ۵۸ - ۱۲ - ۱۸
پست

آقای محمد اله منشی
سازمان انتشار نشریه راه مجاهد
سلام علیکم .

با رگتد به نامه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۱ جناب سرکار عالی اطلاع می‌دهم که مطبوعات
صنعت اسفند ماه ۱۳۶۲ به اطلاع سرکاره مطبوعات برای ماه ۱۷ این مذکور
ظمان ماه ۵۰۰ نسخه مورخ ۱۳۶۸/۶/۸ همان‌جا نظارت مطبوعات می‌دهد رسیده‌اند
فرارگتت داده انتشار آن نشریه بلا مانع اعلام کرده

مهراب انجمن
سروست اداره مطبوعات و نشریات

۱۳۵۸/۶/۱۸

راه مجاهد

زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول مهندس لطف‌الله منشی
روش: سیاسی ادنیولوژیک-جاب: رودکی
آدرس: توجه شود که راه مجاهد بعثت کمبود امکانات
دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدرس
مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون
مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد معرفی می‌گردد
تقاضا می‌شود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی
۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید
تهران، خری، خروزی (آبمنگل)، کاسم‌گلی
کاخوان طباطبائی ۲۶- ط دوم کد ۱۱۷۵۶

نحوه اشتراك

از کلیه برادران و خواهانی که علاقمند به اشتراك با نشریه
"راه مجاهد" هستند، خواهشمندم تعادل کتی خود
را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند.
بهای اشتراك:

اشتراک سالانه (ایران) ۱۵۰ تومان
اشتراک سالانه (امریکا) ۴۰۰ تومان
اشتراک سالانه (اروپا) ۳۵۰ تومان
لطفاً وجه اشتراك را شخصاً تا از طریق آشنایان در ایران
به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹
بانک صادرات شعبه میدان قیام به نام لطف‌الله منشی
حواله نموده و فتوکی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال
فرمائید. لطفاً وجه خود را به پستی مالی ارسال
نفرمائید.

کسانی که توان پرداخت بهای نشریه را ندارند، با ما
مکاتبه کنند تا نشریه به‌درمانتی برایشان ارسال شود.

- درباره اتحادیه امنیت منطقه‌ای ۳
- مرجعیت دینی و رهبری سیاسی ۴
- روش تحلیل و ریشه‌یابی اختلافات ۷
- **خبرنامه استراتژیک**
- بیانات اخیر آیت‌الله العظمی منتظری ۱۰
- مباحثه حجت‌الاسلام رفسنجانی با خبرنگار "اشپیگل" ۱۲
- نامه جمعی از شخصیتها درباره جنگ خلیج فارس ۱۳
- امنیت منطقه خلیج فارس ۱۴
- اخبار جنگ خلیج و عراق ۱۶
- اخبار داخلی ایران ۱۸
- مذهب و مارکسیسم ۱۹
- پاسخ به خوانندگان ۲۲
- معرفی کتاب ۲۳

حجت الاسلام‌ها شمر فستجا نسی دی کنفرا نس اسلامی فلسطین گفتند: کشورها اسلامی باید کارکنند که استکبار جهانی و دروا س آن امریکا به این نتیجه برسند که دیگر منافع آن در حفا ظت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی نیست... به نظر می‌رسد مقابله بزرگ‌نفته منافع و ذخایر عظیم زیرزمینی و همچنین موقعیت ژئوپولیتیک منطقه، مرتبه‌های بسیار مفیدی برای دست یافتن به این مسئله باشند. اگر از این حربه‌ها به خوبی استفاده شود و حمایت‌های استکبار جهانی از اسرائیل کم رنگ گردد، قطعاً گام مهمی در نابودی اسرائیل برداشته شده است." (رساله ۶۹/۹/۲۰)

بحران استراتژی فوق در این است که: اولاً قاره‌ها ساختار بین‌سوال نیست که چگونه می‌توان از طریق ایجاد اتحادیه امنیتی با رژیم‌ها بی‌که موجودیت اسرائیل را قبول داشته و در جنگ خلیج فارس جزو متحدین نظامی امریکا بوده اند و اکنون یک اتحادیه امنیتی با نیه برای پذیرش موجودیت اسرائیل تشکیل داده اند، همکاریداشت؟ به قول آیت‌الله مشکینی: "کشورها یا شبه‌خلیج فارس که قبلاً نوکر امریکا بوده اند از این پس برده‌ها صل خواهند بود." (رساله ۶۹/۱۲/۱۲)

لازم به ذکر است که وزیر نفت کویت پس از دریافتی‌های خلیج فارس خواستار اعمال نفوذ بیشتر امریکا، انگلیس و فرانسه بر تصمیم‌گیری‌های او یک شده است. ولیعهد کویت نیز عنوان کرده که چندین کشور عربی حاضرند در تحریک شرکتی بی‌که با اسرائیل دادوستد دارند تجدید نظر کنند.

ثانیاً - اما عامل بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه فقط رژیم اسرائیل است و امیرالاسم جهان‌فرا ملیتی‌ها هیچ اصطکاک‌هایی منافع ملیت‌های منطقه ندارند؟ اگر باطله استکبار و ملت‌ها به قول مرحوم امام خمینی باطله است و استعمارگری است جلب رضایت امریکا جزا ز طریق قبول این ذلت و استعمار عملی نخواهد بود. تجربه مصر از زمان صدام تا آیین واقعیت را به اثبات رسانید که تکیه بر جناحی ز امیرالاسم و تنظیم کردن سیاست خارجی کشور بر اساس تغییر دادن نظرات آنها نسبت به اسرائیل نه تنها نمی‌تواند به موجودیت صهیونیسم لطمه‌ای وارد سازد بلکه موجب تثبیت بیشتر اسرائیل نیز می‌گردد. جورج بوش در گزارشی که به کنگره امریکا داد گفت: "منافع ما از جمله امنیت اسرائیل... از سوی منافع گوناگون مورد تهدید است" حفظ موجودیت اسرائیل و حفظ امنیت صدام در نفت بقیه در صفحه ۲۱

به درآ مدنفت به حدی گسترش یافته که ثبات کمپ دیویدی این رژیم‌ها بطور جدی تهدید نمی‌شود. این اتحادیه امنیتی با نیه همان کمپ دیوید گذشته است منتهی با این تفاوت که پایه سوم کمپ دیوید از مصر به کشور عربی دیگر توسعه یافته است. استراتژی امریکا از تشکیل اتحادیه امنیتی فوق این است که اعضای این اتحادیه در گام اول، موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسند و بعد از آن با هر رژیم و بی‌نهضتی که نافی موجودیت اسرائیل باشد از نظر نظامی و ارتش جنگ شوند. به عبارتی دیگر امریکا قصد دارد تا با ایجاد یک جنگ داخلی در منطقه، بحران

است. آسوشیتد پرس در سوم مارس ۱۹۹۱ گزارشی به شرح زیر ارائه داد: "اکنون کشورهای حوزه خلیج فارس حمایت مالی خود را از صاف با نیه می‌دهند پیش از آنکه عرفات بر سر صدام قمار کند صاف ما هانه ۴۴ میلیون دلار از کشورهای خلیج فارس دریافت می‌کرد. گفته می‌شود قسمت اعظم این مبلغ هزینه قیام سه ساله فلسطینی‌ها در ساحل غربی ونوا رغه (انتفاضة) را که مورد اشغال اسرائیل است تامین می‌کند از طرف دیگر اخراج اکثریت ۲ میلیون فلسطینی توسط کشورهای خلیج فارس که در این کشورها مشغول به کار بودند موجب شده است ۱۰ میلیون دلار دیگر نیز بطور ما هانه ضرر آفرین باشد."

درباره اتحادیه امنیت منطقه‌ای

حفظ استقلال و آزادی و ادا مه‌حیات انقلابی یک ملت تنها در سایه توکل به خدا و تقویت پیوند با نیروهای مردمی و عدالتخواه منطقه امکان پذیر است، موضوعی که همه ما به آن واقفیم ولی مسئولین سیاست خارجی ما با دیدن آن توجه نمی‌کنند.

اسلام خواهی انقلابی را حل کرده و یک‌شاید فرمستی در آینده برقرار سازد. برای هدایت این تحولات است که حضور مستقیم نظامی خود در منطقه ضروری می‌باشد. چنانچه دیک چین عنوان کرده است ساد فرماندهی مرکزی نیروهای امریکا به خاورمیانه منتقل می‌شود. (رجوع شود به مقاله پیرامون تجاوز نظامی امریکا و حمله عراق به کویت - راه مجاهد ۵۹)

● اتحادیه امنیتی دسته‌جمعی طرح دوم - اتحادیه امنیت دسته‌جمعی توسط کشورهای منطقه، به رهبری ایران و به منظور حفظ امنیت صدام در نفت به غرب، برخی ز مبتکرین این طرح معتقدند که با دنبال کردن سیاست "تنش‌زدایی" و "حفظ امنیت صدام در نفت به غرب" می‌توان نیم امیرالاسم را به جمع‌بندی قطع‌حیات از اسرائیل رسانید و شرایط نا بودی آن را فراهم آوردیم. (تکیه به نفعی‌ها در میان رژیم صهیونیست‌ها) این عده معتقدند که پس از قطع حمایت امریکا از اسرائیل با تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی خلیج فارس می‌توان به بحران منطقه پایان داد.

چ - انتفاضة پس از محاصره اقتصادی توسط رژیم‌های عربی به دست اسرائیل سرکوب نظامی خواهد شد. در این اتحادیه نظامی، از رژیم‌های میان‌رودانی استفاده شده که علاوه بر هم‌خطی با امیرالاسم از یک‌شاید تا خلیج فارس برای مصالحه با اسرائیل نیز برخوردار باشند. به همین جهت از رژیم‌های چون اردن و جمهوری اسلامی در این اتحادیه بطور مستقیم استفاده نشده است. زیرا اکثریت مردم اردن فلسطینی هستند و جمهوری اسلامی نیز به دلیل گرایش انقلابی مردم ایران و اینکه اسلام نافی به رسمیت شناختن یک رژیم غاصب است نمی‌تواند در این اتحادیه حضور مستقیم داشته باشد. اما رژیم سوریه طی چندین سال سرکوب نظامی فلسطینی‌ها و حزب الله لبنان با بحران داخلی تهدیدکننده‌ای مواجه نشده است. اکنون نیز با حمایت از رژیم لبنان سعی در حفظ امنیت مرزها شمالی اسرائیل دارد. مصر نیز اولین کشور عربی بود که از طریق قرارداد کمپ دیوید اسرائیل را به رسمیت شناخته و موفق به کنترل و سرکوب اردن و لیبی در داخل کشور شد. در عربستان و کشورهای عربی شبه‌خلیج فارس نیز طبقه وابسته

یکی از اهداف مهم حضور امریکا در منطقه استقرار و تنظیم نوینی است که منافعی استراتژیک غرب را تامین کند. محور عملی چنین "نظم نوینی" را "شیک طرح امنیتی" با شرکت کشورهای متحد غرب به منظور کنترل موج‌فرا بنده اسلام خواهی انقلابی و تداوم صدور نفت ارزان به غرب است. از آنجا که استقرار چنین "نظم نوینی" در آینده تحولات منطقه و سرنوشت کشورها به خصوص کشور ما تا نیه سزایی دارد و نقطه عطفی محسوب می‌شود، لازم است که با آن برخورد فعال و آگاهانه تری صورت گیرد. ابعاد استند در کاران متوجه عواقب وارشدن و آلوده شدن در چنین معادلات و طرح‌های توطئه‌گرانه‌ای شده و لطمه‌ها بی‌را که از این طریق ممکن است متوجه آینده کشور شود، درست ارزیابی و متعدها نه با آن برخورد کنند.

پس از خاتمه جنگ امریکا و عراق دو طرح امنیتی در منطقه ارائه شده است که اجمالا به بررسی آن می‌پردازیم:

● اتحادیه امنیتی ۸ جانبه طرح اول - اتحادیه امنیتی متشکل از کشورهای عربی (شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر سوریه) به رهبری امریکا و به منظور سازش با اسرائیل. این طرح پیشنهادی حضور نظامی امریکا در منطقه، دنبال می‌شود مبتکرین این طرح معتقدند منطقه از نظر توده‌ای دارای چنان زمینه انقلابی است که امنیت اسرائیل و منافع فرا ملیتی‌ها را مورد تهدید قرار داده است. استکبار جهانی معتقد است رژیم‌های میان‌رودانی نه تنها بی‌بهره و بی‌فایده هستند بلکه جهت باستی تجربه اتحادیه نظامی‌ها تودر منطقه خاورمیانه و در مقابل با بحران اسلام خواهی انقلابی تکرار گردد. در همین رابطه بوده که دیک چین وزیر دفاع امریکا اعلام کرد: امریکا هزینه ۳۰۰ میلیارد دلار در جنگ ستارگان را به خاورمیانه منتقل کرده است. طبق پیش‌بینی‌های امریکا، در اتحادیه نظامی مذکور، تحولات زیر به وقوع خواهند پیوست: الف - حزب الله لبنان توسط سوریه سرکوب می‌شود. ب - سازمان‌های فلسطینی توسط اعراب (مصر و کشورهای خلیج فارس) تحت فشار سیاسی - اقتصادی و نظامی قرار خواهند گرفت. با رقه این طرح به صورت تازد است نظامی فلسطینی‌ها در کویت مشاهده شده

مرجعیت دینی و رهبری سیاسی

ضرورت بررسی مبانی فقهی حکومت اسلامی

۱- نگاه‌های به‌تاریخ و حانیت شیعه از زمانی که امام حسین (ع) و یارانش در صحرای کربلا به شهادت رسیدند تا قرن‌ها بعد از نضوی سیاسی، یکی از مشخصه‌های شیعه به‌شمار رفته است. این انزوا "مولی" بوده و به معنای کناره گیری ائمه (ع) از امور سیاسی نبوده است. ولی حرکت به‌گونه‌ای نمود پیدا کرده که حتی برخی از یاران ائمه (ع) هم با تردید و شبهه به آن می‌نگریستند. شهادت بسیاری از ائمه بیا نگر قریب بودن فعالیت‌های فکری و فرهنگی آنها با جهت‌گیری سیاسی بوده است و شاید همین دلیل خلفای عباسی علیرغم ادعای علم دوستی، تحمل مجامع فرهنگی و حوزه‌های درسی ائمه (ع) را نداشته‌اند. با این حال مشاهده می‌کنیم برداشت ائمه (ع) به نقل و بیان احادیث و کناره گیری آنها از معادلات سیاسی مورد تفسیر خاص متاخرین از ائمه (ع) قرار گرفت و حرکت سیاسی شیعه در سطح متفکران و علما تا حدود زیادی مخدوش گردید. در همین راستا از غیبت آخرین پیشوای شیعه این گونه برداشت شده که زمینه‌های یک حرکت سیاسی اجتماعی فراهم نمی‌باشد. با این استدلال که اگر زمینه یک انقلاب سیاسی اجتماعی مبتنی بر قرآن فراهم می‌شود، بدون شک آن حضرت غیبت نمی‌گردد. علیرغم حرکتها و وقایع مهمی که بعد از غیبت توسط گروه‌های منسوب به شیعه صورت می‌گرفت ولی نمی‌توان آن را به گونه‌ای سازمان یافته به علمای حوزوی منتسب نمود. از نظر بنیادین دورداشت که برخی از حکومت‌های محلی در مبارزه با خلافت عباسی به تفکر شیعی تمسک پیدا می‌کردند. اما ما به‌هیئت این حرکتها نمی‌توانستیم از معادلات قدرت به دور بماند. برای این اساس حرکت رهبران شیعی بعد از غیبت به تبعیت از روند نظامی ائمه (ع) (به‌مورف‌های عقیدتی منحصراً گردید. حوزه‌های دینی شیعه بر این اساس شکل گرفتند. حرکت و فعالیت علمای شیعه محدود به جمع‌آوری روایات و احادیث و حاشیه زدن بر مباحث فقهی گذشته گردید. دستاورد عالمان شیعه از مرحوم کلینی گرفته تا شیخ صدوق و شیخ مفید و... بی‌انگاری روندها شد. با این توصیف مشخص می‌گردد که چرا در روند تاریخی شیعه مرجعیت دینی از امور تفکیک می‌گردد.

۲- سلسله صفویه و روند روحانیت ظهور سلسله صفویه نقطه عطفی در روند روحانیت به‌شمار می‌رود. چرا که برای اولین بار علمای شیعه در برابر نظام حکومتی قرار گرفتند. پذیرش رسمی شیعه اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی مملکت، مشروعیت حکومت صفوی را در نزد علمای شیعه مسلح نمود. بعد از قرن‌ها تقیه و انزوا سیاسی از دیدگاه بسیاری از شیعیان حکومت صفوی فرج و گشایشی محسوب می‌گردید. همکاری علامه مجلسی، میرداماد، شیخ بهایی و امثالهم با حکومت صفوی در این‌کادر قابل تبیین است. از آنجا که عالمان شیعه زمان صفویه در اندیشه حاکمیت سیاسی نبودند راه‌هایی آنها به محافل حکومتی صفویه برای دولت‌مردان تهدیدی محسوب نمی‌گردید. پادشاهان صفوی علیرغم ادعای پُررُدا و غلاظ خود را ضربه تفویض امر حکومتی به علما نبودند و بر این مبنا برای علما و فقهای شیعی یک نقش حاشیه‌ای قائل می‌شدند. این روند همکاری علما و نظام حکومتی همراه با یکسری فراز و نشیب‌ها تا زمان میرزای شیرازی ادامه داشت. ولی نباید از نظر دور داشت که در این همکاری کماکان علمای شیعه از دخالت مستقیم در امور سیاسی خودداری می‌ورزیدند. برای این اساس شایسته نفس حضور آنها در کنار حکومت‌های شیعی مذهب را بتوان یک عمل سیاسی قلمداد نمود. جبهه‌گیری در مقابل اهل تسنن یکی از عوامل مهمی بود که علمای شیعی را وادار می‌کرد تا با صرف نظر از دیگر عملکردهای حکومت، نظام سلطنتی شیعی مذهب را در کنار خود ببینند. که این موضوع را می‌توان یک اتحاد سیاسی قلمداد نمود.

۳- میرزای شیرازی نقطه عطفی در سیر مرجعیت همکاری علمای شیعه با حکومت شیعی مذهب تا قرن ۱۳ هجری تداوم پیدا می‌کند. در این زمان به تبع نظریات شیعی عامه مردم از متباین‌تنبات کووا رسال شکواییه‌ها متعددی که تجار و کسبه و علمای محلی و دیگر اقشار مردم به نزد میرزای شیرازی ارسال می‌کنند، ایشان سکوت را جایز ندیده و برای اولین بار با دادن فتاوی

تاریخی زمینه‌ساز یک تفکر جدید در جری روحانیت می‌گردد. در این فتوا که می‌توان آن را در دوران بعد از غیبت یک نقطه عطف محسوب کرد، مرجعیت دینی با حرکت سیاسی تقارن پیدا می‌کند و برای نخستین بار عالمی شیعی با اتکاء به حمایت مردمی سلطنت متمسک به شیعه را به یک مبارزه سیاسی دعوت می‌نماید. هر چند که میرزای شیرازی بعد از فتاوی تحریم تنبای کود در حرکت چشمگیری سیاسی دیگری شرکت نکرد. ولی با این وجود زمینه‌ساز یک جریان سیاسی مذهبی در حوزه‌های دینی گردید که تا شریآن در دوره بعد یعنی در انقلاب مشروطیت دیده می‌شود.

۴- رشد و جریان در حوزه‌های روحانیت بعد از جنبش تنبای کود و جریان مخطف در حوزه‌های دینی در کنار هم رشد می‌کنند. طیف وسیعی از روحانیت بر اساس عقاید تاریخی خود دخالت در سیاست را جایز ندانستند و آن را گرایش به مورد نیوی تلقی می‌کردند. این جریان کافی‌الما بق مشروعیت خود را صرفاً در طی نمودن مدارج علمی و فقهی جستجو می‌کرد. جریان دوم که می‌توان آن را یک جنبش نوپا در حوزه‌های روحانیت تلقی نمود. اندک اندک توجهش به روند سیاسی جامعه جلب گردید. ولی نباید از نظر دور داشت که جریان سیاسی روحانیت علیرغم اختلاف نظر خود با جریان نخست، کماکان مشروعیت خویش را در همین نظام سنتی حوزه‌ها جستجو می‌کرد. و نقطه نظرهای جدید و سیاسی آنها باعث نگردید که به دنبال تشکیلات جدیدی با آموزشهای متفاوت باشند. به همین دلیل حوزه‌های دینی را با دیدستر شده در جریان دانسته

۵- نحوه تلقی روحانیت از حرکت سیاسی یکی از عواملی که از مرز بندی کامل این دو جریان جلوگیری می‌نمود، طرز تلقی روحانیون سیاسی از فعالیت اجتماعی بود. این جریان هم‌بها مانند روحانیون سنت‌گرا طرح حکومت اسلامی را در نظر داشتند و دخالت خود را در چهار چوب یک اصلاحگری سیاسی محدود می‌کردند. که این نحوه نگرش را در حرکت میرزای شیرازی، روحانیون مشروطه خواه و حتی مرحوم مدرس می‌توانیم ببینیم. یعنی حتی روحانیت سیاسی به

دلیل نبودن یک فقه‌مبین حکومت اسلامی به این قاطعیت نرسیده بودند که حکومت را خود را سا تحت اختیار داشته باشند. بر این اساس حرکت‌های سیاسی روحانیون با یک نوع خلا فقهی و ایدئولوژیک مواجه می‌گردید. به‌گونه‌ای که اگر در حرکت‌های سیاسی مورد هجوم واقع می‌شدند، بافت فکری بسیج‌کننده‌ای برای جلب حمایت دیگر روحانیون از آغا زو جوند داشت و به‌سان مرحوم مدرس، مرحوم تنوابع صفوی در نهایت مظلومیت به شهادت می‌رسیدند. ضربه‌های وارد بر روحانیت اصلاحگر سبب گردید که این جریان به نقطه عطف جدیدی دست پیدا کند. روحانیت سیاسی به‌این نتیجه می‌رسد که روش‌های اصلاحگران در یک نظام فاسد به نتیجه مطلوب نرسیده و دچار استحاله می‌گردد. این جمع‌بندی زمینه‌ساز یک نظریه تاریخی گردید.

۶- نظریه حکومت اسلامی تز حکومت اسلامی که توسط امام خمینی طرح گردید دو مبنای نقطه عطف حوزه‌های روحانیت محسوب می‌گردد. در واقع می‌توان رشد و تکوین روحانیت سیاسی را از فتاوی تحریم تنبای کوتا نظریه حکومت اسلامی یک دوره تاریخی محسوب نمود. نظریه حکومت اسلامی از آن جهت با نظریات علامه نائینی و ملا محمد نراقی متمایز گردید که به سرنگونی نظام سلطنتی منجر شد. این نظریه در واقع دکترینی برای بسیج روحانیت در جهت برپایی حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود.

نظریه حکومت اسلامی در ابتدا با واکنش مظلومی در سطح روحانیت مواجه نشده و موجهات انزوا و هر چه بیشتر امام خمینی و پیروان او را در حوزه‌های دینی فراهم آورد. گذشته از جریانی فشار که مانع پذیرش این خط مشی می‌گردید با بستن به نحوه بررسی و ارائه نظریه حکومت اسلامی هم‌توجه داشتند تا توجه به رسوب چندصدساله فقه غیر حکومتی ارائه نظریه حکومت اسلامی نیاز به تحقیق و بررسی عمیق‌تری داشت و مطالبات جمالی کتاب ولایت فقیه علیرغم روشن نمودن بسیاری از ضرورتها، در مبارزه با نظام چندصدساله حوزه‌ها، کافی نبود و خود امام خمینی هم‌بها این مطلب اذعان دارند.

رکود فکری حوزه‌های علمیه سبب می‌گردد که ما خمینی برای تحقیق نظریات خود به حرکتی مردمی توجه ننمایند و شاید بدان امر دلیلی بر کار جمالی ایشان در رابطه با فقه حکومتی باشد. چرا که آما دگی نیروهای مردمی برای انجام یک مبارزه ضد سلطنتی بیش از حوزه‌های علمیه می‌بود اما محتسبی برای اصلاح حوزه‌ها استفاده از اهرم نیروهای مردمی را مدنظر داشتند. ایشان می‌گویند: "... مردم موظف هستند، جوانهای غیر ما در ایران موظف هستند، که نگذارند این نوع آخوندها (جل جلاله گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین مردم بپایند. لازم نیست آنها را خیلی کتک بزنند..." (۲)

روحانیت سیاسی پس از شکست رفرمیسم و با رلمانا رتارسم، نظریه حکومت اسلامی را ارائه داد. ولی در پرداخت و تبیین وجه‌گوناگون این نظریه بر خورده‌ها نیه‌ای شده و همین دلیل مغفلاتی را بعد از تشکیل جمهوری اسلامی پدید آورد.

۷- رابطه مرجعیت دینی و رهبری سیاسی

همانگونه که در بحث تاریخی خود اشاره کردیم، در یک روند بلند مدت مرجعیت دینی از رهبری سیاسی تفکیک گردید و مشروعیت روحانیون متکی به طی مدارج علمی و فقهی حوزه‌های دینی شد که بر این اساس یک طلبه می‌توانست بدون انجام کوچکترین عمل اجتماعی و سیاسی به مرجعیت دینی دست پیدا کند. قرا رگرفتن آما خمینی در اس جمهوری اسلامی سبب گردید که تعارض تاریخی مرجعیت دینی و رهبری سیاسی به گونه‌ای مقطعی حل گردد. که این امر نیا حکومت اسلامی را به نظر محوزی بر طرف می‌آخت، چرا که ما هم به لحاظ مرجعیت و هم به لحاظ رهبری سیاسی حکومت اسلامی را اداره می‌نمود. بنا بر این تا زمانی که ما خمینی در قید حیات بودند، به جهت اینکه ایشان مرجع بودند، فرمانها و برنامهای ارائه شده از جانب حکومت اسلامی یک شکل از رویه افتابیی گذشته حوزه‌های دینی محسوب می‌گردید. با این تفاوت که این بار رابطه مجتهد و مقلد در چرخه رچوب یک نظام حکومتی طرح می‌شد.

حضور ما سبب می‌گردید که تعارض مرجعیت محوزی با رهبری سیاسی حل شده به نظر آید. ولی از آنجایی که به لحاظ فقهی و بینشی در جهت حل این تعارض گام برداشته نشد، جدا بیی مرجعیت دینی از رهبری سیاسی همچنان به قوت خود باقی ماند. آما خمینی به تعارض فقه محوزی و فقه سیاسی اجتماعی مبتنی بر قرآن

اشاره می‌کنند و می‌گویند: "برای این که معلوم شود فرقی میان اسلام و آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود شما را توجه می‌دهم به تفاتی که میان قرآن و کتب حدیث با رساله‌های عملیه هست. قرآن و کتبا بهای حدیث که منابع احکام و دستورات اسلام است با رساله‌های عملیه که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگی اجتماعی می‌توانند داشته باشند کلی تفاوت دارند." بر اساس نظریات آما "اسلام رساله‌ای" منشاء پدید آمدن مراجعی خواهد بود که جدا از احکام مطرح شده در رساله، قدرت برداختن به سایر امور سیاسی و اجتماعی

اگر چه در حال حاضر روحانیت برای ادامه حیات جمهوری اسلامی بکارگیری نظریات صرفا کارشنا سی را بلا ما نفع می‌بیند، ولی نباید از نظر دور داشت که در یک روند تدریجی شاهد کودتای خزنده کارشنا سان خط دار به ظاهری بیطرف بر علیه حرکت اسلامی خواهد بود و با رد دیگر شاهد سلطنتی بدون تاج و تخت می‌باشیم.

۸- رابطه حوزه‌های علمیه و نظام جمهوری اسلامی

از دیدگاه ما محافظ نظام سیاسی ترین وظیفه‌ای بوده که ما می‌افراد متعهد بخصوص روحانیون می‌باشند به آن توجه داشته باشند. برای این اساس پرداختن به یک مبارزه فقهی و ایدئولوژیک تاجایی بلا شکل می‌بود که موجودیت نظام را به خطر نیندازد. شاید این سؤال پیش آید که چگونه یک مبارزه فقهی حیات نظام را از دیدگاه ما مبه‌خطر می‌انداخت؟ پاسخ به این سؤال با توجه به بافت دوگانه روحانیون طرفدار جمهوری اسلامی ممکن می‌باشد.

این بافت دوگانه شامل دو نقطه نظر متضاد بوده که به جهت تضاد تاریخی دین و سیاست محسوب می‌گردد. یک جریان که به لحاظ سلسله مراتب

حوزوی در حد ذاتها محسوب می‌شدند ضمن اینکه به تمام آموزشهای حوزه علمیه وفادار بودند در انقلاب و نظام جمهوری اسلامی وارد شدند. تبعیت این جریان از آما خمینی ابتدا ثابت و اسطه مرجعیت دینی ایشان، سپس انگیزه‌های سیاسی اجتماعی بود. اینها نه به سان جریان تاریخی حوزه، از حکومت اسلامی دوری می‌جستند و نه به سان جریان سیاسی روحانیت حاضر به تغییر مواضع فقهی خود می‌بودند. این جریان حکومت اسلامی را وسیله‌ای برای اجرای احکام رساله‌ای عملیه می‌دید. بدین لحاظ در قبال نیاهای جمهوری اسلامی تا آنجایی

نرمش نشان می‌دادند که فقرا بی‌حوزه‌ها را مخدوش نسا زد. از دیدگاه این جریان عدالت اجتماعی و طرحهای اصلاحی به سان اکل میته حکم تا نوبه قلمداد می‌شد. لذا نظام نمی‌توانست به انگیزه اصلاح امورا از احکام بی‌فقهی عدول نماید. علیرغم سفارشات متعدد آما، این جریان کماکان بر نظریات خود پایدی می‌فرد. تاجایی که ما مراه حل‌های تشکیلاتی را برای مقابله با آن برگزیدند با وجود آنکه ما حکومت اسلامی را حکم اولیه قلمداد می‌کردند و سوا سیرا حکام، حتی نماز را فرعون دانستند، ولی این امر موجب آن نشده که جریان فوق از نظریات تاریخی حوزه‌ها عقب نشینی نماید. به دلیل کم کاری در تبیین وجه‌گوناگون فقه حکومتی و رمزبندی شدن این فقه با اسلام رساله‌ای ایستادگی این جریان بر مواضع فقهی طبیعی می‌نمود.

در واقع ما این جریان، از جهاد دینی از رهبری سیاسی جدا کرده و برای هر کدام حوزه‌ای جداگانه قائل می‌شد، و به همین دلیل تداخل این دو حوزه را صحیح نمی‌دانست و بر این نظر اصرار می‌ورزید که نظام حکومتی و مغفلات آن دلیل برای این نمی‌باشد که ما در احکام را بی‌فقهی به تغییر و تحول دست زنیم. در بطن این تفکر می‌توانیم به وضوح این اعتقاد را ببینیم که به تبع اندیشه‌های

تاریخی حوزه، حکومت اسلامی و شعبات آن، حکم اولیه فقهی قلمداد نشده و کماکان در چرخه رچوب یک نظام سیاسی به آن تگریسته می‌شد. که در این فرمول با لطمه حوزه‌ها را سیاسی نمی‌توانست حوزه‌ها را دینی را دستخوش تحول کند و آن را تا به خود بانداند.

حال این سؤال پیش می‌آید که چرا این جریان از نظام متصفیه نشدند؟ به نظر می‌رسد که مرحوم آما خمینی علیرغم نظریات فقهی این جریان، به واسطه اینکه حکومت اسلامی را پذیرفته بودند از رژی ویژه برای آنها قائل بوده و به همین جهت ما بل به حذف آنها نبودند. کناره گیری این جریان از حکومت اسلامی به منزله عدم پیشروی روحانیت سیاسی در نظام محوزی می‌بود و بدین جهت مشروعیت محوزی حکومت اسلامی بخصوص بعد از ما مخدوش می‌گردید. در چنین حالتی است که تا کیدا ما مبنی بر حضور روحانیت کلاسیک در شورای نگهبان و یا مجلس خبرگان را می‌توان درک نمود و همچنین فدا شدن طرحهای اصلاحی بند چوملی شدن تجارت خارجی و...

بنا بر این همانگونه که نژوای فقهی اصل حکومت اسلامی را در تاریخ حوزه‌های دینی می‌توان مشاهده کرد، می‌توان تداوم این انزوا را در زمان برپایی جمهوری اسلامی هم لمس نمود. که به گونه‌ای طبیعی منجر به جدایی مرجعیت دینی از رهبری سیاسی گردید. ظاهرا ما مدرتلائ بودند که با حفظ روحانیت سنتی در نظام، آنها را تدریجا به یکسری تجدید نظرها وادار کرده که از این طریق آنها را به ضرورت یک فقه حکومتی برسانند، و ترجیح این شیوه بر یک مبارزه صولی و فقهی را می‌توان در روشهای ایشان ملاحظه کرد.

در این رابطه مرحوم آما می‌گویند: "... آقا اینطور نیست که شما خیال بکنید که ما اسلام را می‌خواهیم، اما مالا نمی‌خواهیم... این گله هم که من دارم از این آقایان روشنفکرها این است که یک همچون چیز بزرگی که ملت پشت سرش ایستاده، این را از خودتان کنارت بزنید... این خلاف عقل است، این خلاف سیاست است. شما باید اینها را با آغوش با زبگیرید و اگر چنانچه اینها در مسائل سیاسی اطلاع دارند، ضم بهایشان شوید. اطلاعات سیاسی به اینها بدهید... آخوند ملتفت مثلا بعضی مسائل سیاسی نیست، جمع بشوید دور آن آخوندی که مسائل سیاسی را نمی‌داند..."

۹- رابطه طلاب سیاسی و حکومت اسلامی

ما در بررسی اینکه چرا در جهت حل

تعارض بینش فقهی و حرکت سیاسی گام اساسی برداشته‌اند، به وجود جریسیان سنتی حوزه و نقش آن در نظام اشاره کردیم و اینک به جناح دیگر روحانیت می‌پردازیم جریان دوم گروهی از روحانیون سنتی بودند که به لحاظ سلسله مراتب حوزوی در حد طلب به‌شمار می‌آمدند. هر چند که در واقعیت امر در این جتها نشان از جریان سنتی و معتبر بود.

تأسی این جریان به‌ما مغمینی و تزحکومت اسلامی با انگیزه‌های قسوی سیاسی اجتماعی نوا بود و به همین جهت از اعتقاداتی که مانع اصلاحات می‌گردید به‌راحتی عبور می‌کردند، بدون آنکه برای حرکت‌های خود پشتوانه‌ای فقهی ارائه دهند.

عدم نجات این جریان در مقابل تفکر سنتی حوزه به‌خوبی مشهود بود. به گونه‌ای که در مقابل این جریان مجبور به عقب‌نشینی شده و نظریات خود را تحت عنوان احکام ثانویه مطرح نمودند که در واقع به تفکری که حکومت اسلامی و تبعات آن را حکم ثانویه تلقی می‌کرد مشروعیت بخشیدند و این بدان معنا بود که بعد از طی شدن مراحل اضطراری می‌بایست به احکام اولیه مورد نظر جریان سنتی بازگشت نمایند.

به بیان دیگر احکام اولیه مربوط به موضوعاتی می‌شد که رساله‌های عملیه بر اساس آنها تدوین می‌گردید و دستاوردهای چند صدساله حوزه‌ها محسوب می‌شد که محصول نهایی این دستاوردها در مرجعیت دینی می‌توان مشاهده کرد. ولی احکام ثانویه یکسری مانورهای اضطراری در عرصه مبارزه سیاسی اجتماعی محسوب می‌گردید که تحت عنوان رهبری سیاسی عرضه می‌شد.

بنابراین تعارض اجتهاد دینی و حرکت سیاسی در فردای پس از پیروزی هم‌بهره‌گونه‌ای بنیادی حل نگردید و اگر تز مصلحت‌نظم مطرح نمی‌شد چه بسا که این تعارض تاریخی در زمان مرحوم امام به درگیری‌های خفونت آمیز منجر می‌گردید، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت را هم باید در همین راستا تحلیل نمود. علیرغم اینکه در بافت این مجمع همان جناح‌ها نیز هستند ولی روح‌گام بر آن تشخیص مصلحت نظام است و بر این اساس بسیاری از طرح‌هایی که به لحاظ شرعی مردود شناخته می‌شود به جهت مصلحتی تصویب می‌گردد و بدین ترتیب حوزه دینی و رهبری سیاسی حول محور مصلحت نظام به توافق می‌رسند.

آیت‌الله امامی که شائنی در خطبه نماز جمعه گفتند: «لایحه‌ای به شورای نگهبان می‌آید که به لحاظ شرعی آن را رد می‌کنیم ولی همان لایحه را در شورای تشخیص مصلحت تأیید می‌کنیم» یعنی که شرع و

مصلحت با یکدیگر مغایرند. و شرع نمی‌تواند را هنمای تشخیص مصلحت باشد. ملاحظه می‌کنیم نه تنها با این شیوه تفکیک‌ناستی تعارض فوق حل نشده، بلکه به‌انفکاک رسمی نیز انجام داده است.

در شورای بازنگری قانون اساسی توسط آیت‌الله مشکینی بدین مضمون مطرح می‌شود که در هیچ‌کجای قرآن و سنت مرجعیت وجود ندارد و مرجعیت مختصی تقلید عوام اناس است و بایستی از رهبری سیاسی جدا گردد.

بعد از ایشان آیت‌الله موسوی اردبیلی گفتند: در ابتدای انقلاب استدلال می‌شد که مرجعیت جزو قرآن و سنت

بر اساس نظریات امام "اسلام رساله‌ای منشأ پدید آمدن مراجعی خواهد بود که جدا از احکام مطرح شده در رساله قدرت پرده‌ها را مورسیاسی و اجتماعی را ندادند و این امور به خوبی منشأ تفکیک مرجعیت حوزوی از خط مشی سیاسی را نشان می‌دهد.

است و بایددر قانون اساسی گنجانده شود. حالا بیایم استدلال دیگری بکنیم و بگوئیم در قرآن و سنت نیست. باید این شکل بحث را متوقف کرد. حال که امام نامه نوشته اند و حذف شرط مرجعیت از رهبری را عنوان کرده اند بایددید تا کجا کوتاه می‌آید. آیا تا سر حدیک طلبه فاضل و یا... (نقل به مضمون از جلد اول مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

۱۰- حاکمیت کارشناسان متخصص و استعجال روحانیت هم‌انگونه که در محور قبل اشاره شد تعارض حوزه اجتهاد دینی و حوزه رهبری سیاسی با آنکه تز مصلحت نظام به‌طور ظاهری حل گردید و شایدها بگونه‌تداعی شد که این راه از مبارزه پرزحمت فقهی و آراشیک نظام‌مبیشی سریع‌تر به نتیجه رسید. ولی در واقعیت امر شاهد روند دیگری هستیم. آنگونه که در مواضع اعلام شده شاهد آن می‌باشیم تشخیص مصلحت نظام برای کارشناسان متخصص ممکن می‌شود. انعطاف هر دو جناح در مقابل راه‌حل‌های کارشناسی به منزله عقب‌نشینی حوزه اجتهاد دینی از تشخیص مصادیق می‌باشد و این بدان معناست که روحانیت سیاسی سنتی دست‌انزاع کشیده و به جای قبیل و قائل طلبه‌ای چشم‌به‌دهان کارشناسان می‌دوزند. بگونه‌ای که اگر یک روحانی سنت‌گرا از موسیقی را دیو

و تلویزیون به لحاظ شرعی دلخور بود، عمیق از شرایط اجتماعی آن روز است. ولی امروز به صورت کارشناسی به گونه‌ای که تحقق بینش دینی را لاینفک ضرورت وجود موسیقی را برای آرامش از یک رویه کارشناسی می‌بینیم. بایده روحی جامع‌الزمام می‌داند و اینک اگر دنبال این مطلب بود که چرا اجتهاد دین‌روزی روحانی سیاسی از حاکمیت دینی امروز از چنین خصوصیتی کم‌بهره

سرما بدهد یا ناراضی می‌بود ولی امروز است؟

کارشناسان او را قانع می‌زند که برای توسعه اقتصادی گریزی از سرما بدهد نمی‌باشد. بنا بر این تشخیص کارشناسی مصلحت در نفس خود به معنای عقب‌نشینی اجتهاد دینی از تشخیص مصلحت سیاسی اجتماعی می‌باشد که در واقع بر روند اجتماعی می‌باشد که در این میان توجه نمودن به افراد روندی را در رابطه با مشکلات جامعه احیه کرد. در این میان توجه نمودن به افراد و جریانی‌هایی که توانایی انجام این کار را دارند، بقای اصولی حکومت اسلامی را تضمین خواهد کرد. اگر چه و بغض‌های خود را در این رابطه به کناری نگذازم و از شخصیت‌ها و افراد کلیدی را هکشا استفاده نکنیم بدون شک جمهوری اسلامی را به ورطه یک حکومت غیر مذهبی خواهیم انداخت.

اکنون دست‌های مرموز با سوء استفاده از حساسیت‌ناجای ما، این تفکر را شیوع می‌دهند که وجود یک کارشناسی از فرنگ برگشته، خطری برای حکومت اسلامی ندارد. ولی بکارگیری یک عنصر صاحب نظر و منتقد بقای جمهوری را به خطر می‌اندازد! آنها بدین گونه نژوای شخصیت‌های ارزشمند را موجه نشان می‌دهند. بی‌شک کسی که تلاش در جدایی حوزه اجتهاد دینی و حرکت سیاسی دارند با علم‌براندیشه‌های تاریخی حوزه به این مطلب پای می‌نشینند که عرصه‌ها معه را به دست کارشناسان بی‌طرف بسپارید. ولی این بار از جدایی دین و سیاست در درجه اول خود روحانیت لطمه خواهد دید و سرنوشت انقلاب مشروطیت دگر باره تکرار خواهد شد.

جلوگیری از این خطر تنها در حل تعارض حوزه اجتهاد دینی و نظام سیاسی می‌باشد و در این رابطه توجه به شخصیت‌ها و جریان‌هایی که قدرت حل این تضاد را دارند ضروری می‌باشد. بهره‌گیری از کسانی که میان فقهی حکومت اسلامی را پایه‌ریزی می‌کنند تنها بقای نظام را به خطر نمی‌اندازد بلکه حتی با به‌های ایدئولوژیک یک سیستم حکومتی را محکم خواهد کرد.

اندیشه‌ای‌نگه‌اگر به نظرات دیگری به‌ها داده شود می‌رانی برای ما باقی نخواهد گذاشت، سرانجام قتل‌ها بیل به دست قاتیل را تکرار خواهد کرد که سود آن را کسی جز شیطان نخواهد برد.

پاورقی‌ها:

۱- مقدمه کتاب ولایت فقیه امام خمینی

۲- کتاب ولایت فقیه صفحه ۱۷۷

۳- کتاب ولایت فقیه مقدمه صفحه ۸

روش تحلیل وریشه‌یابی اختلافات

● کاربرد این بحث :

این مطلب در دوزمین‌ها اساسی می‌تواند مفید واقع شود. انگیزه ما از پرداختن به این مطلب نیز بیدار کردن "روش صحیح" در همین دوزمین‌هاست که عبارتند از:

۱- ریشه‌یابی و حل اختلافات درون نیروهای انقلاب.

۲- تحلیل از خود، و خودسازی.

بطور حتم شما هم با این دو مسئله سروکار دارید و فکرتان را به خود مشغول کرده‌است.

حداقل اگر امروز به شکل‌ها دوبخراش با این مسائل درگیر نیستید ولی در پیرامون خود با آن برخورد و ارتباط دارید. لذا اهمیت آن واضح است و نیاز به قلم‌پردازی ندارد.

در این دو مورد توضیح مختصری می‌دهیم و سپس وارد اصل مطلب خواهیم شد.

۱- ریشه‌یابی و حل اختلافات درون نیروهای انقلاب

بدون تردید مهمترین مسئله انقلاب ما اختلافات درونی بوده‌است.

در دوره قبیل از قیام ۲۲م بهمن، همه اقشار جامعه متحد بودند. با همیمنی هماهنگی رژیم سلطنتی را که دچار تشتت‌های درونی هم‌شده بود سرنگون کردند. اما از همان زمان اختلافات نظریاتی بین نیروهای مختلف وجود داشت. بطور مثال: بین مارکسیست‌ها و مذهبی‌ها، بین گروه‌های سیاسی و روحانیت، اختلاف بین مراجع و روحانیون، اختلاف بین اعضای شورای انقلاب یا سردمداران انقلاب و غیره. با مرور زمان همین نطفه‌های اختلاف تدریجاً رشد کرد. هرکدام در برهه‌های از زمان به صورت یک مشکل عمده مملکت درآمد. ما برای دولت موقت، تشنجات و بحران‌های زمان بنی‌صدر، جنگ‌های داخلی و تجزیه طلبی، فاجعه‌ها را در کشی و درگیری گروه‌های سیاسی و خط امام و ضایعات دیگر در همین راستا، همه پدیدار دادند.

این سیر پدیدار نگار رسید که بین شخص اول و دوم انقلاب یعنی امام خمینی و آیت‌الله منتظری که امید امت و امام بوده و هستند، نیز اختلاف نظریاتی بروز کرد.

مسلم است که وجود اختلاف فکری بین افراد، حتی در بالاترین سطوح جامعه طبیعی است. حتی تضادهای فکری می‌تواند منشا رشد و تحول و خیر برای جامعه باشد.

در بیشتر مبارزه‌ها حق و باطل آشکار می‌شود. لذا پس از هر عمل صالح و مبارزه انقلابی افراد در خود فرومی‌روند و به تعمیق یا تعمق می‌پردازند. با توجه به آشکار شدن توانایی‌ها تا توانایی‌هاشان می‌کوشند ارزیابی مجددی از خود بکنند. اضعفای خودشان تبیینی پیدا کنند. این کار ممکن است آنگاه‌ها نه با برنامهریزی و روش صحیح باشد. با اینکه اشخاص در ضمیر خود و بدون برنامه به یک جمع بنسبتی اجمالی از خود برسد و بر اساس آن عمل کرده‌اند خود را طراحي کنند. دوره انقلاب و جنگ نیز یک صحنه آزمایش و سازندگی برای انقلابیون ایران بود.

مشاهده کرده‌ایم، کسی که خیلی پرشور و انقلابی بوده، با شورش و حال به جبهه رفته، بعد از بازگشت به یک نوع آرامش و سکونی می‌رسد. در حرکت‌های مخاطره‌آمیز شرکت نمی‌کند، با احتیاط و تردید به حرکت‌های انقلابی می‌نگرد. با فردی که با اخلاص و انگیزه مبارزه کرده و مواظبی چون زندان یا اسارت را تحمل کرده‌است، پس از رهایی از آن مصائب، گوشه‌گیری اختیار می‌کند. از شرکت در اجتماعات و محافل خودداری می‌ورزد. این تغییرات غیرمنتظره در رفتار افراد ناشی از همان جمع‌بندی و تحلیلی است که از نیرو و توان خودشان بیرون کرده‌اند. گاهی انسان در تحلیل از خود، توان و استعداد خودش را کم و ضعف‌هایش را زیاد می‌بیند. چنین فردی دچار خودکم‌بینی و نتایج آن نوع محافظه‌کاری سیستماتیک می‌گردد. به عکس فردی که ضعف‌های خود را نادیده می‌نگارد، دچار غرور می‌شود. این فرد بدون رویه‌دروهر حرکتی و در هر مرحله‌ای شرکت جست‌ه و مدار خود را از یاد می‌برد. هر دو این روش‌ها به ما ضربه می‌زند.

● روش‌های مختلف

در باره تحلیل وریشه‌یابی رفتار انسان مکانی فکری هرکدام روش خاص دارند.

این روش‌ها را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱- آنهایی که فعالیت‌های انسان را متأثر از محیط و شرایط خارجی و

زندگی‌ها و شکنجه‌ها، عداوت‌های بی‌مورد، برخورد جذبی و ارشادی به جای دفعی و حذفی، این مسائل حکایت از آن دارند که آیت‌الله منتظری در مورد نحوه نگرش به اختلافات و روش برخورد با آنها نظریاتی غیر از شیوه‌های رایج دارند. هم‌اکنون نیز کسانی که با مسئولین نظامی مواضع رهبری اختلاف نظر دارند با این مشکل روبرو هستند. این عده نمی‌توانند این اختلاف را درست ریشه‌یابی کنند، در نتیجه به جای مبارزه ریشه‌یابی با انحرافات و خطاها با شیوه‌های غلط خود را خواسته به توسعه آنها کمک می‌کنند. همیمنی‌نا‌راسی از طرف مسئولین نیز در برخورد با آنها مشاهده می‌شود.

برخی روحانیون و مسئولین امر با گروه‌های سیاسی یا جوانان دانشگاہی و روشنفکران اختلاف فکری و رویه داشته‌اند یا دارند. آنها متأثر از ریشه‌یابی‌های درستی از این اختلافات نمی‌کنند. لذا برخورد‌های غیرعادلانه و غیراسلامی با آنها می‌نمایند. این برخوردها به جای تعالی و رشد آنها، به تشنجات و درگیری‌های اجتماعی دام‌ن‌زده می‌زند. امروز می‌بینیم با حذف و طرد نیروهای داخلی، قحط الرجال ساختگی بوجود آمده که با بستن به دنبال خارجی‌ها و با به‌خارج گریخته‌ها می‌گردند.

این برخوردها آنقدر فاجعه‌آفرین بود که ما خمینی در پیام حج سال ۶۷ به روحانیت بدین مضمون گفتند که برخوردهای حذفی با جوانان دلسوز اسلام، با انگ‌التقاط، از خود لتقاط گناهش بیشتر است. امیدواریم روش صحیح ریشه‌یابی اختلافات را بتوانیم پدیدار کنیم و از این درگیری‌ها که سرانجام درگیری رستم و اسفندیار، جزا کمیت گشتاب نیست.

۲- تحلیل از خود و خودسازی

استعدادها و ضعف‌های هر فرد با جریانی

مسلم است که وجود اختلاف فکری بین افراد، حتی در بالاترین سطوح جامعه طبیعی است. حتی تضادهای فکری می‌تواند منشا رشد و تحول و خیر برای جامعه باشد. به قول رسول اکرم (ص): **لَا نَفِي لِفِي اِخْتِلَافِ اُمَّتِي رَحْمَةً**. اما آنچه اختلاف فکر را به تقابل و تشنج و درگیری گشاده و موجب زوال جامعه می‌شود، "شیوه برخورد" غلط با اختلاف است. "نحوه نگرش" غلط به "اختلاف نظر" است.

مثلاً اختلاف نظر بین امام خمینی و آیت‌الله منتظری کاملاً طبیعی است. چون هر دو شخصیت، صاحب بینش و آزاداندیش بودند. هرکدام مسیر خاص و تجربه‌های خاص خودشان را داشتند.

آزاداندیشی و اتحاد آیت‌الله منتظری تحت رهبری امام خمینی می‌توانست عاملی باشد برای باروری خط امام و رسیدن به راه‌حلهای کاملاً متعادل. کما اینکه در مواردی نظریات ایشان عملی شد و گام‌های مفید برای انقلاب بود. مثلاً برگزاری نماز جمعه، با اصرار و بیگیری ایشان شروع شد. هفته وحدت از ابتکارات ایشان بود. اصلاحات در سیستم مدارس حوزه‌های علمیه، با به‌گذاری فقه‌ حکومتی و تعمیق در مسئله ولایت فقیه در حوزه، ترویج و وارد کردن قرآن و نهج‌البلاغه در حوزه علمیه و از این قبیل اقداماتی که توسط ایشان انجام پذیرفته‌است. اما علت اینکه این قضیه تبدیل به یک بحران و معضل اجتماعی و بین‌بستی برای نظام گردید، این است که نظریات دلسوزانه ایشان سناریوی خاصی ساخته شد و انتقادات دلسوزانه به شکل دیگری قلمداد گردید.

اتفاقاً یکی از مواردی که آیت‌الله منتظری در نامه‌ها به ایشان به ما خمینی مکرراً روی آن تاکید می‌کردند، مربوط به همین مسئله "شیوه برخورد با اختلافات" می‌شد.

مثلاً نحوه برخورد با مخالفین، مسئله

**انجمن ضدبها نیت غا فل
بودند که در با رمیخواست
تضا ذبها نیت و ضدبها نیت**

می دانند. (امالت محیط - امالت شرایط).
۲- آنها بی که خود انسان را فاعل و عامل می دانند، رفتار و اعمال انسان را به درون انسان نسبت می دهند. (امالت انسان).

● امالت محیط و امالت شرایط

الف - مارکسیستها

برخی معتقدند که شخصیت و افکار هر کس ساخته محیط و شرایطی است که در آن به سر می برد. این نظریه بطور منسجم در مکتب مارکسیسم مطرح است. مارکسیستها در طبیعت به ماده امالت می دهند و به تقدم ماده بر ایده و شعور اعتقاد دارند. در بنا بریخوا اجتماع بشری هم همین فرمول را جاری می دانند. تکامل ابزار تولید و شیوه تولید را عامل محرک و زیربنای تاریخ و اجتماع می شمرند. اینها معتقدند، روابط اجتماعی، اخلاقی، فیکسار و فرهنگ تابع و انعکاس تکامل ابزار تولید است.

در این طرز فکر، شخصیت هر انسانی بستگی به شیوه تولیدش دارد. هر شیوه تولیدی در ذهن انسان انعکاس خاصی دارد.

مثلاً دهقانی که با زمین و زراعت سروکار دارد، دارای یک شخصیت و افکار خاص می باشد. کارگری که در کارخانه و با ماشین مشغول کار است شخصیت و افکار دیگری پیدا می کند...

مارکسیستها آگاهی و شناخت انسان را "انعکاس جهان خارج در ذهن" تعریف می کنند. معتقدند ذهن انسان جسون آینه ای است که اشیا خارجی در آن منعکس می شود.

در این طرز فکر مسئولیت انسان تبیین نمی شود. هیچکس را نمی توان مقصوم مسئول دانست. به کسی نمی شود انتقاد کرد. چون در تحلیل نهایی تمامی افکار و رفتار آدمی با زبان و عکس العمل جبری محیط و شرایط خارجی اوست. بطور مثال حزب توده علیرغم اشتباهات تاریخی بسیار، هیچگاه از خود انتقاد نکرده است. همیشه گناه را به گردن یک عامل خارجی انداخته اند.

با توجه به دیدگاه "امالت شرایط"، مارکسیستها می توانند نسبت به وضع جامعه شان احساس مسئولیت می کنند و

**باقی با شدت نیروها
سرگرم شوند. آنها تلاش
می کردند که سردمداران
رژیم شاه را در مسوورد
بها نیت روشن کنند و حتی
روی ولیعهد کارفرهنگی
می کردند تا جذب بها نیت
نشود.**

به مبارزه بیشترا معتقدند، تبیین فلسفی از کارشان ندارند.

تفکر امالت شرایط در بسیاری موارد توجیه گریزیدگی، عقب نشینی و خیانت در شرایط فشار می شود.

**ب - تفکر امالت شرایط در میان
نیروهای مذهبی**

این طرز تفکر در بین نیروهای مذهبی و روحانی هم وجود دارد. برخی از اینها انتقادات و اشتباهات خود را به عهده شرایط و اوضاع و احوال زمانه حواله می دهند. به همین دلیل ضربه ها و اشتباهات تکرار شده و رشد و تحول درونی کمتر صورت می گیرد. با درمورد اینکس علیرغم اصول اعلام شده، جرات ن به مصالحه با صدام داشته ایم؟ در جواب به علل درونی کاری ندارند. می گویند علتش فشار دشمن بود.

● امام خمینی (ره) و اطرافیان

قبل از پیروزی انقلاب امام خمینی در پاریس بودند. دکتر بزدی و قطب زاده و بنی صدور برخی اعضای نهضت آزادی با ایشان ارتباط بیشتری داشتند. طرفداران دکتر بقایی شدیداً نگران بودند که امام تحت تأثیر اطرافیان قرار می گیرد و به دکتر ممدق خوش بین می شود یا برخی محافل روحانی نیز از این مسئله ابراز نگرانی می کردند. آنها فکر می کردند امام خمینی تابع محیط اطراف است و مواضعش در جهت آنها خواهد شد. لذا این جریان فشار می آورد و افراد فوق را کناره رزده و خود جا بگزینش شوند.

در دیدگاه آنها حتی شخصی در حد مجتهد جامع الشرایط و مرجعیت، تابع اطرافیان است.

● آیت الله منتظری و اطرافیان

در قضیه آیت الله منتظری وقتی

می پرسیدیم جریان چیست؟ استدلال شفاهی و کتبی که مطرح کردند این بود که ایشان تحت تأثیر القایات سید مهدی و اطرافیان قرار داشته است.

موقعی که ایشان از طرف خبرگان قائم مقام رهبر شناخته شد، عده ای از روحانیون برجسته از جامعه مدرسین طرحی برای بیت و دفتر ایشان ارائه دادند. به موجب طرح آنها ۵ نفر از خبرگان به عنوان دفتر رهبری روابط ایشان را در اختیار می گرفتند. تحلیل آنها این بود که اگر اطرافیان ایشان تغییر کنند، نظریات و مواضع ایشان هم تغییر کرده و به تبع دفتر و بیت، گرایشات راست و سرمایه داری پیدا خواهد کرد.

همین تفکر را سید مهدی هاشمی در باره مواضع امام خمینی داشت. او به بعضی مواضع امام انتقاد داشته ولی نمی توانست به روش صحیح آن را ریشه یابی و تحلیل کند. تصور می کرد این موضع گیری - های امام القای اطرافیان ایشان است.

البته منکر این نیستیم که هر شخصی از محیط اطرافش تأثیر می گیرد. اما همین اثر پذیری هم به اعتبار یک زمینه درونی انجام می یابد. کما اینکه افراد مختلف از یک ماجرا، تأثیرات مختلف می پذیرند.

در شرایط فشار و سختی، یک فرد را می بینیم که مقاومش با لاسی رود و خلوص پیدا می کند. دیگری خود را می باز و دوبه بریدگی می رسد.

با ران که در لطف طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس

● سختی مذهبیون و مارکسیستها

گرچه ممکن است برای برخی این سخن گران باشد و نیذیرند که مارکسیستها در این زمینه سختی فکری دارند. اما با بررسی عمیق تر مشاهده می کنیم حتی در تعریف شناخت نیز این سختی آشکار است.

در کتابهای منطق که در حوزه های علمیه تدریس می شود، عامل شناخت و ادراک انسان را جهان خارج می دانند. ذهن انسان را به آینه ای تشبیه می کنند که صورت اشیا در آن منعکس می گردد. (کتاب کبری ص ۱) و (کتاب منطق مظهر، تعریف ادراک و علم) و (سیر تحول فکری مجاهدین - راه مجاهدی شماره ۳۶ و ۳۷)

● امالت انسان، امالت فرد

امالت انسان، امالت فرد
امالت محیط و امالت شرایط
امالت انسان، امالت فرد
امالت محیط و امالت شرایط

و محکوم شرایط خارجی و محیطش می دانست. در این نگرش برای ریشه یابی حرکات فرد، به درون او مراجعه می شود. اما تعاریف مختلفی از درون انسان شده است. بر سر اینکه ویژگی انسان چیست اختلاف نظر وجود دارد.

در اینجا ما چهار جریان فکری و روش تحلیل را بررسی می کنیم:

۱- امالت آگاهی: این جریان فکری وجه تما یز انسان را با حیوان، آگاه بودن او می داند. لذا ریشه همه اعمال پسندیده را در آگاه بودن و ریشه انحرافات را در نادانی و نا آگاهی می داند.

۲- امالت خلقت یا نفسانیت: این دیدگاه معتقد است بشر ذاتاً خودخواه و شرور است. هر عملی که انجام می دهد از همین ذات حیوانی و پلید و سرچشمه می گیرد. تنها افراد خاصی که تزکیه کرده باشند، اعمالشان از روی خیرخواهی و پاک است. یعنی انسانهایی که از دام نفس خودخواه نجات پیدا کرده و به مرحله خدا خواهی رسیده باشند. این تفکر با یک بدبینی به انسانها می نگرد.

۳- دور خلقت و معرفت: این تفکر در واقع از اختلاط دو نظریه فوق ناشی می شود. گاه ریشه انحراف را نفسانی و خلقتی و گاه معرفتی و ایدئولوژیک می بیند. (۲)

۴- امالت فطرت خدا جو: این دیدگاه همه انسانها را صاحب فطرت خدا جو، حق طلب و عدالت خواه می داند. بشر تا گزیر است به دنیا فطرتش به هر صورت پاسخ دهد. همین فطرت حق طلب انگیزه و محرک انسانهاست که بدنبال شناخت و کسب معرفت می روند. شناخت در واقع باسخی به دنیا فطرتی انسان است. این شناخت، گاه در راستای فطرت بوده و شناختی صحیح است و گاه انحرافی است. نفسانیات و خلقتها نیز می تواند تند ما نفع سکوفای فطرت باشند یا خدمت آن در آیند.

در این مقاله سعی می کنیم این روشها را مرز بندی کنیم. تفاوت آنها را در عمل و موضع گیری اجتماعی نشان دهیم. نقاط ضعفها و قوت هر روش را ارزیابی نمائیم.

امیدواریم به دیدگاه و روش اصولی دست یابیم. مسائل انقلاب را با یک روش صحیح بررسی کنیم و به دامن شیطانهای بزرگ و کوچک نیفتیم.

● روش اول: امالت آگاهی

همانطور که گفته شد طبق این نظریه

همه انحرافات و اختلافات از آگاهیه‌های غلط و ضعف معرفتی ناشی می‌شود. برای روشن شدن این نظریه چند مثال گفته می‌شود:

● مبارزه فرهنگی در برابر بر سلطنت وابسته

در زمان شاه، برخی علماء گمان می‌کردند، خلافت‌کارهایی شاه به خاطر عدم آشنایی او و سران مملکت به اسلام و برنام‌های اسلامی است. ریشه فساد و فحشا، را صرفاً در ضعف فرهنگی و عدم آگاهی مردم به احکام و مسائل اسلامی می‌دانستند. لذا تنها راه حل را این می‌دیدند که از هرتربییونی استفاده کنند و مردم و شخصیت‌های سیاسی را با مسائل اسلام آشنا کنند.

آنها غافل بودند که شاه و سران مملکت منافع خود را هیچگاه فدای اسلام نخواهند کرد. اگر مردم از اسلام و مذهب می‌زنند به خاطر منافعی است. خود رژیم از دادن زدن به مفاسد اخلاقی و فحشا، حمایت می‌کرد. گسترش فساد دیک و جهش توطئه رژیم بود.

در جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲۱ امام خمینی در نشستی از علماء برجسته حوزه از لولوا بحشنگا نه‌ها منتقا دکرده و می‌گوید اینها یک توطئه است. علماء می‌گویند از کجا معلوم که شاه قصد توطئه دارد؟ شاید از عواقب این کارها اطلاع ندارند. ما با بند شخصی را بفرستیم با شاه صحبت کند. نه‌ها بیتا یکی از علماء به نام آیت‌الله روح‌الله کمالوند از جانب علماءی قسم برای نصیحت نزد شاه رفت. تفصیل مطلب در کتاب نهضت امام خمینی صفحه ۲۲۲ تا ۲۲۵ جلد اول

انجمن ضدبها ثبت هم‌دربار دیهانت همین نحوه سرخوردرا داشت. آنها غافل بودند که دربار می‌خواهد تضاد دیهانتیت و ضدبها ثبت، باقی با شدنا نیروها سرگرم شوند. تلاتی می‌کردند که سردمداران رژیم شاه را در موردبها ثبت روشن کنند و حتی روی ولیعهدکا فرهنگی کنند تا جذب بها ثبت نشود.

● موعظه سرما به‌داری

برخی فقها، فکر می‌کنند که احما را طلبی و کنزاندوزی سرما به‌داران به خاطر بنا آگاهی و ضعف فکری است. گمان می‌کنند صرفاً با نصیحت و بندهای اخلاقی مسئله سرما به‌داری و اختلاف طبقاتی را می‌توانند حل کنند. امام خمینی خطاب به این جریان فکری گفتند: گمان نکنند مسئله سرما به‌داران را لوصفت با نصیحت و موعظه قابل حل است.

● برخورد مسالمت‌آمیز با امپریالیسم و صهیونیسم

این تفکر که همه تضادها را در حیطه فکرو اندیشه می‌بیند. مبارزه قهرآمیز و مسلحانه با امپریالیسم را هم‌نفسی می‌کند. این جریان غارتگری و جها نخواری امپریالیسم را نادیده انگاشته و به چشم یک تمدن به آن می‌نگرند. می‌گویند تمدن غرب به‌خلاق و فرهنگ اسلام محتاج است. بنا بر این با یستی اسلام را تبلیغ کنیم و آنها را تحت تأثیر قرار دهیم.

مسئله صهیونیسم را با یهودیت یکی می‌بینند. تضاد فلسطین و صهیونیسم را تضاد ایدئولوژیک یهود و مسلمین قلمداد می‌کنند. با این تحلیل به خط مبارزه فرهنگی و تبلیغی می‌رسند و مبارزه مسلحانه را رد می‌کنند.

● برخورد مطلقاً فلسفی با

امپریالیسم و صهیونیسم

یک جریان فکری در ایران وجود دارد که امپریالیسم را صرفاً به چشم یک تفکر و فلسفه می‌بیند. البته امپریالیسم یک پشتوانه ایدئولوژیک فلسفی دارد. یک نظام فکری دارد. اما این نظام فکری در واقع توجیه‌گر غارتگری و توسعه‌طلبی امپریالیسم است. جوهر امپریالیسم عقیده و تفکر نیست. توسعه‌طلبی و استکبار است. جریان فکری مزبور به وجه ظلم و استثماری استکباری که متوجه‌دارد و نظام فلسفی و فکری امپریالیسم را عمده‌تر می‌داند.

با همین معیار به انقلاب نگاه می‌کند یعنی برای تشخیص نیروهای حق و باطل تفکر آنها را مورد قضاوت قرار می‌دهند عمل و موضعگیری اجتماعی سیاسی آنها را. این جریان هر کس را که به لحاظ فکری و فلسفی با نظام فلسفی غرب نزدیک باشد ولو که با توسعه‌طلبی و استثماری امپریالیسم درگیر شده باشد در خط غرب می‌داند.

مثلاً در تاریخ ایران مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی را صرفاً بدلیل اینکه از علم جدید حمایت کرد، در خط غرب و فراماسوئری می‌دانند. مبارزه ضد استعماری و تأثیرات در کشورهای خارجه را نادیده می‌نگارند.

مشروطه را یک حرکت غربی و اجنبی می‌دانند. چون در بین مشروطه‌خواهان اندیشه‌های غربی و الگوهای غربی وجود داشته است. نهضت ملی نفت را به همین ترتیب تخطئه می‌کنند. دکتر شریعتی را در همین جها رجوب رد می‌کنند در حالی که این حرکتها هر کدما یک شور و انگیزی علیه منافع امپریالیسم در ایران ایجاد کرد. هر چند این نارسایی

یک جریان فکری در ایران وجود دارد که امپریالیسم را صرفاً به چشم یک تفکر و فلسفه می‌بیند. البته امپریالیسم یک پشتوانه ایدئولوژیک دارد. اما این نظام فکری در واقع توجیه‌گر غارتگری و توسعه

را هم‌داشته است که تفکر منسجم را هنامی عمل ندانسته‌اند.

عامل بوجود آمدن انقلاب مشروطه و سایر حرکتها ی انقلابی، فطرت عدالتخواه و حق‌جوی مردم بوده است نه تفکر فلسفی آنها. همین فطرت عدل طلب است که همیشه منافع غرب و استکبار را تهدید کرده و می‌کند. با این روش تحلیل صرفاً متحجرین و قشری گزراها و آنها نی‌کدر در صحنه نبوده اند و کاری به حل مشکلات مردم ندارند در خط غرب نبوده‌اند. سایر نیروها که به صحنه آمده‌اند طبیعاً بدلیل ضعف بینشی از علم و افکار غرب هم استفاده کرده‌اند.

اگر تفکر را مبنا و علت قرار دهیم همین انقلاب اسلامی ایران هم‌تبییین نمی‌شود. چرا که از تفکر راجد حوزه‌ها با بین مردم، قیامها ی خودجوش و حرکتها ی مردمی دوره انقلاب نیبیین نمی‌شد. از فطرت عدالتخواه مردم و جوانها این حرکتها می‌جوشید. حتی انقلاب بسیاری تفکرها و فلسفه‌ها را شکست داد. در جریان جنگ همین قانون - بندی بود. امام خمینی یکبار گفتند که فلسفه و عرفا و دانشمندان ما از تبیین ابثارها و عملیات رزمندگان عاجزند. در حرکتها ی گذشته انقلاب ایران هم، هر چه شی‌با عث تعمیق در افکار و آموزشها ی زمان می‌شد. افکار غربی زمان مشروطه را به عنوان یک نارسایی و نقیصه‌با بدید. اما همین حرکتها ی انقلابی در سر رشد خود تدریجاً ایدئولوژی و متدولوژی واقعی خود را جستجو و پیدا خواهند کرد. با نظام فلسفی غرب هم درگیر خواهند شد.

● اصالت آگاهی و عاقبت طلبی

کسی که به این دیدگاه و روش عمل می‌کند کار فکری و فلسفی را بزرگترین جهاد می‌داند. شرکت در حرکتها ی انقلابی و قهرآمیز علیه امپریالیسم و وابستگانش

طلبی امپریالیسم است. جوهر امپریالیسم عقیده و تفکر نیست. توسعه‌طلبی و استکبار است.

را بیپوده می‌بیند. به عملکرد اجتماعی و خصلتها و اخلاق عملی توجه ندارد. چون به کار فلسفی و فکری اصالت می‌دهد. لذا حفظ خودش و کارش محور قرار می‌گیرد. این روش انسان را دچار یک زندگی عاقبت طلبانه می‌کند. خصلتها را تحت طلبی، خودمحوری و دنبایی در انسان رشد می‌کند. از طرف دیگر چون حرکت برای ندادن و تضاد دنبانی با امپریالیسم و شیوه‌ها ییش ندارد، تدریجاً با آن سخت پیدا می‌کند. فقط به لحاظ فکری و عملی انبار معلومات است.

● نفوذ جا سوسها در این جریان

این جریان فکری به دلیل ساده‌اندیشی نسبت به امپریالیسم و نیز عدم شرکت در عمل صالح و حرکتها ی خونبار قادی به شناخت ابادی و جا سوسها ی دشمن نیست. فکرو اندیشه را ملاک قرار می‌دهد. ابادی مرزوبنا تظا هروهم موضع‌نشان دادن خود، اعتماداً این جریان فکری را جلب می‌کنند و سپس با جهت‌دادن این مبارزه فرهنگی از آنها استفاده می‌کنند. نفوذ ساواکبها و عوامل رژیم شاه در انجمن ضدبها ثبت چنین قانون بندی داشت. این جریان فکری گمان می‌کند با کار فرهنگی می‌توانند عوامل وابسته را تحت تأثیر قرار داده و هدا ییت کنند. نفوذ و مقبولیت احسان نراقی در برخی محافل روحانی و فقها ی حوزه زهمین قبیل است. احسان نراقی از عوامل موق‌ساواک و سیا و برنا مریز رژیم شاهنشاهی بود. چندین بار با شاه ملاقات کرده و در جهت چاره‌جویی و ترمیم رژیم آشفته‌شاه تلاش می‌کرد. با تمام اینها صرفاً بدلیل دفاع لفظی او از شوروی نگهبان و فقه حوزه و کمونیست دانستن دولت مهندس موسوی، بسیاری او را مسلمان دوا تشه‌شناخته و مورد تکریم قرار می‌دهند. نفوذ دکتر مظفر بقایی نیز چنین حالتی داشت.



مطلب فوق به علت طویل بودن در چند شماره منتشر می‌شود. لذا ادامه مطلب را در شماره بعد مطالعه فرمائید.



نامه و بیانات آیت الله منتظری

از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلیها را با رور مینماید، بر آن شدم مجموعه ای از اخبار مهم را در بخشی از شبیه که به اینکار اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق افول امپریالیسم. ضمناً "راه مجاهد" با این اخبار برخورد فعال میکند.

بیانات آیت الله العظمی منتظری در پایان درس خارج فقه

در روز شنبه ۱۳۶۹/۱۰/۲۹

بیرامون "اوضاع بحرانی خلیج فارس"

خداوند انشاء الله لعنت کند آل صبا چرا که دوسه سال پیش پای آمریکا را در خلیج فارس و در این منطقه با زکند و خدا سزایشان را داد و آنهارا الحمد لله آواره کرد و بعدش خدا لعنت کند آل سعود را که برای حفظ حکومت پوتالی تحمیلی خودشان با زبای آمریکا و با دیدش و همه قوای کفر را به منطقه با زکند، حرم امن خدا را که به دستور پیغمبر اکرم (ص) باید منطقه جاز زکفاریا ک باشد، منطقه وحی خدا را در اختیار آمریکا و ایادی کفر قرار دادند برای حفظ حکومت پوتالی خودشان و با نتیجه با پول منطقه ماها، پول ذخایری که مال اسلام است با پول اینها بمب و موشک بر سر مسلمانها بریزند، فرق نمیکنند وقتی که بمب و موشک به سر ملت عراق بریزند مثل این است که به سر ما ریخته اند، ما صد امر کار نداریم، صد مهمی مثل همانها، اما مردم مسلمان بیگناه بغداد و بصره و شهرهای عراق بمب و موشک به سرشان ریخته میشود، بهانه ای است که چرا آل صبا چرا زکویت بیرون کردند، چطور آمریکا آن وقت که اسرائیل شهرهای فلسطین را اشغال میکنند، فلسطینیها را قتل عام میکنند، مدافع اسرائیل است، خودشان با نا م و کشورهای آمریکا لاتین را اشغال میکنند و درش دخالت میکنند هیچ اشغال ندارند، از اینکه دنیا با می شوند می آیند اینجا و خلاصه تمام منطقه را مثل اینکه مال خودشان میدانند، به اسم حمایت کویته کویته چیست آقا جان. اینها میخواهد منطقه را اختیار خودشان باشد. صریحاً میگویند نفت را می خواهند، مال خودشان میدانند. خلاصه خدا لعنت کند آنها بی که پای اینها را با زکند و اینجاست و میدوانیم انشاء الله هما نظوری که آنها سزای عمل خودشان را دیدند و آواره شدند و انشاء الله دلیل ترمی شوند، اینها هم

سزای عملشان را ببینند و دلیل بشوند و خداوند انشاء الله مسلمانها را از شر همه شان نجات بدهد. علی ای حال آلئتی که قوای کفر آمده اند توی منطقه اسلام، منطقه اسلام ایران و غیره ایران ندارند، در اسلام مرز نیست، اسلام است بمب و موشک با پول خودمان به سر ملت مسلمان عراق بریزند مثل این است که به سر ما ریخته اند، و ما غزی قوم فی عفر دار هم لا ذلوا، کفار را کشیده اند توی منطقه خودمان، آلئتی که اینها توی منطقه آمده اند و در رندروی سرما بمب و موشک می ریزند حالا وقت مرگ بر آمریکا است همه کشورهای بی که یک خرده غیرت دارند حتی اروپا، حتی مقابل کاخ سفید حالا آنجا دارند شعار میدهند، میتینگ میدهند علیه جنگ و متاسفانه خاک مرگ بر سر ما ایران ریخته شده، همینطور اینجا ساکت نشستیم آنها هر کار میخواهند میکنند، اقلان هر جور می توانند اشغال می با پیدا ظاهر رتفر میکنند. ظاهر را نزاجا میکنند که به چه مناسبت قوای کفری با ایند به سر ما بمب و موشک بریزند، ما حتی مرگ هم به شان نگوئیم، ظاهر را مخالفت با جنگه بین هم چنگ اینجوری، جنگ قوای کفر و مسلمانان را مردمی که آمده اند اینها همکاری میکنند از مصور و سوریه و ترکیه و امارات و ما اقلان ظاهر رتفر هم نکنیم.

خداوند انشاء الله به مسلمانها یک جو غیرت بدهد، یک حمایت بدهد، یک میلیاردمسلمان، همه امکانات هم مال خودشان، همه بدبختیها برای این است که این سران دست نشاندگان هستند. آن وقت آخوندهای درباری هم که از همینها حمایت میکنند حالا هم دارند حمایت میکنند، و پیغمبر اکرم (ص) فرمود: **بِئْسَانٌ مِنْ أُمَّتِي إِذَا مَلَحْنَا طُحْتُ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَتْ أُمَّتِي، أَلْفَقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ**. امرای ظالم و خاشان

خود فروخته و فقها بی که ما می ایستیم سلاطین خاشان هستند.

خدا با به حق محمد و آل محمد مسلمانها را مخصوصاً شیعه علی بن ابیطالب و شیعه اثنی عشر، هشتاد درصد مردم عراق شیعه مذهب و مستضعف اند، خدا با مسلمانان را از شر کفار و اجانب و ایادی عملشان و این سران خاشان نجات بدهد.

خدا با وحدت کلمه بین دلها، بین مسلمین ایجاد فرما.

ما را بر بوظایمان آشنا بفرما.

اللهم غل البهوت والکفر.

اللهم جعل عواقبنا مورنا خیراً.

بجاء محمد وآله وصلی علی محمد وآله.

● سخنرانی آیت الله العظمی منتظری به مناسبت سالروز بعثت حضرت رسول (ص) مطابق با ۱۳۶۹/۱۱/۲۴

متن بیانات ایشان از نواریا پاده شده و به علت محدودیت حجم نشریه در چند مورد تلخیص صورت گرفته است.

"لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَنْتَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يُتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتٍ تَوْحِيحًا وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كُنُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ."

اولاً من این روز بزرگ را که روز بعثت نبی اکرم (ص) است را به شما برادران و خواهران مسلمان تبریک عرض می کنم. گرجه به یک حساب این روز با این که برای ما عید است ولی به یک حساب هم نمی توانیم عید حساب بکنیم.

مولی امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می فرماید: **"كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى لِلَّهِ فِيهِ فِتْوَى عِيدٌ"**، روزی که معصیت خدا درش نشود آن روز روز عید است برای مسلمانها. بطور ما مسلمانها، ما که در اینجا هستیم،

دلمان خوش باشد و یگوئیم عید داریم در صورتی که مسلمانهای برادر و خواهر ما در عراق، عرض کردم کاری به صد ام و حکومت بعث ما نداریم، صد ام و حکومت بعث از اول با اسلام و با دین سر و کار ندارند. اما ملت مسلمان و مستضعف عراق، ملت مسلمان فلسطین، ملت مسلمان کشمیر و مسلمانهای دیگر، حالا آنی که بیش از همه ما را رنج میدهد، با دلارهای نفتی که از کشورهای اسلامی، از ذخایر اسلامی بدست آمده، بمب و موشک تهیه می شود و به سر برادران و خواهران مسلمان ریخته میشود. ۸۰٪ ملت عراق شیعه اثنی عشری هم هستند. مردم بصره، مردم ناصره، مردم بغداد، بمب و موشک بر سر سران ریخته نمی شود. آنها در پناه هگا هند و سر مردم مستضعف، سر بچه مردم، آن وقت برای مسلمانان، ایران و فلسطین و عراق و کشمیر که ندارند همه مسلمانها با هم برادرند. وقتی که آنها با این وضع دلخراش به شهادت میرسند، از نظر اقتصادی، در محاسبات اقتصادی هستند. آن وقت ما چطور می توانیم نیم عید داشته باشیم. چطور می توانیم دلمان خوش باشد. قطعاً رسول الله (ص) دلش خون است با این وضعیت که برای مسلمانها پیش آمده. قطعاً امیرالمؤمنین اما محسن، ائمه اعدا مقدسه دلشان خون است، که یک کسانیه اسم سلام بر سر مسلمانها مسلط شده باشند. و برای اینکه با نگاه خودشان را حفظ کنند برای اینکه حکومت پوتالی خودشان را حفظ کنند، با پولهای نفت و با ذخایر اسلامی، کفار را با بیاروند در سرزمین وحی، در جایی که نبی اکرم (ص) فرمود: **بِأَيِّدِيهِمْ وَبِأَيِّدِيهِمْ**، با این که آنها بی بیرون گردانینها را. با این که آنها بی که بودند تا بدست مستضعف بودند. حالا مستگیرین، سران کفر، صهیونیستها، سران صهیونیستها، به دعوت اینها بی

که خودشان را مدعی اسلام می‌دانند و خود را از اعراب و عربان جدا می‌دانند، به دعوت شیخ کویت و فهد و نمیدانم میرنشین‌ها و این شیخ میخای که به زور مسلط شده اند بر سر مسلمانان، به دعوت اینها بیایند. آن وقت آخوندهای درباری هم از این جریان حمایت کنند. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: دو صفا از امت من اگر صالح شدند اما صالح اند و اگر فاسق شدند اما فاسقند. "اللقمات والامراء صفا من امتی اذا صلحوا صلحت امتی واذا فسدوا فسد امتی". دو دسته از امت من هستند که اگر صالح شدند اما صالح اند و اگر فاسق شدند اما فاسقند. علماء و امراء، امیر حجاج زو امیر کویت و امیر قطر و... اینها بی‌کیفیت برای حکومت غاصبانه و ظالمانه خودشان بولها و دلارهای نفتی را گذاشته اند در بانک‌های آمریکا، حالا هم دارند می‌دهند به آمریکا و انگلستان و فرانسه. اینها که می‌خواهند خبا ریش را می‌شویند، تا نمب و موشک بر سر مسلمانان بریزند. خوب حالا صد جنایتکار است، مردم عراق، بیجا ره چکار کرده اند. مردم مصره چکار کرده اند. مردم بنام صریحه چه کرده اند. آن وقت با این ظلم، با این جنایات که در عراق می‌شود، در فلسطین سالهاست. خوب آمریکا، اگر شما مخالف با اشغال فلسطین و اشغال کویت این همه معرکه‌ها را در فلسطین را که اشغال کردند خودتان حمایت می‌کنید. مگر مردم

مباران کرده اند. می‌دانید که دفاع از شهرهای اسلام، از خون مسلمین، از اموال مسلمین، از دین مسلمین، جهاد دفاعی وظیفه همه است. به اندازه قدرتش، این دیگران زمان و آن زمان ندارد. هر کسی به اندازه آن که می‌تواند با خدا بکند، از مسلمانان، اقلان دعا که می‌تواند بکند، اقلان بگوید ما با این مخالفیم. که آن‌ها خیال نکنند که ما ساکتیم، پس مثلا راضی هستیم که آمریکا بیاید در این منطقه، این جور جنایت بکند. خدا یا تو را قسم می‌دهیم به حق محمد وآل محمد که شرکاف رواج را به خودشان برگردان. (حاضر: الهی آمین) خدا یا مسلمانان را از شر اینها نجات بده (حاضر: الهی آمین) به مسلمانان همه جا خدا یا یک غیرت و یک حمیت و یک خون را گذاشته اند در بانک‌های آمریکا، حالا وظایفشان در دفاع از اسلام، در عمل به شعائر اسلام، عمل بکنند انشاء الله (حاضر: الهی آمین) خدا یا مسلمانان را از شر اینها نجات بده (حاضر: الهی آمین) خوب این آیه شریفه مناسبت همین روز است. در سوره آل عمران است: "لقد من الله علی المؤمنین... این" در حقیقت... قسم است مثل اینکه برای محکم کردنش "آورد" است، یعنی قطعا بداند خدا منت گذاشته بر مؤمنین، اذا بعثناهم رسولا من انفسهم، خدا به من و

پیغمبر آگاه بودید دردهای جا معه آشنا بود به گرفتاریهای جا معه، به فقر جا معه، به بیسوادی جا معه، به جنایاتی که در آن انجام می‌شد. اینها را می‌دانست. چون از متن خودشان بود.

فلسطین آدم نبودند؟ مگر فلسطین اشغال نشده به وسیله صهیونیست‌ها؟ بطور آنجا حمایت می‌کنند، حالا اینجا دلسوز شدند؟ برای اینکه اینها نوکران خودشانند. فهد و شیخ کویت نوکران آنها هستند. آن وقت این مردم، مردم مسلمان با این وضع باشند. پیغمبر اکرم (ص) قطعا دلشان خون است! ثمة ما قطعنا دلشان خون است. آن وقت ما چطور دل‌مان خوش باشد و بگوئیم عید را ریم و به هم تبریک بگوئیم، ولی خوب چه بید کرد، حالا دیگه با لاکر به پیش آمدی است و هر کس قدرت داشته باشد باید به اندازه قدرتش از مسلمانان دفاع کند. از کشورهای اسلامی دفاع کند. بی‌شون کمک برساند. اگر کسی نمی‌تواند! قلا دعا بکنیم. ولی اگر کسی می‌تواند کمک بکند، دفاع از شهرهای اسلام، از مسلمانان، از اناموس اسلام، از اسلام، از اماکن مقدسه بکند. نجف را هم بمباران کرده اند. کما ظمیر را هم

بید و در با یستی این بی غیرتی که در مسلمانانها دیده می شود مال این کاخها و ایسن ماشینهای کذا بی و تشریفات است.

گرفتاری داشت. پریشانی داشت. این پیغمبر آگاه بود به دردهای جا معه. آشنا بود به گرفتاریهای جا معه. به فقر جا معه، به بیسوادی جا معه، به جنایاتی که در آن انجام می‌شد. اینها را می‌دانست. چون از متنی خودشان بود. فرستاده‌ای که از متنی خودشان باشد، این است که می‌تواند مردم را هدایت کند. رهبری کند این نکته من انفسهم "کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. و روی این اصل در آیه دیگر خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: "ما کان المؤمنین لیفرّوا کما ففرّوا لفر من کل فرقة طایفة منهم لیفتقها فیس الذین ولیندروا قومهم اذا رجعوا الیهم. روحانی هم گرد جا معه می‌خواهد تربیت بشود و به درجا معه بخورد، خدا دستورش را در این آیه داده. با پیدا زمتن خود آن مردم باشد، که زبان مردم را سرش بشود. گرفتاری مردم را بداند. مردم بتوانند با او الفت بگیرند. تماس با او بگیرند می‌فرماید نمی‌شود همه مردم بروند تعلم بکنند، چیزی را بگیرند. چرا از هر فرقه‌ای یک طایفه‌ای از خودشان کوچ نمی‌کنند.

این دستور قرآن است. این از خود آنجا بودن خیلی مهم است. پیغمبر اکرم (ص) با آن فرهنگ مردم آن روز، با آنکه پیغمبر خدا بود زندگی بقدری ساده، امیر المؤمنین در نهج البلاغه در یک خطبه‌ای می‌فرماید: پیغمبر اکرم کسان بیجلس جلسا لعبد، مثل بنده‌ها که روی خاک می‌نشینند، پیغمبر اکرم هم روی خاک می‌نشیند. همچی نبود که حالا ماشین بنزی داشته باشد و تشکیلاتی داشته باشد و با لایا بنشیند و مثلا فرض بگیرد، مردم نتوانند تماس بگیرند و اینها. خیر، اصلا در متنی جا معه بود. اگر یکی از دور می‌آمد اصلا نمی‌شناخت در حدیث دارد که یک کسی آمد با شترش با شتر آمد توی مسجد دید یک عده نشسته اند. گفت: "یکم محمد، کذا" میک از شما محمد (ص) هستید. معلوم می‌شود که یک تشک و منگوا مخده که آن با لایا بنشیند و امتیازی توی کار باشد، در کار رنیده. آنها حلقه‌ای می‌نشستند. اصلا حلقه‌ای که اصلا معلوم نباشد و با لایا بین نداشته باشد، بعد گفت: یا محمد من خلاصه می‌خواهم یک چیزهایی ببرم. "مَشْتَدٌ عَلَیک"، بر تو سخت است که من این چیزها را ببرم، گفتند نه ببر، بنشین ببر،

گفت می‌گویند تو آمده‌ای و می‌گویی من از طرف خدا آمده‌ام. درست است؟ گفت: بله. گفت: تو را قسم بخدا راست است؟ فرمود: بله. گفت: می‌گویند تو از طرف خدا آمده‌ای و می‌گویی که مردم همه با یسد نما زبخوانند؟ فرمود: بله. او ادا می‌داد می‌گویند که تو آمده‌ای می‌گویی که یک ما به یاد روز گرفتاری. گفت: می‌گویند، نقل می‌کنند که شما گفته‌ای خیلی همچی ساده و بدون تشریفات که با پیدا ز غنیه زکات گرفت و داده فقرا خود آن مردم. "فَقْرَاءُ هُمْ" نه، اینها بپرند در بیت المال ها رون یا معاویه. معاویه با هاش حاتم بخشی بکنند، ها رون با هاش حاتم بخشی کند، نه. "تَا حَذَمْنِ اَغْنِیَا هِم وَ تَرَدَّا لَی فُقْرَاءُ هِم". زکات را از مردم غنی آنجا بگیرند و به فقیر آنجا بدهند. فرمود: بله. گفت: بی‌شهادت می‌دهد همه وحدانیت خدا و این که شما پیغمبر خدا هستی.

آقایان خیال می‌کنند پیغمبر وقتی ۹ تا زان داشت یقین ۹ تا خانه و آپارتمان و تشکیلات و... عملا زنها پیغمبر بیشتر جنبه سیاسی داشته، یعنی مثلا فرض بفرمائید، زنی شوهرش شهید شده، برای اینکه دل سرد نشود، بی پروبال بودند دیگر و... فقط تا بشه دختر بود. تازه عایشه هم جنبه سیاسی داشته. برای اینکه آن وقت ابوبکر و اینها جذب بشوند خدمت بکنند به اسلام. عرب برای اینکه بخوانند یک عشره‌ای را، یک قبیله‌ای را جذب کنند، اگر از دو چکنند این ازدواج سبب می‌شود که این عشره یعنی قوم و خویش خودمان است حمایت می‌کنند. پیغمبر هم حایمی می‌خواست.

همه این اطایفه‌ای پیغمبر جز مسجد مدینه است. همین گوشه‌ای که قبر پیغمبر هستش همین گوشه، این هشت تا نه تا اناق پیغمبر و خانه حضرت زهرا و تازه آن صفه هم که در مسجد مدینه ۴۰۰ تا مهاجرین با ۱۰۰۰ تا آنجا بودند، همه اینها یک ذره جا زندگی می‌کردند. آن وقت پیغمبر اکرم در روایات دارد هیچ وقت نمان سیر نخوردند. در نهج البلاغه امیر المؤمنین می‌فرماید: بِرُكْبِ الْحِمَا زَا لِحَارِی. خمر لخت سوار می‌شد و کِرْدَفُ خَلْفَه. یک نفر را هم پشت سرش سوار می‌کرد. روی زمین هم می‌نشست. یَخْصِفُ بَیْدَهٗ نَعْلَهٗ، کفشش را هم خودش می‌دوخت. و یُرْقِعُ بَیْدَهٗ ثَوْبَهٗ، جا ماهش را هم خودش وصله می‌زد. امیر المؤمنین آن وقت که خلیفه است، نشسته کفشش را وصله می‌کند. این عباس می‌گوید تو حالا نشسته‌ای و کفشش را وصله می‌کنی؟! امیر المؤمنین کفشش را نشان داد و گفت این چندمی رزد. در بعضی روایات دارد که گفت: کِسْرَةُ دِرْهَمٍ، یک درهم هم نمی‌رزد، یک پارچه درهم، فرمود: "وَالْوَلِیُّ حَبَّ اَلِیٍّ مِنْ عِزَّتِکُمْ لِاَنَّ

أَقِيمَ حَقًّا وَأَطْفَاءً بِالْإِطْلَاقِ: به خدا قسم این کفش پا بره برای من ارزش زیاده است از خلافت و حکومت، مگر اینکه بتوانم حقرا بیبا دارم با طلحه بر طرف کنم. این است که به حکومت و به مقام علاقه ندا شدند، مگر اینکه کاری نجا میدهند. امیرالمومنین در شرح حالیکه از پیغمبر میگوید در نهج البلاغه برای موسی هم میگوید. حضرت موسی به قدری گرسنگی خورده بود و لاغر بود. نا که گرسنگی آمد، علفهای بیابان را که میخورد علفهای توی شکمش پیدا بود. چقدر لاغر بوده، پیسه

ندا شده. حضرت عیسی روی زمین میخوابید پیغمبر اکرم را میگوید خلعت سوار می شد، یک نفر را هم پشتش سوار می کرد. مثل بند هم روی زمین می نشست. یکی زوئهای پیغمبر یک پرده، که یکی دو تا گل به آن بوده آویزان کرده بود، پیغمبر اکرم میگوید: بر طرفش کن چشم من که به آن می افتد ممکن است من جذب به دنیا بشوم. با لاف و بشارت، خوش می آید، چشم به این نیفتد. پس آقایان علماء، فضلا واقعا ما اگر بخوانیم درجا مع حرفمان منشا اثر

با شدن با یددل به دنیا بدیم. دنیا یعنی چه؟ یعنی پست، وقتی می گوئیم پست است نبا ید دنیا لش خیلی برویم، آنی که بدبخت کرده است مسلما نه را همین مظاهر تمدن است. بیرو دریا پستی، این بی غیرتی که در مسلمانها دیده می شود ما این کا خها و ما شینها ی کذا بیو تشریفات است. در حدیثی زیبا میرا کرم هست که می فرماید: "وَاللَّهُ مَا الْفَقْرُ أَخْفَى عَلَيْكُمْ" به خدا قسم من از اینکه شما فقیر باشید از فقر بر شما نمی ترسم. آنی که می ترسم آن است که دنیا به شما اقبال کند و.....

این نفتها و با ل کشورهای اسلامی است. ما اگر نفت ندا شتیم، بوش اینجا چکاره ما داشت. هر چه بدبختی دارم از نفت دارم. خود ما هم عرضا در راهش ندا ریم. بوش می آید اینجا از اون ورینگه دنیا می گوید جا جی نا شریک، بعد هم شیخ کویت می گوید بیله نصف نفتها مال شما. بدبختی ما اینهاست، دنیا رو بیاورد همه بدبختیها از اینجا شروع می شود. اینها نعمت خدا هست. اما نعمت خدا با ید دست بقیه در صفحه ۲۱

خلاصه ای از مباحثه حجت الاسلام رفسنجانی با مجله "اشپگل"

جمهوری اسلامی ۷۰/۱/۷
خلاصه ای از مباحثه حجت الاسلام رفسنجانی با مجله اشپگل:
در ابتدا خبرنگار مجله اشپگل سعی کرده از آقای رفسنجانی مواضع در ژیم عراق و صدام بگیرد. مثلا پرسیده آیا خوشحالید که دشمن قدیمتان شکست خورد؟ یا اینکه شما گفته اید صدام استعفا بدهد؟ و با آقا شما از حرکت مردم عراق حمایت می کنید؟ که در جواب آقای هاشمی گفته اند: ما مایل بودیم صلاح جنگی اتفاق نمی افتاد. من نگفتم صدام استعفا بدهد. گفتیم با مردمش کنار بیاید و با اینکه ما دخالت در امور داخلی عراق نمی کنیم، بلکه به پناهندگان جا و مکان می دهیم.
در قسمت بعدی خبرنگار پرسیده است آیا الان بهترین موقع صدور انقلاب به عراق نیست؟ چه معنای صدور انقلاب دخالت نیست. انتقال افکار است.
س - پس آن نقشه آزاد سازی کربلا و نجف هم یک آزاد سازی معنوی بود؟ ج - ما نقشه ای ندا شتیم.
س - شما حتی سلاح هم نمی فرستید؟ ج - خیر. س - پس می نشینید و تماشا می کنید که شیعیان عراق کشته شوند؟ ج - مردم عراق خودشان کار خودشان را انجام می دهند. س - شما ادعای غرامت ۹۰۰ میلیون دلار کردید؟ ج - ۶۰۰ میلیون دلار خسارت مستقیم ۳۰۰ میلیون دلار غیر مستقیم. س - فکر نمی کنید این مقدار غرامت خواستن باعث این بشود

که صلح به نتیجه نرسد؟ آیا شما نمی خواهید از هوا بیما های عراقی به عنوان غرامت استفاده کنید؟ ج - اینها تعداد دشمن خیلی نیست و تناسبی با غرامت ندا رد. تعداد دشمن ۲۲ تا است. س - آمریکاها گفته اند بیش از صد تا است؟ ج - نمی دانم چه غرضی از این دروغها دارند. س - ظلمت های عراقی فرا کرده اند، بیابانها و عراق قرار دادی هست؟ ج - قرار دادی نیست. ما تصمیم گرفتیم آنها در اینجا بمانند. س - پس اینها پناهنده هستند؟ ج - خبر بیشترشان مایلند برگردند. س - آیا شما تصور می فرمائید که با وجود حضور نیروهای چند ملیتی در منطقه شما می توانید در اینجا تشخیص زدایی بکنید؟ ج - بله ما با کشورهای همسایه در حال همکاری هستیم و آمریکا بیها هم با اید از منطقه بیرون بروند. س - شاید عربستان میل داشته باشد آمریکاها بمانند؟ ج - اختلافاتمان دارد حل می شود. س - آیا به نظر شما آمریکا هنوز شیطان بزرگ است؟ ج - ما هنوز آمریکا را خصم انقلاب اسلامی می دانیم. س - پس شما با بدنگرانی های زیادی داشته باشید. چون ملحق در منطقه به آمریکاها بستگی دارد. برای اینکه آمریکا بیها جنگ را برند. ج - ما همیشه فکر می کردیم آمریکا به عنوان دشمن ما عمل می کند، هنوز هم همینطور تلقی می کنیم. اما زیاد هم نگران نیستیم چون می توانیم به راه خودمان ادامه بدیم. س - اگر آمریکا بیها بخوانند در منطقه بمانند شما چه خواهید کرد؟ ج - با راههای مناسب تلاش خواهیم کرد آنها از منطقه بیرون بروند. س - چه مکاناتی دارند برای اینکار؟ س - شوروی ظاهر کاری نمی تواند بکند.
ج: ما هیچگاه به شوروی تکیه نکردیم، راههای مناسب را اگر لازم بود به شما می گفتم. س - آیا صدام قصد داشت به عربستان حمله کند؟ ج - صدام در نامه اش به ما نوشته بود ما با شما ۸۰۰ کیلومتر مرز آبی داریم اگر اینها روی این نکته حساب حرف زده باشند معنا

بیش همین است که می خواستند در جنوب پیشروی های زیادی داشته باشند من از عزت ابراهیم پرسیدم شما حتی اگر کویت را هم می گرفتید ۸۰ کیلومتر نمی شد؟ او گفت: من حالا دم نیست که از فو تا جنوب کویت چند کیلومتر است. س - شما گفتید ایران می خواهد در منطقه لنگر ثبات باشد برای اینکه لنگر ثبات باشد با اید از نظر اقتصادی دارای اوضاع خوبی باشد برای این کار با ید سرمایه گذاران کاپیتالست را در کشور خود شرکت بدهد یا اینطور نیست؟ ج - لزومی ندا رد وضعی که ما با سرمایه گذاری خارجی خوب کنیم. در آن حدی که دنیا زیاده استفا ده می کنیم. س - فکر نمی کنید نظام اسلامی با بنیادگرا با بدبیش از آنچه که الان درهای خودش را به روی غرب گشوده بیشتر باز کند؟ ج - در این جهت مشکلی ندا ریم آن مقداری که دنیا زمان با شدمی توانیم با غربیها همکاری کنیم. س - شما یک بار گفتید متاسفانه از اینکه در اینجا مسائل جنسی خیلی سخت تحت فشار است. آیا تصور می کنید که با ید مقدار نرمتر و سست تر عمل کنید؟ ج - سنت های موجود مقداری سخت گیرانه ترا از حکام اسلامی است. من حکم اسلام را گفتم. س - آیا این درست است که شما سعی می کنید بیشتر در نظام رزی و مالی دنیا ادغام شوید؟ ج - ادغام لزومی ندا رد همکاری می کنیم. س - این مسئله که شما می فرمائید در واقع یک میدان عمل کوچکی است که شما دارید. ج - ما در حدی که لازم داریم از اعتبارات خارجی، استفاده می کنیم. س - نفت برای اقتصاد ایران بسیار مهم است، قیمت نفت سقوط کرده، نقش شما در این برای ترقی قیمتها چیست؟ ج - قیمت فعلی در آن حدی است که در برنا مه ساله پیش بینی شده. س - پس مسئله تقلیل قیمت نفت برای شما مسئله ای نیست؟ ج - ما می توانیم به برنا مه مان عمل کنیم ولی قیمت نفت پایین است. س - حربه اقتصادی نفت برای غرب خیلی

خطرناک بود آیا برای شما هم نفت حربه اقتصادی است؟ ج - منظور من از حربه اقتصادی چیست؟ غربیها از هر وسیله ای برای اهداف خودشان استفاده می کنند. س - زمان شاه ۱۰۰۰ دلار را به ۳۵ دلار رساند. ج - زمان شاه ۱۲۲ دلار را به ۳۵ دلار رساند. س - در ایران یک گروه قوی هستند که معتقدند ایران در خطر منحرف شدن از خط امام است. ج - گروه قوی نیست ممکن است افرادی این گونه فکر کنند. س - آقای احمد خمینی و محتمی از این گروه هستند؟ ج - این دو با هم فرق دارند. هر دوازدهمهای خوب این کشورند. س - ولی از نظر سیاسی مخالف شما هستند. ج - با سید احمد آقا نظراتمان هماهنگ است. س - آقای رئیس جمهور این مسئله برای من قابل حلاجی نیست که زنگ طرف آمریکا شیطان بزرگ است ولی از طرف دیگر آقای رئیس جمهور آراش در باره حضور آمریکا بیها برخورد می کنند؟ ج - انسان می تواند در نزدیک خودش دشمن هم داشته باشد. چرا آراش به هم بخورد؟ شما خودتان در کنار آلمان شرقی آراش ندا شتید؟ خبرنگار: آلمان شرقی برای ما شیطان بزرگ نبود. س - تصور می فرمائید آمریکا بیها برای شما خطری نیستند؟ ج - چه خطری؟ حضورشان به نفع و خالی. از نگرانی نیست. س - آنها گفته اند در منطقه می مانند؟ ج - آنها قبلا هم در منطقه پا بگاہ داشتند ما هم ناراضی بودیم و محکوم می کردیم و در آینده هم همین کار را خواهیم کرد. س - ولی ترس ندا رید؟ ج - چرا ترس؟ جنگ نمی خواهم بکنیم. مخالفیم و نظراتمان را هم می گوئیم. س - شما هم مثل صدام، آمریکا را دست کم گفته اید؟ ج - این دست کم گرفتن نیست. س - به هر حال فرمهای صلح را آمریکا بیها تعیین خواهند کرد. ج - اگر زورشان برسد س - آیا زورشان میرسد؟ ج - فکر می کنم انقلاب اسلامی قویتر از این چیزهاست.

نامه جمعی از شخصیتها در باره "جنگ خلیج فارس"

۳- سرکوب جنبشها و مردمی‌ها بی طلب منطقه به ویژه نهضت انقلاب اسلامی منطقه و جهان که ده سال است مایه نگرانی شدیدشمال شده است.

۴- حیات تازه بخشیدن به اقتصاد جنگی و صنایع نظامی برای تضمین رشد اقتصاد آن.

... به گفته کی سینجر، توان رزمی عراق می‌توانست، نقطه اتکاء قدرت اعراب در سرزمین مذاکرات ملح با اسرا شیل باشد. غربی‌ها و شاید آمریکا به تنها بی، با این دید و تحلیل از جام طلبی‌ها و عطش قدرت و رویای رهبری عرب در صدام حسین استفا ده کرده و در واقع او را به شغال خاک کویت تحریم و تشویق نمودند.

گزیده‌هایی از این اطلاعیه را می‌آوریم:

"دخالت نظامی عظیم و بی‌باک آمریکا در این منطقه نه برای دفع تجاوز و نه عراق که به خاطر تسلط بیشتر بر منابع نفتی خاور میانه و احراز تفوق خود بر منابع انرژی جهان در دهه ۱۹۹۰ و تحکیم سبقت و برتری اقتصادی - سیاسی نسبت به رقبای جدید آمریکا یعنی اروپا و غربی و ژاپن می‌باشد."

"اهداف دیگر ..."

بعدا زهدن اصلی آمریکا که سلطه بر منابع نفتی خاور میانه و احراز موقعیت برتر از نظر تسلط بر انرژی در مقابل رقبای دیگر می‌باشد، به قرار زیر می‌باشد:

۱- تضعیف (و اکنون نابودی) توان رزمی عراق، به منظور حفظ امنیت شیوخ خود فروش و بی‌وطن عرب.

۲- حمایت و حراست و تضمین امنیت دولت اشغالگر قدس و بازتر کردن دست آن به گردن کشی‌ها و تاج و زطلیبی‌ها.

قدرت اتکاء به خود بی‌نیازی دولت و استغناء جا مع به کالوسرما به وسایل خارجی، تعیین کننده درجه توفیق آن در جبهه خارجی می‌باشد!

"در این راستا، سیاستهای اقتصادی معروف به نگاه خارج، نوعا موجب وابستگی دولتها و جوامع به بازاریها نمی‌شود و چون اختیار و سرکردگی با بازاریها نیست در اختیار چند ملیتی‌ها و در نتیجه تحت فرمان دول بزرگ صنعتی، به ویژه آمریکا و انگلستان می‌باشد. بنا بر این سیاستهای (نگاه به خارج) بطور ذاتی و اساسا برای کشورهای جنوب به معنای وابستگی به دول استعاری است!"

"چون حاکمان سابق و لاحق منطقه بخش اعظم ذخایر نفتی (عربستان، کویت و از این پس، عراق) را در اختیار دارند، لذا از این پس، اتکاء به درآمد نفت، به مراتب بیش از پیش دست دولت را زیر سایه حاکمان عرب محلی و بیگانه خلیج فارس قرار خواهد داد..."

"پس از خروج از اتکاء به نفت، که در گذشته یک ضرورت بیشتر اقتصادی، اجتماعی می‌نمود، از این به بعد ضرورت سیاسی در رابطه با استقلال سیاسی دولت را نیز می‌باید و تحقق این امر، صدور صد درگرو و تحرک و بسیج نیروهای مولده داخلی است. و این بسیج و تحرک در عادی‌ترین و آرامترین شرایط سیاسی، اجتماعی کشورهای ملت‌ها یک امر صرفا اقتصادی نیست، ارزشهای فرهنگی و نظام سیاسی و کارآیی و صلاح بوروکراسی هم به شدت در آن موثرند..."

"(عربستان و کویت) در همین جنگ با تأمین هزینه‌های جنگی آمریکا و انگلستان منابع عظیمی به این دو دولت پرداخته اند و در همین حال مشغول امضاء قراردادهای وسیعی برای بازسازی کویت و عربستان می‌باشند. به طوری که ریاض و طائف امروزه به صورت مراکز نظامی و اقتصادی هر دو درآمد دارند. وظیفه سازماندهی نوین و بازسازی ارتش عربستان به انگلیسی‌ها واگذار شده است."

"ما دولت جمهوری اسلامی ایران، در عین اینکه فعلا به جز اعلام بیطرفی نظامی در این جنگ و با فشار بی‌خروج و بی‌روهای بیگانه از منطقه و مخالفت با هرگونه تغییر در جغرافیای منطقه، راه منطقی و دوراندیشانه دیگری نداریم. با ید نسبت به دوپا و تجربه ملی، در همین قرن هوشیار و آگاه‌ها باشد. در جنگهای اول و دوم جهانی در هر دو پادشاهی ایران اعلام بیطرفی نمود، ولی هیچگاه بیطرفی آن محترم شمرده نشد."

"دولتی که در جبهه خارجی، بیطرفی نظامی و فعالیت سیاسی برای خروج قوای بیگانه را از منطقه برگزیده... در واقع در یک نبرد سیاسی، دیپلماتیک در جبهه خارجی وارد شده است. چنین دولتی چاره‌ای ندارد به جز اینکه حداکثر بسیج توان و ظرفیت داخلی را برای پشتیبانی از آن جبهه خارجی تدارک نماید..."

با یدیدانند که جا معده داخلی را با یدیر اساس "وفاق" و وحدت ملی نیروها و مردم فداستعما روپا می‌بندند به منافع و مصالح ملی و وطنی داره کند، نه اجبار و سرکوب..."

"ما از نظرا اقتصاد و احوال اقتصادی،

جای اینکه وارد یک جنگی شبیه همین جنگی که هست، شویم نظام ما یک تصمیم داده‌ها و حساب شده‌ای را اتخاذ کرد. و ما نه تنها طعمه آتش‌افندی‌ها نیستیم بلکه خودمان را نیز حفظ کردیم و هیچ چیزی هم از دست ندادیم و منطقه را هم از یک درگیری حفظ کردیم..."

... من با نظم نوین جهانی خیلی موافق نیستم چون نظام دوقطبی در حال سقوط است و تحولاتی در مفهوم قطب و قدرت ایجاد می‌کند. بنا بر این در ۱۵-۱۰ سال آینده هیچ نظامی در جهان مستقر نخواهد شد و آمریکا بی‌نیازی نمی‌تواند نظام جدید را بر دنیا مسلط کند.

... نظریه‌ای وجود دارد که بسیاری از سیاستمداران به آن اعتقاد دارند. این نظریه مربوط به یک نویسنده به نام آروین تافلر است. او برای قدرت سه سرچشمه قائل است. یکی زور نظامی، یکی ثروت و دیگری دانش و تکنولوژی.

یک روزی دوره زور بود. لذا ابر قدرت‌ها برای تثبیت خود توانایی نظامی‌شان تعریف می‌شدند. او معتقد

خلاصه‌ای از مباحثه دکتر لاریجانی با ویژه‌ها مه‌رسان است

اقتصادی، نه از لحاظ تکنولوژی، بلکه از لحاظ تصرف اراده‌های مردم. ... من اعتقاد دارم در دنیا کشورهای جهان سوم دیرباز زود مجبور هستند که به یکی از بلوکهای اقتصادی بپیوندند. جز جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی می‌تواند نقطه اتکاء از یک قطب کاملاً جدید در دنیا باشد که این قطب سر تا سر جهان اسلام را بگیرد.

سؤال: برای تشکیل قطب اسلامی که تازه گردید یا فکر شده است که چه ابزارها و هرما و شیوه‌ها می‌باید برای تبدیل کشورهای ملل اسلامی به یک قطب قدرت می‌باشد مورد استفاده قرار گیرد؟

دکتر لاریجانی: یک طرح منفرده، ولی کار شده است. نظر نظامی‌ها در این مسیر قرار دارد. مقام معظم رهبری توجه ویژه به این امر دارند. ... این ایده تمام فعالیتها را می‌توانند پوشش بدهد و در هر زمینه‌ای وجود دارد. تشکیل گروه‌ها در این مسیر است. کنفرانس اسلامی قاراست. در این مسیر قرار گیرد.

امنیت منطقه خلیج فارس

● ساختار امنیتی منطقه

جمهوری اسلامی ۶۹/۱۲/۴
نشریه امریکایی نیوزویک در این مورد مطالبی دارد:

این روزنامه می‌نویسد ایجاب یک ساختار امنیتی مشکل‌تراز خاتمه جنگ است و برای برقراری آرامش در منطقه حل مسأله‌ای از قبیل امنیت منطقه، کنترل تسلیحاتی کشورهای خاورمیانه، حل مسأله اعراب و اسرائیل و کمک مالی به کشورهای فقیر منطقه ضروری است. ایجاب یک نیروی امنیتی دائم در منطقه آسانترین کار برای تضمین امنیت منطقه است و دولت امریکا بیشتر مایل است مصروفیتان و سوریه نیروی امنیتی دائمی در منطقه را زیر پرچم تحادیه عرب تشکیل دهند و غرب نیز از این نیروها حمایت کند. چنانچه صد ماه بعد از جنگ بر سر قدرت بماند یا نماند، امریکا در نظر دارد تحریم فروش سلاحهای شیمیایی، هسته‌ای و میکروبی را علیه عراق و سایر بدعلیه ایران اعمال کند و برای مشارکت کشورهای عربی در این طرح اسرائیل نیز باید سلاحهای اتی خود را نابود کند. امریکا معتقد است می‌تواند زمینه گفتگو بین اعراب و اسرائیل را در چهار چوب گفتگوهای کنترل تسلیحات در منطقه فراهم سازد. به اعتقاد مقامات میانرودان اسرائیل، نابودی تهدیدات عراق و بی‌اعتبار کردن عرفات که در جنگ جاری از صدام حمایت کرده همراه با دین امریکا به کشورهای میانرودان و عرب منطقه بر سر سرزمینهای اشغالی فلسطین و صلح را برای اسرائیل اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد. در حالی که اسحاق شامیر و مقامات تندرو اسرائیل معتقدند نابودی صدام و سایر افزایش همدردی جهان با اسرائیل بدین معناست که اسرائیل می‌تواند به کنترل دائمی کرانه باختری ادامه دهد.

● جنگ خلیج فارس و آینده منطقه

کیهان ۶۹/۱۲/۱۲

را دیوکلن طی تفسیری گفته است

مهمترین مسئله پس از جنگ امنیت منطقه است ولی باید دید مردم چه می‌گویند. به نظر می‌رسد کشورهای عربی در برابر یک علامت بزرگ قرار دارند، توده‌های عرب با طغیان به حرکت درآمده‌اند. بدبینان و مشکوکین برای این عقیده اندک‌بعد از پایان جنگ ولطمه‌ای که به منطقه وارد شد سنگ بر روی سنگ استوار نخواهد ماند. احساس انزجار و نفرت انفجار آمیزی در قلوب و روان توده‌ها نسبت به سیاستهای غربی انباشته شده و آن چنان عظیم است که در صورت طغیان هرگونه صلح و آراش را برای سالهای سال غیرممکن خواهد ساخت طرح امنیتی ضمانت اجرایی نخواهد داشت و کلیه حکومت‌های منطقه متزلزل خواهند



شد. غرب در طرح امنیتی فقط با بد نقش کمکی داشته باشد و نقش اصلی رفتار و کردار امریکا و اسرائیل نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. با بد تسلیحات منطقه‌ای را کنترل کرد و نظام اقتصادی در منطقه ایجا دود که ثروت کشورهای نفت خیز در اختیار رعد معدودی قرار نگیرد.

● ایران باید منتظر بماند

جمهوری اسلامی ۶۹/۱۲/۴

روزنامه ایندیندنت جاپان انگلیس نوشت: ایران برای ایفای نقش رهبری در امنیت منطقه خلیج فارس باید کمکان منتظر بماند. رقیب اصلی ایران برای ایفای نقش رهبری، مصر است. مصر سعی می‌کند ایران را از مناسبات امنیتی منطقه حذف کند. در اجلاس قاهره، مصر اعلام کرد در کشور غیر عربی که خواهان شرکت در مناسبات امنیتی منطقه است با پذیرش اعراب را در چهار چوب مذکور بپذیرد. یک دیپلمات مصری گفته است: مصر نهایتاً ما نه رسماً پس از خاتمه درگیر بپذیرد. ایفای نقش ایران در مناسبات امنیتی منطقه است به گفته این دیپلمات محرکان اصلی طرحهای امنیتی، مصر و عربستان و سوریه خواهند بود. به گفته این روزنامه عراقی مصر و ایران اقتصاداً وابسته و هر دو به بازار کار کشورهای منطقه نیازمندند.

● ایران و سیستم امنیتی منطقه

رسالت ۶۹/۱۱/۲۹

سخنان دکتر ولایتی در مورد سیستم امنیتی منطقه‌ای؛
در سال ۱۹۸۶ ایران ایجاد چنین سیستمی را پیشنهاد کرد و شورای امنیت

چهار چوب همکاری لازم را برای این امر فراهم نموده است... هر نوع ترتیبات امنیتی منطقه‌ای باید به صورت جامع باشد. در گذشته عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند ولی این شورا نتوانست در مقابل تجاوز عراق به ایران کاری انجام دهد... خبرنگاری از آقای ولایتی سؤال کرد لازم‌ترین طرحی داشتن روابط با کشورهای منطقه است از جمله عربستان، دکتر ولایتی پاسخ داد: با سعودا لقیصل در این مورد صحبت کردیم و تلاش می‌کنیم که روابط دیپلماتیک بقرار کنیم... امنیت منطقه‌ای شامل اقداماتی در جهت خلع سلاح نیز خواهد بود. از جمله سلاحهای شیمیایی.

کیهان ۷۰/۱/۱۰

دکتر ولایتی:

ما یک طرح امنیتی "شش به اضافه یک" بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران مطرح کرده‌ام و کارهای بی‌هم‌در این زمینه انجام شده است.

جمهوری اسلامی ۶۹/۱۱/۲۹

تلاش برای بهبود روابط تهران - قاهره

مطبوعات مصر گزارش دادند که مقامات رسمی ایران و مصر به منظور از سر گرفتن روابط دیپلماتیک سرگرم تماس‌های مستقیم در سطوح مختلف هستند. تماس‌های میان ایران و مصر در هنگامی ادامه دارد که گفتگو در باره اتخاذ تدابیر جهت برقراری یک ترتیبات امنیتی در منطقه رو به افزایش گذاشته است.

● نظریات مسونز...

کیهان ۷۰/۱/۵

به اعتقاد دیپلمات روس سفیر سابق انگلیس در ایران همکاری میان ایران و عربستان باید منبانی اصلی مناسبات جدید امنیتی در منطقه خلیج فارس قرار گیرد.

● نظریات امریکا در مورد نقش ایران

رسالت ۷۰/۱/۵

وزیر خارجه ایالات متحده گفت: با امریکایی پیرامون نقش ایران در منطقه صحبت کردم. آنها به دلیل عملکرد ایران در جریان بحران خلیج فارس (که علی‌رغم عدم حضور در ائتلاف ضد عراق در جهت حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل بود) نقش مهمی در نظم بخشیدن به منطقه را بر رسمیت می‌شناسند. البته هماکنون در آنجا نیستند. این لحظاتی که امریکایی‌ها بیشترین نیروی خود را برای مسائل اعراب و اسرائیل متمرکز کرده‌اند.

● همکاری ایران با "پیمان امنیتی منطقه"

جمهوری اسلامی ۶۹/۱۲/۲۱

سخنان دبیر شورای امنیت ملی ایران

در مورد منطقه

دکتر حسن روحانی در یک سخنرانی در مشهد:

عراق به خاطر حفظ رژیمش حاضر است با اسرائیل صلح کند و قبول کرده ۳ میلیارد دلار به اسرائیل غرامت بدهد. هدف امریکا بردن نفت ایران از منطقه است ایران به عنوان مهم‌ترین کشور منطقه باید در پیمان امنیتی منطقه‌ای حضور فعال داشته باشد و اگر شرایط مورد نظر ایران در این پیمان جدید لحاظ شود ایران مایل به همکاری با این پیمان است. با گسترش قیامهای مردمی در عراق به نظرم آید غرب به صدای جواغ سبز نشان داده، چون صدا مبرای آنها بهتر است تا یک رژیم اسلامی. ایران علیرغم روابط عادی با عراق و با حتی بالاتر از آن، نمی‌تواند نسبت به کشتار مردم بی‌تفاوت باشد.

● طرح امریکایی برای اشغال عربستان

کیهان ۶۹/۱۲/۲۱

افشای طرح امریکایی مبنی بر اشغال ۵ ساله میدین نفتی عربستان

مقاله‌ای از سفیر پیشین امریکا در عربستان سعودی پیش از حمله به عراق در روزنامه مه‌راه‌الدربین به چاپ رسید. در این مقاله از طرحی صحبت می‌کند که ۱۵ سال پیش در امریکا مطرح شده و آن کنترل نفت عربستان به عنوان صاحب‌بیشترین نفت جهان می‌باشد. این طرح در ژانویه ۱۹۷۵ در نشریه دیدگاه‌های نیوکسنرواتیو پیشنهاد شده به عنوان راه حلی برای معضلات و دردهای ابدی اعراب‌گریزی از معضل بحران اقتصادی خود ششان. نویسنده مقاله می‌گوید: آن زمان من سفیر امریکا در عربستان بودم و از غیر اخلاقی بودن و نامعقول بودن این طرح، هاجوا و چو گفت زده بودم. من آن زمان گفتم هر کس این طرح را جدی بگیرد یا دیوانه است یا جنایتکار. رویا ما شوروی‌ولیکسیست که در آن زمان وزیر خارجه بود با نظر من مخالف بود. باری امروز در کارها بین آقای بوش کسایت هستند که معتقدند زمینه‌کنون آماده‌تر از سال ۱۹۷۵ است. من تنها ناظر آن‌کاهی نیستم که می‌دانم صدای حسین در نظر نداشت به عربستان حمله کند چون حمله به عربستان حرکتی غیر منطقی بود و صدای مکار غیر منطقی نمی‌کرد. ولی وزیر دفاع ملک فهد را قانع کرد که صدای مقصد حمله به عربستان را داد. ملک فهد هم فکر نمی‌کرد که سران امریکایی ۱۰۰ هزار روپا دوبرابر آن وارد عربستان شوند. آن هم برای یک مدت محدود بلکه برای یک دوره طولانی... افرادی از جمله کیسینجر معتقدند حداقله منطقه تحت کنترل

مادر آمده، نباید بگذاریم این منابع از کف برود. ایالات متحده که سعودیها را قانع کرده که تولید نفت را به بیش از ۲ میلیون بشکه در روز برسانند می‌توانند دستور دهند و یا آنها را متقاعد کنند که تولید را افزایش دهند. ۲۸۰ میلیون باره در عربستان و نزدیک ۷۰ میلیون باره در ایبوظبی، تولید سعودی و ایالات متحده می‌توانند در ۳۳ سال آینده بایک برنامہ ریزی تولیدی فشرده به ۲۰ میلیون بشکه در روز برسد در آن صورت ما توان آن را خواهیم داشت که حداقل برای یکسال، عراق و کویت و تا حدودی ایران را کنار بگذاریم و آن زمان می‌توان قیمت نفت را بسیار متقاعد کردن جهان را بین نگه داشت. بحثی که در سال ۱۹۷۵ مطرح بود و یا هنوز مطرح است این است که آیا با بدقیمت را با بین نگه داشت با حداکثر به بشکه‌ای ۱۰ دلار رساند. آمریکا می‌تواند بشکه‌ای ۱۰ دلار برای حقوق مدیریت خود بردارد و برای دولت سعودی نیز ۸ دلار در نظر بگیرد که البته خیلی هم سخاوتمندانه است. ۴ دلار هم خرج تولید است با گرفتن ۱۰ دلار برای هر بشکه ما می‌توانیم کسری بودجه ما را تا مین کنیم. ۷۰ میلیون دلار در سال، حاصل این درآمد است. با چنین پیامدهایی اتحادیه که چاره‌ها در بر علیه عراق از هم می‌پاشد و ایالات متحده از حضور ارتش خود توان آن را دارد که برخلاف میل دیگر تولیدکنندگان نفت عرب عمل کند حتی شاید از بودجه سعودیها کمک بگیرد تا مصرف و شایسته‌توانی و مراکش را به دوستی خود جلب کند. یک برنامه بهتر این خواهد بود که نفت اعراب را بینا لمللی کند. اگر این طرح بر برنامه ما ست که به نظر می‌آید که هست به همان اندازه که ۱۵ سال پیش احتمالاً نه بود، امروز هم هست. ایبلیا نه است که با ورتکنیم ملت عربستان سعودی و ارتشهای عرب مطیع خواهد بود و غیر قابل تصور است که گمان کنیم ملت آمریکا توان آن را داشته باشد که یک جنگ خونین و تعصب آمیز را تحمل کند. حتی برای تحصیل منافعی به این بزرگی.

جمهوری اسلامی ۶۹/۱۱/۳۰
نخست وزیر سابق فرانسه متقاعد کرد: آمریکا نقشه اشغال و استقرار در عربستان را سالها پیش برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران تهیه کرد... آمریکا قصد داشته با صدام درگیر شود، سرپیچی و جاه طلبی صدام به آنها خیلی کمک کرد تا او را در دام کویت گرفتار کنند.

● اهدای آمریکا پس از جنگ
رسالت ۶۹/۱۲/۱۸
اهدای آمریکا پس از جنگ
مقاله‌ای است از نیویوریک: موضوعات

اصلی که در منطقه باید حل شود:
۱- مسئله اعراب و اسرائیل.
۲- کم شدن فاصله‌ها و فاصله‌ها.
۳- امضای موافقت نامه‌های رسمی تسلیماتی.
۴- ایجاد یک نوع ترکیبات رسمی برای برقراری امنیت.
سعودیها خواهان عراق همیشه ضعیف هستند و این تئوری حضور بیشتر آمریکا در منطقه است. اما حضور آنها نباید زیاد به چشم بخورد. واشنگتن خروج نیروها را اعلام می‌کند اما عقب نشینی یک سال و یا بیشتر بطول می‌انجامد و متحدین علت تاخیر را دلایل لجستیکی بیان می‌کنند در ضمن از طرف مصر و سوریه برای خروج آمریکا از منطقه فشار وارد می‌شود و ایران هم ممکن است بکوشد عربستان بی‌ثبات شود. به دلیل وجود نیروهای کفر در ماکسن مقدسه، یک راه حل مصالحه آمیزی می‌تواند این باشد که سران آمریکا بی‌در کویت و بحرین بمانند و یک نیرو از کشورها را و اسرائیلیها هر روز تا تجدید تعهدات آمریکا نسبت به منطقه استقبال می‌کنند اما در حالی که واشنگتن به خاطر مقاصد عالی‌اش نمرات با لابی می‌گیرد اما نمراتش در واقع بینتیگم است. اسرائیلیها معتقدند آنها از جریانات زیرزمینی در جهان عرب به ویژه صول گرابی اسلامی آگاه می‌نمایند. تمام کشورهای منطقه متزلزل هستند. کشورهای عرب که بر اساس سلسله‌های خانوادگی نوکرمایی استوار هستند هنوز کشورهای واقعی به شمار نمی‌آیند، تنها در اسرائیل و شاید در مصر و ایران بعد از (امام) خمینی است که کشورهای واقعی و رومیانه تشخیص داده‌اند که چگونه می‌توان بدون خونریزی هربران را تغییر داد. مبارزه برای ثبات خاورمیانه به سالها کار و کوشش نیاز دارد.

● طرح آمریکا برای آینده منطقه
رسالت ۶۹/۱۲/۲۸
طرح جدید آمریکا برای آینده خاورمیانه در گزارشی که از سوی انستیتو واشنگتن تحت عنوان "برقراری مجدد موازنه" منتشر شده است. این اهداف عبارتند از:
۱- کاهش قیمت نفت در حد معتدل.
۲- اجرای تعهدات در جهت تامین امنیت اسرائیل.
۳- برقراری روابط دوستانه با کشورهای عربی.
۴- حل اختلافات منطقه‌ای.
۵- تامین امنیت جانمیراکیان.
۶- تامین امنیت دریایی در منطقه این گزارش به امضای لس‌آنجلیس

رئیس کمیته نظامی مجلس نمایندگان آمریکا، الکساندر هیک وزیر خارجه سابق، ریچارد مورفی از کارشناسان امور خاورمیانه رسیده است در این گزارش همچنین با اشاره به برهم خوردن موازنه نیروی نظامی بین ایران و عراق طی دهه ۱۹۸۰ آمده است اولین هدف آمریکا ایجاد تعادل موازنه نیروی نظامی بین ایران و عراق با یابد باشد در این گزارش ضمن تاکید بر ضرورت اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از به قدرت رسیدن ایران و سوریه در منطقه حضور نیروهای نظامی مصر در منطقه پس از پایان جنگ را مثبت خوانده و تا مین هزینه‌های نیروهای مصری از سوی کشورهای عربی در تامین امنیت منطقه‌ای را مفید دانسته است و به ضرورت تامین یک سیستم دفاعی در منطقه در چرخه رچوب شورای همکاری خلیج فارس و با شرکت نظامی کشورهای عربی و غیر عربی تحت عنوان "سیستم جدید سازنده" تاکید شده است. در این گزارش همچنین به اهمیت نقش ترکیه در منطقه اشاره کرده و ویژگیهای ترکیه را به این شرح بر شمرده است. ترکیه هم‌پیمان آمریکا، عضواً تو، کشوری اسلامی دارای روابط با مصر و اسرائیل، دارای روابط تجاری با کشورهای اسلامی، در اختیار داشتن کنترل آبهای خارجی به عراق، سوریه و اردن در آینده از نظر دستیابی تا توبه منطقه نقش کلیدی بازی می‌کند. در ادامه گزارش آمده دیگر آمریکا به هیچ کشوری در منطقه اجازه نخواهد داد دبه عنوان کشور قدرتمند منطقه مطرح شود و جهت حفظ خود صرفاً به نیروهای محلی و سیستمهای امنیتی منطقه‌ای اتکاء نخواهد کرد.

● بوش خواهان رابطه با ایران
رسالت ۷۰/۱/۱۰
بوش خواهان بهبود روابط با ایران شد. بوش رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه‌ای گفت: با پایان جنگ آمریکا خواهان بهبود روابط با ایران است. ما هیچ خصومتی با ایران نداریم، فکر نمی‌کنیم همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و یا دیگران باید با آنها (ایران) برای همیشه به عنوان دشمن رفتار کنند.
بوش گفت: در کشور ما در مورد گروه‌گانی گیری در ایران و در ایران در مورد سقوط هواپیمای مسافربری احساسات زیادی وجود دارد، وی گفت به نظر من در اینجا یک روند تکامل وجود دارد و دو هماهنگی که ایران به سوی آنچه که می‌دوایم حرکت نقش معتدل‌تر و یا کمتر را دنبال می‌کند به نظر من دیگر کشورهای منطقه از با زگشت به آنها استقبال خواهند کرد.
● ترتیبات امنیتی منطقه
نقل از صدای آمریکا ۶۹/۱۲/۲۲

ترتیبات امنیتی منطقه و رابطه ایران و آمریکا
شکست نظامی عراق فرصتی برای ایران و آمریکا بوجود آورده که روابط آسیب یافته‌شان را بهبود بخشند.
نیویورک تا میزبانی مقاله‌ای نوشته است: ایران و آمریکا از جنگ خلیج فارس با سه هدف مشترک بدرآمده‌اند:
۱- محدود کردن عراق از نظر نظامی.
۲- حفظ تمامیت ارضی عراق.
۳- ایجاد یک ساختار امنیتی برای دوره پس از جنگ با تفویض یک نقش مهم سیاسی برای ایران.
اما سازگاری هدفها به معنای آن نیست که ایران و آمریکا اینک آماده رفع اختلافات دیرپایشان هستند، بلکه نغایا نگراک جنبه عملی مسئله از سوی هر دو کشور است. چون معتقد به مداخلة در امور منطقه هستند. چه بهتر که به همکاری بپردازند. در تمام می‌دوران بحران خلیج فارس هم‌بوش و هم آقای رفسنجانی و مقامات ایران و آمریکا برای اجتناب از تفاظی‌های شدیدی که مشخصه روابط دو کشور از زمان انقلاب ۱۹۷۹ ایران بود تلاش زیاد کرده‌اند. هر دو طرف به مذاکره پیاپی از طریق واسطه‌ها پرداخته‌اند. آمریکا از طریق شوش و ایران از طریق الجزایر تا جایی که مذاکره بین پیامها گهگاه به گفتگو می‌شوند نزدیک می‌شده‌اند. گفتگوهاست آمریکا بی‌موضوعی مورد بحث در این پیامها بیشتر به بحران خلیج فارس مربوط می‌شود. از اطمینان بخشی‌های آمریکا اثر بر عدم بمباران شهرهای مقدسه شیعیان گرفته تا پرسش‌های ایران در باره پروازهای هواپیماهای متحدین بر فراز خاک آن کشور.

بوش در مصاحبه‌ای گفته است: خصومتی با ایران ندارد و کشورهای منطقه نیز نباید ایران را برای همیشه دشمن بشمارند. مقامات آمریکا با علاقمندی می‌شنوند که آقای رفسنجانی به صدام توصیه می‌کند که در برابر اراده مردم عراق تسلیم شود و کناره‌گیری کند، جالب است این که آقای رفسنجانی خواهان تشکیل حکومت اسلامی نشده بلکه پیشنهاد می‌کند برای جلوگیری از تفرقه و دسته بندی، پوزسیون با حزب بعث حاکم همکاری کند. مقامات آمریکا بی‌می‌گویند به گمان آن‌ها این گفته‌ها بیشتر مصرف داخلی دارد و بخشی کردن انتقادات تندروها بی‌است که می‌خواهند ایران در برابرند از صدام درگیری مستقیم داشته باشد. در جریان مناقشه خلیج فارس مقامات آمریکا پیوسته ایران را کشوری (مستور) تصور می‌کردند که جانب عراق را نخواهد گرفت. آن‌ها با رها به طور علنی که به گوش تهران برسد خاطر نشان کردند که تعهد

ایران را به عدم نقض تحریمها یجها نی علیه‌صدا مپا وردا رندو معتقدند که ایران بیش از ۱۲۰ فرونده هوا بیما ی عراقی را پس نخواهد داد و به طور مستقیم در ناآرامیهای شیعیان در جنوب عراق درگیر نخواهد شد. بیکروز بیخا رجهامریکا در نشست تحقیقاتی کنگره آمریکا در ایل فوریه، ایران را به خاطر ظرفز رفتار بسیار معقولانه‌ش در قبال جنگ خلیج فارس ستود و حکومت اسلامی را قدرتی عمده در خلیج فارس خواند که با یستی نقشی مهم در ساختن شبکه تازه و استحکام یافتن روابط امنیتی در منطقه ایفا کند تلاش رفسنجا نی در ماه گذشته برای میانجیگری آمریکا و عراق در بحبوه مخاصمات جنگی ز محدود طسرح صلحی مبهم فرا ترم رفت و جنبه بازگشودن باب مذاکرات مستقیم سیا سیا آمریکا را برای نخستین بار بدون فهرست بلندی از شرایط قبلی داشت. ایران و آمریکا نظرات بسیار متفا و نی در مورد امنیت منطقه در دوره بعد از جنگ دارند، ایران همواره خوا ستار شده که آمریکا تعهد کند در امور منطقه ای مدا خلہ نمی‌کند. دیگر ایکنه رهبران ایران صرفنظرا ز گواشات سیا سیا نشان خواهند کرد که آمریکا و

متحدانش هر چه زود تر نیروها یشان را از منطقه خارج کنند. در هفته‌های اخیر آمریکا به ضرورت وارد کردن ایران در هرگونه ساختار سیاسی برای منطقه تا کید داشته‌اند اما هیچ‌گونه نقشی برای ایران در ساختار امنیتی بعد از جنگ در نظر ندارند. یک مقام ارشد دولت آمریکا می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم شاهد استقرار بسیار هیان ایران در کویت باشیم. ملاحظات سیاسی داخل در تهران و واشنگتن مانع بهبود روابط دو کشور می‌شود. آمریکا می‌خواهد که ایران از نفوذش در گروه‌های تروریستی مورد حمایت آن کشور در لبنان برای آزادی‌گروگانها استفا ده کند. این گروهها در ماه‌های اخیر موضع تنیدی در برابر مداخله نظامی آمریکا در منطقه اتخاذ کرده‌اند و تعهد کرده‌اند گروگانها را آزاد نکنند. واشنگتن همچنین از قصد ایران در بازسازی توان نظامی ایران به رغبنا توانیهای اقتصادی آن کشور اندیشناک است. از دیدگاه ایران نعاون ملی که علیه بهبود سریع روابط دو کشور عمل می‌کنند عبارتند از:

- ۱- حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس
- ۲- اعلان علنی هرگونه گفتگوی ایران

و آمریکا .
۳- بحث وجدل در داخل ایران برای ترغیب شیعیان عراق به انقلاب .
ایران همچنین ناخشنودی‌اش را نسبت به ترتیبات امنیتی که روز چهارشنبه گذشته در دمشق برگزار شد را زداشته و با بهرویکار آمدن یک دولت دست‌نشانده غرب در عراق مخالفت دارد .
● آزادی کویپر و مذاکرات انگلیس با ایران
سلام ۶۹/۱۲/۲۶
در یک مکالمه تلفنی بسیار بقمه‌داگلاس هر دو وزیر خا رجه انگلیس و آقای ولایتی مسئله آزادی کویپر و گروگانهای غربی در لبنان مطرح شده است .
بسیاری ادعا کرده‌اند که وزیر خا رجه ایران بوده که از تهران تماس گرفته ، در این تماس به او گفته شده است به محض آنکه گروگانهای انگلیسی و کویپر آزاد شوند دولت بریتانیا در مورد آینده منطقه خلیج فارس با ایران وارد مذاکره خواهد شد .
● حزب الله و گروگانها
کیهان ۷۰/۱/۵

اعلام نظر حزب الله پیرامون آزادی گروگانها در لبنان : حزب الله لبنان اعلام کرده است که این سازمان نیز مانند ایران و سوریه مایل است گروگانهای غربی در لبنان را آزاد شوند. اما آزادی آنها را مرتبط با آزادی اعراب زندانی در اسرائیل دانست . حسین موسوی از مقامات ارشد حزب الله موضوع دیدار یک هیئت حزب الله لبنان با مقامات ایران در مورد آزادی گروگانها را رد کرد . وی در مورد اظهارات اسرائیل برای گفتگو در مورد آزادی صدها لبنانی و فلسطینی در مقابل آزادی دو گروگان غربی و دو نظامی اسرائیل گفت: این موضوع مستلزم گفتگو بین ما و اسرائیل است و این غیر ممکن است .
● ارتش لبنان و گروگانها
جمهوری اسلامی ۷۰/۱/۶
ارتش لبنان قصد دارد برای آزادی گروگانهای غربی و اقدام عملی در حومه بیروت را کز مشکوک در بقاع جنوب لبنان خواهد بود .

● آمریکا از صدام چه میخواهد؟

رسالت ۶۹/۱۲/۱۸

این عنوان سرمقاله‌ای است به قلم دکتر لازبجا نی که در آن گفته شده برای حکام و شنگشن فر دمهم نیست . صدام بماند یا برود مطرح نیست . عراق اکنون تهدیدی برای غرب نیست . و آمریکا هر چه از عراق بخواهد انجام می‌دهد ، حتی قتل عام مسلمانان و لیرژیسم عراق برای اینکه بماند یک کار دیگر با بدنا نجا مدهد و آن تثبیت اسرائیل به وسیله به رسمیت شناختن این کشور است که به نظر می‌رسد این امر مهمترین هدف آمریکا پس از رسوایی کویت را محقق خواهد کرد که مصر و عراق دو کشوری باشند که با اسرائیل رابطه مستقیم دارند و در شورای هشت جانبه فعلی که عراق نیز وارد آن می‌شود دو کشور می‌توانند به معنی رابطه کل شورا با اسرائیل باشد . به نظر می‌رسد آنچه امروز در بین پرده در جریان است از این مقولات است .

● آئینده منطقه پس از جنگ

نقل از ادبوا آمریکا ۶۹/۱۲/۵

امیرطاهری سردبیر روزنامه کیهان در رژیم سابق طی مصاحبه‌ای با رادیسو آمریکا در مورد آئینده منطقه پس از جنگ گفت : منافع مشترکی بین کشورهای نفت خیز و کشورهای خریدار نفت وجود دارد . دوران آئینده ، دوران نقش مردم

اخبار جنگ خلیج و عراق

در حکومتهاست و آئینده منطقه در سه بخش مهم با بدیگیری شود :

- ۱- کنترل ویا بین آوردن سطح تسلیحات در منطقه ، چرا که بیشتر از همه جای دنیا در این منطقه اسلحه وجود دارد .
- ۲- قرار دادی برای حذف سلاحهای هسته‌ای ، بیولوژیکی .
- ۳- برقراری سیستم امنیتی منطقه به دور از یلوک بندی‌ها که بخواهد جنگ سرد را از رویا به خا ورمیانه منتقل کند .

با بدشوروی در آئینده منطقه نقش داشته می‌شود . این سیستم با بدیها همکاری ایران همپا شد .
در مورد احتمال صدور انقلاب اسلامی پس از سقوط صدام حسین گفت : در حال حاضر ایران در وضعیتی نیست که بتواند انقلاب ما را در کند . سعدون حمادی در سفر خویش به تهران خواست ملاقاتی با محمد باقر حکیم داشته باشد تا آنها هم نقشی در حکومت ائتلافی عراق داشته باشند . منطقه در وضعیتی نیست که بخواهد دنبال شعارها ده سال گذشته برود . دوران انقلاب اسلامی

پرونده‌ای است که بسته شده ، بیرونده جدیدی بازمی‌شود که در آن جایی برای این شعارهای افراطی وجود نخواهد داشت . در داخل ایران انقلاب اسلامی یک عقب نشینی تاریخی و استراتژیک داشته و در هیچ نقطه دیگری جزا فریقای شمالی ، الجزایر ، تونس و مراکش من نمی‌بینم که انقلاب اسلامی به شکلی که در ایران وجود داشته ، آئینده سیاسی داشته باشد .
در مورد جنگ زمینی فعلی به نظر می‌رسد جنگ به بنفدا دکشده نمی‌شود . منتهی در کویت هم تمام نمی‌شود . بلکه به قسمت - هایی از عراق ختم می‌شود ، به احتمال قوی مناطق غربی عراق هم اکنون صحنه جنگ هستند و بدون تردید حمله‌ای هم به با و جنوب بمره انجام شده یا خواهد شد . چون گارد ریاست جمهوری عراق در آنجا مستقر است بطوری که یکی ز زئیرا لهای فرانسوی به من می‌گفت: هدف مهم نظامی متفقین در حال حاضر نابودی کل نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق است به احتمال قوی

متحدین قسمتی ز خاک عراق را اشغال خواهند کرد تا هر دولتی که در عراق بر سر قدرت باشد بتواند از موضع قدرت با آن مقابله کند .

● استراتژی اروپا برای آئینده خا ورمیانه
کیهان ۶۹/۱۱/۲۹

ایل ماتیوس مسئول کمیسیون اروپا طرحی را برای همکاری اقتصادی با کشورهای خاورمیانه و تضمین چهار رجب امنیتی این منطقه را اشته کرده که در جلسه آئینده وزیران خارجه با معاروپا مورد بحث قرار خواهد گرفت . بر طبق این طرح یکی از ایده‌های ماتیوس :
۱- برقراری روابط کامل سیاسی با معاروپا با کشورهای خاورمیانه مخصوصا ایران است اما روابط خاصه اروپا با عراق نیز با بدیها بعد از جنگ به سرعت بهبودیابد . این طرح همچنین بر لزوم محدود کردن فروش تسلیحات به کشورهای خاورمیانه در آئینده تا کید دارد .
۲- حمایت از برگزاری یک کنفرانس صلح خاورمیانه برای حل مسئله اعراب و اسرائیل ، البته انگلیس و لوکزامبو رگ معتقدند بین پایان جنگ و برگزاری کنفرانس تا خبری طولانی وجود خواهد داشت .
۳- ایجاد جوامع امنیتی برای خاورمیانه

مانند برنامگان فرا نسی امنیت و همکاری اروپا.

۴- ایجا دیک صندوق چند جانبه به منظور کمک به کشورهای عرب و غیرعرب منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، بخش اعظم کمک به این صندوق به وسیله کشورهای نفت خیز و شروتمند خلیج فارس و بخش دیگر به وسیله جامعه اروپا و کشورهای عضو آن تامین خواهد شد.

● " جنگ نامرئی "

رسالت ۶۹/۱۱/۳۰
نظرا وریا نانا فالاجی در مورد افزایش احساسات ضد امریکایی در عربستان:

احساسات ضد امریکایی درجای معیه عربستان در حال ایجا جنگی نامرئی در درون جنگ خلیج فارس است. جنگی نامرئی، ناملموس، غیرقابل پیش بینی و حتی به تعبیری وحشت آورترازانجه توسط بمب افکنها، توپها، کشتی ها و تا نکها و اسکا دهانجام میشود. حتی روشنفکران و بورژواها نیز از این جنگ نامرئی حمایت میکنند. جنگ نامرئی توسط ملاحی محلات فقیرنشین و مساجد کم اهمیت رهبری میشود و با وجود اینکه در سکوت و با احتیاط رشد میکند می توان آن را در رفتار اقشار مختلف مردم عربستان احساس کرد. احساسات ضد امریکایی در همه جا احساس میشود و تمام دفاعی نیست که علامه ها همراه با نوارهای اعتراض آمیز و نغمه های ملاحی انتشار می یابند.

وی به نقل از یک تبعه عربستان می نویسد: نوارها مشابیه نهایی هستند که طی سلطنت شاه در تهران، تبریز، شیراز و اصفهان بخش می شدند و فعلا بطور مخفی در بازارهای عربستان منتشر شده و با به فروش می رسند و مدامشکارترین می شوند ۱۰۰۰ اعتراضات و نغمه های دیربازودهمان طور که در تهران، تبریز، اصفهان اتفاق افتاد بر سر پشت با مها خواهد رسید.

(مقاله ای از اوریا نانا فالاجی در روزنامه کوریبه دلا برای ایتالیا)

● سیاست امریکا و قیام مردم عراق

رسالت ۷۰/۱/۶

امریکا قبلا اعلام کرده بود که اگر مردم عراق بخوانند صدراکنار بزنند ما خوشحال خواهیم شد ولی اکنون اجازه می دهد صد مردم را سرکوب کند. امریکا نمیخواهد حکومت به دست نیروهای انقلابی سقوط کند. بلکه ما بیل است به وسیله ای نیروهای وابسته درون نظام این کار صورت بگیرد. امریکا به بهانه عدم دخالت در امور داخلی عراق منتظر است صد مشورشیان را قصابی کند. این سیاست امریکا برپا به سیاست های حمایت از دیکتاتورهای برای حفظ شب

اوریا نانا فالاجی: احساسات ضد امریکایی درجای معیه عربستان در حال ایجا جنگی نامرئی در دوران جنگ خلیج فارس است. جنگی نامرئی، ناملموس، غیرقابل پیش بینی و حتی به تعبیری وحشت آورترازانجه توسط بمب افکنها، توپها و کشتیها و تا نکها و اسکا دهانجام می شود.

استوار بوده است. ترا شد خالیدی استاد مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیکاگو می گوید: کلا آشکار است که دولت بوش نمیخواهد حکومت، قدرت را در سر کشور بدست گیرد، آنها میخواهند سلطه مسلمانان سنی حفظ شود و نمیخواهند شیعیان سهمی از قدرت داشته باشند. قیام در جنوب عراق به وسیله شیعیان که اکثریت مردم عراق را تشکیل می دهند آغاز شد آنها مخالف تفوق سنی ها که ۳۰ درصد مردم را تشکیل می دهند هستند. یک مقام امریکایی می گوید یک حکومت بعد از صد که شیعیان مبارز در اکثریت را داشته باشند تنها برای امریکا که سالها از صد حمایت کردند تا وزن را در برابر ایران حفظ کند بلکه برای عربستان سعودی، کویت، بحرین و امارات یک کابوس خواهد بود. اگر شیعیان در عراق بیروز شوند، شیعیان این کشورها تشویق خواهند شد که سهمی در قدرت به دست آورند.

● جمع بندی کا ستروا ز جنگ خلیج

کیهان ۷۰/۱/۶
فیدل کاسترو ضمن حمایت از مواضع کوبا در جنگ خلیج فارس گفت:
درس بزرگ این جنگ آن بود که ملت ها نباید زمینه شروع جنگ را فراهم کنند، ولی اگر مجبور شدند با بدنا آخرین نفس بجنگند.

● بازداشت آیت الله خوئی

جمهوری اسلامی ۶۹/۱۲/۲۸
آیت الله خوئی که توسط نیروهای بعثی به بغداد دبرده شده بود، فیلمی از او در تلویزیون بغداد نشان دادند که صد مردم در حال گفتگو بوده است و در این فیلم آیت الله خوئی از حکومت عراق تمجید کرده است. از طرف گروه های مخالف صد گفته شده است ایشان را با زور به بغداد دبرده اند و با تهدید به قتل این فیلم را گرفته اند و طوری تنظیم کرده و پخش کرده اند که آیت الله خوئی در آن قیامها مردم عراق را رد کرده است. آیت الله خوئی یک شورای هفت نفره برای اداره امور

جامعه عراق تا سیس کرده بود. ایشان گفته اند: "نظر کمیته مطابق نظر ما ست و هر آن چه از سوی آنها ما در می شود از سوی ما ما در شده است و از همه فرزندان مومن خویش می خواهم از آنان اطاعت کنند".
بدینال تشکیل کمیته بود که دولت بعث آیت الله خوئی را دستگیر و به بغداد برده اند. آخرین خبر این بود که ایشان به بیت خود در نجف بازگشته اند. اعضای کمیته عالی امور عراق عبارتند از: سید محی الدین الغریفی - سید محمد رضا الموسوی الخلیالی - سید جعفر بحر العلوم - سید عزالدین بحر العلوم - سید محمد رضا الخراسان - سید محمد رضا شیب - السیزواری - شیخ محمد رضا شیب - الساعدی - سید محمد تقی الخوسی - سید عبدالرسول الخراسان

● قیامهای داخل عراق

رسالت ۶۹/۱۲/۲۴
آقای بهزاد نبوی در مورد قیامهای مردمی خیر در عراق گفت: به عقیده من این حرکت را نباید بران صحه بگذارد نه اینکه من بگویم اینها همه امریکایی و یا انگلیسی اند. باید آنها را هداست کرد، حرکت خود بخودی را نباید نبالش برویم. آقای نبوی شرایط عراق را شرایط پس از جنگ دوم جهانی و اشغال ایران توسط شوروی و راه افتادن فرقه دمکرات آذربایجان مقاسه کرده و گفته ما آن موقع هر حرکت تحریک طلبانه ای را محکوم می کردیم. آن وقت الان سک جریانی که خودش را انقلابی و سلامتی می داند بدینا بدر منطقه ای که امریکاییها هستند یک تف روی سر با ز امریکایی نیستند. زده سر با زان کشیف بعثی را بکشد؟ ایشان حکومت بعثی را خراب کرد و سوراخ می تعبیر کرده در مقابل امریکا که با این قیامها همین خرابی هم فرو می ریزد. وی گفته است از روی منم نطلب غلط باشد و یک حکومت اسلامی در آنجا تا سیس شود.

● تجزیه عراق

جمهوری اسلامی ۷۰/۱/۶
آنتونی پارسونز سفیر سابق انگلیس در ایران گفت: تجزیه عراق دارای چنان نتایج منفی است که ایران، ترکیه و احتمالا کشورهای دیگر منطقه به منظور جلوگیری از آن وارد عمل خواهند شد. وی گفت: امریکا باید دخالت در جنگ داخلی عراق بپذیرد، امریکا از تجربه دخالت ۱۹۸۳ در لبنان با بد درهای لازم را آموخته باشد.
او زال گفت: تجزیه عراق در منطقه به آشوبهای غیر قابل محاسبه خواهد انجامید.

اخبار داخلی

رسالت ۶۹/۱۲/۱۹

● خلاصه ای از نامه حجت الاسلام کروی به جامعه مدرسین

هدف اصلی این طرح (طرح اصلاح انتخابات) رفع نارسایی‌هاست. چنانکه در دوران امام خمینی استندبنا بهانه عدم التزام عملی عده‌ای از افراد متعهد را حذف کنند. ولی ما مانع شدن و دیدیم که در انتخابات مجلس خبرگان دوم چگونه عده‌ای متعهد حذف شدند و افراد وابسته به باندا و جناح خاص که صلاحیت لازم را نداشتند مورد تأیید قرار گرفتند. در ادامه نامه آمده است: مگر در همین مدرسه فیضیه بعد از پیروزی انقلاب از سخنرانی بعضی از شخصیت‌های ممتاز روحانی به اشتراک استلوگویی به عمل نیامد؟ مگر برخی از اعضای جامعه مدرسین در مورد نظرات فقهی ما، نامه توهین آمیز مزین به فحش ننوشتند؟ مگر تفسیر سوره حمد که از جانب ما صورت می‌گرفت به سبب نامه‌های مکرر و فشارهای برخی از روحانیون حوزه‌های علمیه به جوسا زیبا کشیده نشد؟ مگر برخی از مقامات جامعه مدرسین در باره بعضی از فتاوی‌ها ما، ایشان را متهم نکردند که "فتاوی‌ها او با مبانی فقهی جور در نمی‌آید و مبنا ندارد؟ مگر در مورد اندیشه‌های ما نگفتند: "گویا ما ما سلام را جا بگویند؟" این خطاها، خطاها ما مزدا بی‌است و البته تیز آن متوجه مجلس است. در این اصلاحیه قید التزام عملی... حذف شده، بلکه توضیح و تعبیر روشن‌تری شده است تا راه استغاده بدخواهان و تحجرگرایان نراکه می‌خواهند بنا به ما سلام و ولایت فقیه راه ما را بی‌هرسوا زندوا انقلاب اسلامی را به مسلخ کشند... در دوره قبیل مجلس عده‌ای از کسانی که سابقه داشته و صلاحیت نداشتند و از شورای انگهبان گذشتند ولی مجلس آنها را طرد نکرد، بی‌تردید عده‌ها قید التزام عملی نمی‌تواند از نفوذ عناصرفاسد و مفسد و ضد انقلاب و پیروان اسلام آمریکا بی‌در مجلس جلوگیری کند. در آن روز همین سرمایه‌داران زالو صفت و عناصر مرموز که خود را زیرعبای برخی از روحانیون ساده اندیش پنهان کرده اند و در مراکز جا خوش کرده اند، سر بلند خواهند کرد و به عنوان "دارندگان

التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی" برکسی را رلمان تکیه خواهند زد... جامعه مدرسین باید ببینند چقدر پایگاه مردمی دارند که عده‌ای شیاد تحت عنوان مرید و هوا دار جامعه مدرسین را از مردم جدا می‌کنند، این جامعه مدرسین و مردم مجلس می‌خواهند براساس این قانون کار کنند. بدینکه ما مانع شدن و فقط در قسم کا ندیدند که آنها هم به مجلس راه نیافتند. آقای کروی در ادامه گفته اند: شما در نامه خود به گونه‌ای قلم فرسایی کرده‌اید که انگار انتخابات در کار نیست و قرار است عده‌ای به نام بنده گی مجلس شورای اسلامی منصوب شوند و با در نظر گرفتن عملکرد آقایان در مجلس خبرگان بعید نیست که چنین اندیشه‌ای در برخی از اعضا جامعه ما محترم وجود داشته باشد... این چه خود پسندی است که برخی از اعضای جامعه معتقد شده اند که تنها قسم، متولی و مدافع اسلام و مسلمانان هستند. شما زمین پر سیده‌اید که آیا آن شبی که این لایحه مطرح شد، شما با خیال راحت خوابیدید؟ یا بدیگویم من آن شبی که برخی از اعضای برجسته جامعه محترم مدرسین روی ما ما ایستادند و با عنوان امر مولوی و ارشاد دای التزام عملی به ولایت فقیه را نایده گرفتند، نخواهید، من آن شبی که نامه مزین به فحش جامعه ما رسید و ما گفتند این همان نامه نهفت آزادی است که مشتاقان به آن اضافه شده، نخواهید، من آن شبی که اعضای جامعه گفتند: فتاوی‌ها ما ما مبنا فقهی نداشتند و از فتوای ایشان گفتند: حکم و فتاوی ما ما امروز دیگر به درد نمی‌خورد، نخواهید، من آن روزی که دربار فتم و دیدیم و شنیدیم فردی از افراد جامعه مدرسین در تغییر و تحول شورای عالی قضا بی‌بی‌حرمتی به ما منموده و ناسپاسی کرده، خون دل خورد و مردم مردم... ● موضع گیری‌ها علیه مجلس

سلام ۶۹/۱۲/۲۶

جامعه انجمنهای اسلامی بازار و اصناف تهران طی بیانه‌ای که بر علیه مجلس و رئیس آن منتشر کرده اند گفته اند: آقای کروی می‌دانند که مشروعیت صلاحیت نمایندگان مجلس به عهده شورای نگهبان است. آقای ناطق نوری هم در شهر کرد طی سخنانی بر علیه نمایندگان مجلس گفته است: دعوی ما با آنها بر سر رهبر است چون رهبر فرموده اند که جدل در مجلس نباشد، ما صحبتی نمی‌کنیم. بعد از این صحبت‌ها و بحث‌ها تکلیف چه؟ بریزیم به هم یا نریزیم؟ شلوغ نکنیم یا نکنیم؟ اکثریت مجلس با پول دادن و تبلیغ کردن این و آن را نگهداشته اند. مثلاً

در هفته وحدت به نمایندگان سنی ۳۰ هزار تومان پول داده اند که هر وقت خواستند رای آنها را بگیرند. اگر آن روزی که مردم می‌خواهند بروند جلوی مجلس، دفتر مقام معظم رهبری مانع نشده بودند، خاک مجلس را توبره کش کرده بودند. اگر اینها هوشیار نشوند مثل خوارچ می‌شوند.

● تهدید و تنبیه نمایندگان رسالت ۶۹/۱۲/۲۶
حجت الاسلام عبیدوسا ما جمعه کرج گفته است: مردم هر شهری حق دارند نماینده‌ای که این طرح را (طرح اصلاح انتخابات مجلس) مضاء کرده است، تنبیه کنند.

رسالت ۶۹/۱۲/۲۶
آقای اسدالله با دامپیان نیز نامه‌ای خطاب به آقای کروی نوشته و شدیداً به ایشان انتقاد کرده و خواستار معذرت‌خواهی ایشان از جامعه مدرسین شده است.

● انتخاب نمایندگان...
آیت الله آذری قمی نیز در خطبه‌های نماز جمعه ۷۰/۱/۹ در باره نمایندگان مجلس که طرح اصلاح قانون انتخابات را پیشنهاد کرده اند، گفت:

ما می‌گوئیم این افرادی که این پیشنهاد را داده اند دنیا این است که غرض داشتند که خودشان بعد از انتخاب شوند با نه، نظرداشتند که این اصلاح شود و انحرافی پیش نیاید. اما ما که می‌فهمیم و از کلام ما، از کلام جامعه مدرسین که ما مخمین رضوان الله تعالی علیه مرجع تشخیصی اسلامنا محمدی، قرار داده اند، بنا بر این چنین نمایندگانی که در حدود ۲۶ نفر هستند و این طرح را پیشنهاد کردند و بعداً هم دفاع کردند و بعداً تذکرها به مدرسین و تذکرها از آنها و بعداً تذکرها جمعاً به زمامداران می‌دهند و حمایت می‌کنند، ملت نباید آنها را انتخاب کنند. این گناه است، گناه است، جرم است.

ولی فقیه قانون اساسی می‌تواند نقش کند و می‌تواند مجلس را منحل کند... ولی فقیه وقتی مصلحت تشخیص داد و دید مجلس امروز به عنوان یک مزاحم راه دولت آقایان شمر فستجانی است و نمی‌گذارد بر نامه‌ها پیاده شود، در چنین وضعی می‌تواند مجلس را منحل کند.

● آزادی کسب و کار رسالت ۶۹/۱۲/۲۷
آیت الله یزدی رئیس قوه قضائیه شایعه معا مله سیاسی در ارتباط با آزادی کسب و کار را تکذیب کرد و گفت: کسب و کار محکومیت خود را می‌گذراند و تنها در صورت پایان یافتن آن آزاد می‌شود.

جمهوری اسلامی ۷۰/۱/۱۰
وزارت خارجه انگلیس می‌گوید: لندن تنها پس از آزادی کوپبر، از نظرایران برای مشارکت با اعراب در طرح امنیت جمعی منطقه حمایت می‌کند، روزنامه گاردین نوشت: لاریجانی مشاور آقای ولایتی مجدداً سرخی داده و گفته ممکن است کوپبر به زودی آزاد شود. به شرطی که انگلیس در این زمینه به ایران درخواستی ارائه نکند. سردبیر گاردین نوشت: بریتانیا حاضر نیست با ایران بر سر آزادی کوپبر چانه بزند.

کیهان ۷۰/۱/۱۴
رئیس دفتر قوه قضائیه در پاسخ به سئوالات خبرنگار کیهان گفت: هیچگونه معا مله سیاسی صورت نگرفته است و به خاطر اینکه ایشان حتی یک ساعت هم اضا فبر مدت محکومیتش در ایران نماند، بلافاصله از ایران اخراج شده است. وی مدت محکومیت نامبرده را حدود ۵ سال اعلام کرد و گفت به خاطر مصالح مملکت این حکم قبلاً اعلام نشده بود. وی از پاسخ به این سئوالات خبرنگار رکه پرسید حکم محکومیت را جرکوپر در چه تاریخی و توسط چه دادگاهی صادر شده است امتناع ورزید.

جمهوری اسلامی ۷۰/۱/۱۴
کوپبر پس از آزادی در فرودگاه لندن از کشمکش در دولت ایران پیرامون آزادی سخن گفت و تلاش "واقع بینانها" را دلیل اصلی آزادی خود ذکر کرد.

● تجدید رابطه ایران و عربستان کیهان ۷۰/۱/۸
کیهان در مقاله‌ای پیرامون رابطه ایران و عربستان تحت عنوان "سیاست درهای باز تا به کجا؟" آورده که برخلاف خبرهای بی‌کدر در داخل بخش شده و حاکی از پذیرش شرایط ایران از طرف عربستان برای حجاب است. بسیاری از مطبوعات خارجی اعلام کرده اند که...
مثلاً اخبار داخلی حاکی از پذیرش ۱۱۰ هزار نفر و انجام مراسم پیرامون آزادی از مشرکین در مدینه و مکه است. در حالی که خبرهای خارجی حاکی از پذیرش ۱۰۰ هزار نفر و انجام مراسم در راجا مکه است. در این تفسیر گفته شده با توجه به موقعیت فعلی عربستان که با پذیرش آمریکا بی‌شاید ضربه خورده این رابطه یک نوع اعتبار رکاب سیاسی به ریاض بخشید. یکی از روزنامه‌های سعودی نوشته: "برقراری رابطه نشانگر صحت جهت‌های سیاسی پادشاهی سعودی است". این سیاست درهای باز رژیم کمب دیویدی مصر را هم در بر گرفته و برخلاف تکذیب‌های پیشین وزارت خارجه حکایت از تجدید رابطه تهران قاهره دارد.

مذهب و مارکسیسم

یک نیا طبیعی و مثبت با ید تحلیل کرد. در این مقاله سعی شده است که دلایل نظریه خیر، یعنی کیفیت رشد و تقویت گرایش به مذهب در میان مردم شوروی و برخی از کشورهای بلوک شرق طرح و بررسی شود:

۱- مذهب و نفی ظلم و استثمار در تاریخ همواره با یکدیگر مذهب و پیروان انبیاء (ع) طبقات مستضعف و مظلوم بوده اند. چنانچه به داستان حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت محمد (ص) توجه کنیم! این موضوع کاملاً مشخص

این نکته است. گورباچف در یک مصاحبه مطبوعاتی در ایالت ایلینوی اظهار داشت: "ما در باره زاری سوسیالیستی جا مع شوروی از دیدن استفاده خواهم کرد" ناگفته نماند که غرب هم در تاضای که با حکومت شوروی به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی دارد از جوامع فئودالی و برده داری و برخی این مذهب گرایبی سوء استفاده کرده و به تحریک و دسیسه چینی از طریق شعار آزادی مذهب می پردازد. به عنوان مثال، بنیاد امریکایی هری تیچ که تحت مسئولیت هنری کیسینجر به مورتحقیقاً استراتژیک می پردازد زنده دولت ریگان پیشنها کرده بود میلیونها جلد قرآن و

سؤال ما این است که ما رکیسم علیرغم اعتقاد دینیه روش علمی که همان روش رسیدن از تجربه به جمع بندی و علم است، چگونه به زلیت و ابدیت ماده پی برده است. آیا جز این است که "زلیت و ابدیت" ماده ای یک پیش فرض فلسفی و یک قضاوت بدون تجربه ماده ای است و در نتیجه با معیار خودشان غیر علمی است.

است. تا آنجا که مخالفین و دشمنان راه انبیاء، اطرافیان و پیروان آنها را به نام اراذل، افراد بی سروپا و... خطاب می کردند و مورد سرزنش قرار می دادند. در مقابل، طبقات رفاه طلب و استثمارگر همیشه مخالف مذهب و در برابر انبیاء قرار گرفته اند. اینگونه طبقات عمدتاً منشاء مفاسد اخلاقی و اجتماعی بوده و مبارزه با اخلاق و روشهای انبیا برداشته اند.

در قرآن کریم نیز از اینگونه طبقات با نامهایی نظیر "ملا" و "مترف"، به عنوان دشمنان راه انبیاء و سواران طاغوت اسم برده شده است. در کشورهای نظیر شوروی که انقلاب مارکستی به وقوع پیوسته، با این طبقات استثمارگر یعنی فئودالها و سرمایه داران تا حد زیادی مبارزه شد. اگرچند که به روش مبارزه آنها انتقاد وجود دارد (و عملاً جنبش طبقاتی دیگر در اینگونه کشورها وجود ندارد). کشورهای کمونیستی علیرغم اینکه در موضع گیریها مخالف مذهب هستند ولی عملاً با حذف طبقات استثمارگر مذهب و تقویت طبقات محروم که با یک مذهب اند، نتوانستند راه گسترش مذهب را در جوامع خودشان هموار کرده اند.

گرایش مردم به مذهب و تعالیم انبیاء تا شرمه می روی مواضع رهبران سوسیالیست در جهان داشته است. نظرات اخیر کاسترو در باره مذهب (کتاب فیصل و مذهب) و موضع گیری رهبران شوروی (صرف نظر از نیت آنها) نسبت به مذهب شاهد

۳- مذهب زیربنای یا حدا قسلاً روبنای جامعه سوسیالیستی در طول مذاکراتی که در زندان شاه با ما رکسیستها داشتیم، آنها می گفتند سلام در دوره حضرت محمد (ص) روبنای عنوان یک قدرت بزرگ جهانی دارد از جوامع فئودالی و برده داری و برخی این مذهب گرایبی سوء استفاده کرده و به تحریک و دسیسه چینی از طریق شعار آزادی مذهب می پردازد. به عنوان مثال، بنیاد امریکایی هری تیچ که تحت مسئولیت هنری کیسینجر به مورتحقیقاً استراتژیک می پردازد زنده دولت ریگان پیشنها کرده بود میلیونها جلد قرآن و پس از قتل مملی ۱۵ خرداد نماینده خرده بورژوازی و با اصطلاحاً طبقه مستهلک شونده در برابر نظام کمپرا دوری غرب معرفی می کردند. همچنین سازمان ماهدین را هم نماینده خرده بورژوازی جب بشمار می آوردند. این سؤال مطرح می شود که چگونه یک مذهبی می تواند آنقدر دینا مسمد داشته باشد که روبنای همدا دوا رتا ریختر را بگیرد؟ زیربنای تغییر کننده ولی روبنای ثابت بماند؟ آیا جنبش مذهب پایداری نقش زیربنای ندارد؟ و آیا جنبش روبنای پایداری نه تنها با توجه به معیارهای مارکسیستها روبنای جامعه سوسیالیستی هم نخواهد بود؟ و...

دانشمندان و محققین معتبر مارکسیسم در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که در جامعه اشتراکی اولیه یعنی حتی قبل از بروز طبقات هم مذهب وجود داشته و زان، فرهنگ و روابط اجتماعی اینگونه جوامع را با مطالعه بر روی آثار باقی مانده از مذهب آن دوره نظیر آشن زرتشت و... ترسیم می کنند. طبق فرمول خود مارکسیستها که معتقدند روبنا دقیقاً تابع و منطبق بر زیربنا، یعنی روابط تولیدی جامعه می باشد، پس مذهب هم تصور که روبنای جامعه سوسیالیستی اولیه است، با بنی روبنا جامعه سوسیالیستی نهایی هم باشد. این مسئله شا بد بزرگترین بحران تاریخی و فلسفی مارکسیسم باشد که حدا قلاً باید مذهب را به عنوان یک واقعیت مشروع در جامعه سوسیالیستی بپذیرند و در برابرش عقب نشینی کنند.

با بد توجه کرد که مارکسیسم در ابتدا آنسانرا نبود، انحرافش این بود که "بزارگر" شد. در شرایط فعلی جنبش احساس می شود که دوباره سوسیالیسم "بزارگر" دارد به سوسیالیسم "تسان" گرا "بازمیگردد".

هیچک از تئوریهای مارکسیستی تا حالانتوانسته است نحوه پیدایش طبقات را در جامعه اشتراکی اولیه بطور

۲- بن بست مارکسیسم ایدئولوژیک است یا اقتضای؟ با توجه به اینکه در شوروی و برخی کشورهای بلوک شرق تا پیش از تحولات اخیر هیچگونه افزایش قیمت و تورمی وجود نداشته برخلاف ادعاها و تبلیغاتی که می شود، می توان گفت بن بست اصلی مارکسیسم در بعد اقتصادی و مبارزه طبقاتی آن نبوده است. علیرغم اشکالاتی که در این زمینه ها داشته اند، به موقفتها می هم دست یافته اند. به نظر می رسد مشکل اصلی اینگونه کشورها عمدتاً در زمینه فلسفی و سیاسی با بد باشد که این امر روی اقتضای مذهب تا شیرات نامطلوبی بطور قطع گذاشته است. هرچند که رهبران بلوک شرق به جای ریشه یابی درست از انفعال مردم و جدایی آنها از حکومتها نشان که علت اصلی کاهش تولید و رکود اقتصاد است، می توان ند به تجدیدنظرهای مهمی در زمینه های سیاسی ایدئولوژیک بینا نجامد، صرفاً علت بحران اقتصادی و نئیرالگوی تولید، الگوی مصرف، عقب ماندگی تکنولوژیک و... جستجو می کنند.

ب- عده ای میگویند که مردم شوروی از فشارهای سیاسی و اقتصادی مارکسیسم به تنگ آمده و به سمت غرب گرایش پیدا کرده اند و به رهبران خود فشار می آورند و تحولات اخیر در شرق نتیجه این فشار بر روی رهبران است. ج- عده ای هم این تحولات را اساساً درکادر غرب گرایبی تحلیل نکرده و نظرشان این است که مذهب در بیطن کشورهای مارکسیستی رشد و قدرت پیدا کرده است. هرچند که در میان رهبران این تحولات، درک درستی از حرکت و نیازهای مردمان وجود نداشته و جریشهایی به سمت غرب دیده می شود، لیکن زمینه های مردمی آن را مستقل از غرب و به عنوان

منسجم تبیین کند. فقط قرآن و مذهب است که توانسته است تبیین کند که چگونه طبقات از ذلت و احمقانه و ولیه بوجود آمده اند.

مرحوم طالقانی در "پرتوی قرآن" در تفسیر آیه "... ولا تاكلوا اموالکم بینکم با لبا ظلمت و ادلوا بها الی الحکام لتاكلوا فریقا من اموال الناس با لاثم و انتم تعلمون." (آیه ۱۸۸ سوره بقره)

(و نخورید ما لهای خویش را میان خویش به باطل و نیا فکنید آنها را به سجوی حکام تا بخورند پاره ای از اموال مردم را به گنا و خود می دانید. انچه شکست گیری طبقات را از فزون طلبی آنها و

اعتقاد به بازگشت حضرت مسیح در میان مسیحیان ۱۰۰۰ ساله است که چگونه ما رکن علی رغم فلسفه مادی خود به چنین ایمانی رسیده است و تا ریح را جهت دارتفسیر و تبیین می کند؟ گرچه این سمت داری را به تکامل ابزار تولید نسبت می دهد و نه تکامل انسان، بلکه تکامل انسان را فرع بر تکامل ابزار می داند.

دیالکتیک تاریخی ما رکن، تاریخ را سمت دار می داند و می گوید در هر جامعه ای حتما دوره تاریخی قطعیت طی شده و این را "دترمینسم تاریخی" می نامد. در حالی که دیالکتیک طبیعت

از لیت و ابدیت ماده پی برده است آیا جز این است که "از لیت و ابدیت" مادی یک پیش فرض فلسفی و یک قضاوت بدون تجربه مادی است و در نتیجه با معیار خودشان غیر علمی است؟

مطلب دیگر اینکه ووش شناخت ما رکنی مبتنی بر روش شناخت انعکاسی بوده و با این روش نمی توان از لیت و ابدیت را در بافت نمود. چرا که هر فردی حداکثر ۱۰۰ سال می تواند عمر کند و از تاریخ جوانی تا میانه عمرش همیشگی از دهه ها رساله نمی گذرد. چگونه در چنین مقطع تجربی محدود و جزئی ما رکن به مفهوم از لیت و

کشورها و کمونیستی علی رغم اینکه در موضع گیری به مخالف مذهب هستند ولی

عملا با حذف طبقات استثمارگر ضد مذهب و تقویت طبقات محروم که پایگاه مذهب اند،

ناخواسته را دستگیر مذهب را

در جوامع خودشان هموار کرده اند.

پیوند خوردن آنها را با حکام به خوبی نشان می دهند.

مرحوم حنیف نژاد نیز می گفت: هم زمان با تولید اضافی در جامعه و ولیه، بینهایت طلبی انسانها در قبال فزون طلبی، این تولید اضافی را تصرف کرده و به تدریج به تشکیل طبقات استثمارگر انجامید.

۴- اعتقاد به جامعه عدل و مساوات سوسیالیستی

اعتقاد ما رکن به تشکیل جامعه عادلانه سوسیالیستی در جهان و تلاش در راه استقرار چنین نظامی وجه تشابه مهم ما رکن با مذهب الهی است. تمام دین و مذهب بدون استثنا به ظهور یک منجی الهی و استقرار حکومتی عادلانه معتقدند. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع) در میان مسلمانان،

(ما تریالیسم دیالکتیک) و حرکت ماده که جهان بینی ما رکن را تشکیل می دهد، سمت و جهتی در نمی آید.

به نظر می رسد اعتقاد به تحقق حتمی سوسیالیسم در جهان و جهت داری تاریخی ما رکن، ناخودآگاه تحت تاثیر تفکر مذهبی که همان هدفها را در دیدن جهان آفرینش و از جمله جامعه و تاریخ انسان است، باشد.

۵- از لیت و ابدیت

ما رکنیست که ماده را یک وجود "زلی و ابدی" می نامد، یعنی نه زمانی برای پیدایش وجود مادی قائل هستند و نه پایانی برای حرکت و تکامل آن. پس ما در "زلی و ابدی" میندازند. سؤال ما این است که ما رکن علی رغم اعتقاد به روش علمی که همان روش رسیدن از تجربه به جمع بندی و علم است چگونه به

ابدیت ماده رسد و آن را از ارکان اولیه ما تریالیسم خود قرار داده است. مسلما این یک دریافت غیر مادی و غیر تجربی است.

اصولا مقوله "از لیت و ابدیت" قائل تجربه نیست و اعتقاد به آن از ایمان فطری بشر به "خدای از لویا بد" سرچشمه می گیرد. در عین حال با توجه داشت که از لیت و ابدیت مختص خداست و ماده محدود به هیچ وجه کس از لیت و ابدیت را ندارد و ما رکنیست که نادری آن را در شان ماده قرار داده اند.

نتیجه

با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گیری کرد که:

۱- بین بست ما رکنیست عمدتاً

بین بست فلسفی و ایدئولوژیک است نه یک بین بست اقتصادی و همین امر منشاء رکود ما رکنیست در نظامهای موجود آن گردیده است.

۲- ارزشهای انقلابی و جذاب ما رکنیست نظیر هدفدار دیدن تاریخ و اعتقاد به استقرار عدالت سوسیالیستی نتیجه یک برداشت فطری و ملهم از روح مذهب می باشد.

۳- ما رکنیست در میان طبقات سرمایه دار و فاسد که ما هیئت ضد مذهب می باشد، ناخودآگاه در خدمت مذهب در آمده است.

۴- نظامهای ما رکنیست علی رغم رشد مذهب و تقویت روحیه آزادگی در مردم، به دلیل نارسا شدن آنها نشان نه تنها با سخوی این نیازها نبوده اند، بلکه با اعمال شیوه های سرکوب و فشار باعث انفعال و بیزاری مردم گردیده اند.

طبعی است که انفعال توده های مردم و فشارهای امپریالیسم جهانی از خارج، در اشکال مسابقتی و تحریکات سیاسی و محاربه اقتصادی موجب رکود اقتصادی در این کشورها شده است.

متاسفانه رهبران آنها و بسیاری از روشنفکران چنین تصور می کنند که مشکل اصلی در این کشورها در پیروی نکردن از سیستم اقتصاد سرمایه داری است. محافل سرمایه داری غرب هم آگاهانه به چنین جمع بندی هایی دامن می زنند. تدبیری است با چنین نتیجه گیری های نادرستی رهبران بلوک شرق به جای برداختن به نیازهای اصلی مردمشان به بیراهه رفته و با پیروی از الگوهای غرب نه تنها مشکلات اقتصادی خود را حل نخواهند کرد، بلکه باعث تشدید بحران و فقر و رفتن به سوی وابستگی خواهند گردید.

دینای شعرا از قمر امین بور
زین شهر همیشه بوی خون می آید
زین کوی همیشه جوی خون می آید
هر چند هنوز خون بیشین تازه است
بس خون گدازه شستوی خون می آید

بگو این ما چرا از که برسم
بگو آخ خدا را، از که برسم
دلا داغی بگو ورنه ندانم
که حال لاله ها را از که برسم

گفتم که چرا دشمنان افکنده مرگ
گفتا که چرا دوست بود خرسند به مرگ
گفتم که وصیتی نداری؟ خندید
معنی که همین بس است: بسخند به مرگ

میدان به ساه خصم تنگ است هنوز
از خون شهیدان در تنگ است هنوز
شمشیر مکن غلاف جردرتن خصم
از دست منه بر که جنگ است هنوز

درباره‌ها تحادیه منیت •••

به غرب لاینفک از هم هستند، مگر اینکه رژیم‌های منطقه نیز اسرائیل دیگری در منطقه شوند که در آن صورت امریکا جلوی برخی زتن‌درویی‌های دولت اسرائیل را خواهد گرفت ولیکن موجودیت آن را هیچ‌گاه زیر سؤال نخواهد برد. البته برخی از مبتکرین طرح "تحادیه دسته جمعی" به واقعیت فوق و اقفند ولیکن قصد مبارزه با آن را ندارند به همین جهت است که پس از تشکیل اتحادیه منیتی ۸۸ جانبه و حمایت امریکا از آن، این عده از طرح "انیت دسته جمعی" ناامید شده و برای نجات از آن نزوایمین لمللی قدمه‌کاری با اتحادیه منیتی ۸۸ جانبه را دارند. حجت الاسلام روحانی دبیر شورای عالی منیت ملی طی یک سخنرا ندرم گفتند: "بجا دیمان منطقه‌ای با حضور کشور و تشبیت اسرائیل و مرزهای این کشور از اهداف مهم امریکا در منطقه استوا فزون

استکبار جهانی معتقد است: رژیم‌های میان‌درو به تنها بی‌قادر به حفظ منافع غرب نخواهند بود، به همین جهت با بیستی تجربه‌ها تحادیه نظایمی تا تودر منطقه خاورمیانه و در مقابل با بحران اسلام خواهی انقلابی تکرار گردد.

نتیجه‌گیری

در حالی که غرب به بزرگترین بسج نظایمی خود برای کنترل منطقه، تسلط بر منابع نفت و تأمین امنیت اسرائیل دست زده است، ساده اندیشی است تصور شود با اتخاذ سیاست "تنش زدا سی" در مقابل آن و با استفاده از تضاد جناحی درونی آنها نظیر تضاد نفتی‌ها و نظایمی‌ها، تضاد اروپا و امریکا و تضاد ژاپن و امریکا و... بتوان استقلال سیاسی، اقتصادی و حتی رضی خود را حفظ کرد. حفظ استقلال و آزادی و ادامه محاسبات انقلابی یک ملت تنها در سایه توکل به خدا و تقویت پیوند با نیروهای مردمی و عدالتخواه منطقه امکان پذیر است، موضوعی که همه ما به آن واقفیم و ملی مسئولین سیاست خارجی ما باید به آن توجه کنند.

نظیر مصر و عربستان سعودی را در راستای نزدیک شدن به اتحادیه منیت منطقه (۶۴۲) رزبا بی می‌کنیم... برقراری روابط با کشورهای عربستان سعودی و مصر را مناسب نمیدانم و آن را نوعی بی‌دانشی دانم به جنانتهای آنان تلقی می‌کنم". جهت اطلاع بیشتر از اهداف و بعد از نظم‌نویس و طرح منستی امریکا برای منطقه و تحولاتی که تا کسین در این سیر رخ داده است شما را به مطالعه خبرنامه این شماره راه‌ها دعوت می‌کنم.

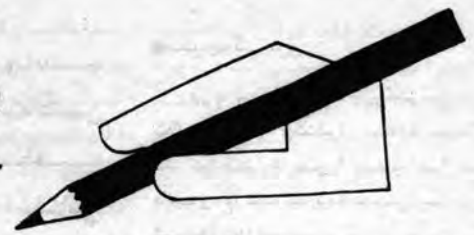
برای تا مین نفت از آن از اولوئتهای مهم استکبار جهانی در منطقه می‌باشد... ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه با بددرا یگونه بیما نه حضور فعال داشته‌ها شد و اگر شرایط مورد نظر ایران در این بیما ن جدید لحاظ شود جمهوری اسلامی ما میل به همکاری با این بیما ن است". (رساله ۶۹/۱۲/۲۱)

آقای بهزاد نبوی در دانشگاه مسر کبیر جمع‌به‌روابط خارجی جمهوری اسلامی گفتند: "برقراری روابط با کشورهای

بیان نایت اللله منتظری... آدماهای با عرضه‌ها شد. با بد مسلمانها با عرضه‌ها شد. حکومت‌های اسلامی با عرضه‌ها شد. نه اینکه بوش را دعوت کنند اینجا که بیاید بنفستان و حکومتشان را برایشان حفظ کند. نعمت خداست ولیکن با بیستی دست اهلش بیافند، اگر حکومت میخواهد حکومتی باشد که مرخارا ادا ره کند، مولی مسلمانین یک جمله دارد در نهج البلاغه و این جمله هر وقت با دم می‌آید، می‌بینم که واقعا همه چیز در این جمله هست واقعا. "لَا يُقِيمُ مَرَأَةَ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَيْسَ بِعَبْدٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا نَسَبًا وَلَا تَبَعًا وَلَا مَطْلُوعًا" نمی‌گوید با بد حکومت نباشد. با ندا مور اجتماعی داده‌ها شود، با بد زندگی اجتماعی داده‌ها شود، اما می‌فرماید نمی‌تواند مرخارا بیاید ارد، مرخارا یعنی همان حکومت، حکومت اسلام، نمی‌تواند حکومت اسلام را بیاید داده‌ها. من لایمنا، کسی که محافظه‌کار و اهل محافظه‌کاری و ساخت و ساخت باشد، نباشد، نخواهد مثل بوش حکومت کند یا مثل پادشاه انگلستان. و لایزار ع خود را شبیه‌ها کند. و لایزار ع و لاتبیع المظالم، اهل طمع‌ها نباشد، اگر کسی اهل طمع نباشد می‌تواند حرفش را بزند، اگر چنانچه یک وزیر در کارها محکم کند، یک نماینده مجلس در کارها محکم کند، برای این است که بعد هم دوباره وکیل بشود، بعد هم دوباره وزیر بشوند، بدبختی همه سر همین است، اما اگر طمع‌ها نباشد، خوب آن را که به نفع اسلام و مسلمانهاست عمل می‌کند، امیرالمؤمنین جطسور می‌گوید، آخرش هم‌ها مده قدرش را ندانستند و شهیدش کردند. آن وقت معاویه خوشا شد، پس بنا بر این همه مسلمانها با بد

همکاری ایران خود فروخته‌ها شد... مسلمانان و آزادیخواهان جهان و از جمله ایران اسلامی را سخت متاثر و جرحه‌ها رساخته‌ها است. حسابات و فاع کنونی عراق به حدی است که کوچکترین مسامحه‌ها ضعیف‌ها تمامیل به معادلات سیاسی سیاست‌ها با وجود توطئه‌های عمیق و بیست‌برده جنایکاران خارجی و داخلی، ضایعات و خسارات حیران‌ناپذیری را برای کشور عراق و اسلام عزیز به دنبال خواهد داشت. تاریخ گذشته عراق نشان داده‌ها است که مراجع عظام و علمای اعلام عراق و حوزه مقدسه نجف اشرف بیشترین نقش را در کسب استقلال آن کشور و طرفداران کسان خارجی داشته‌ها اند، و امروز با توجه خاص قدرتهای استعماری جهان خصوصاً امریکا که بیما نخواهیم و بیمنیم جهانی و انغال نظایمی قسمتی از آن کشور توسط امریکا و متحدین غربی از یک طرف، و جنایات و مظالم رژیم بعث از طرف دیگر، انتظار همه مسلمانان متعهد و نیروهای انقلابی و آزادیخواهان است که حوزه مقدسه نجف اشرف و علمای اعلام عراق زیر نظر حضرتعالی ملت مظلوم عراق را در تحمیل استقلال و آزادی کشورها بیت‌کرده و در مقابل گوناگون وظایف و تکالیف شرعیسه ما رزین مسلمانان را تعیین و با تاسی به لار شهیدان حضرت ابوالفضل الحسین علیه السلام موضعگیر به شکل‌ها با دشمنان و تهدیدهای داخلی و خارجی کوچکترین خلل وستی در انجام این وظیفه مهم اسلامی و ملی بوجود نیاورد، و انشاء اللله در بر تو توکل و

استعدادها زخدا و توسل به روح مقدسه ائمه بزرگوار شیعه سلام اللله علیهم رهبری حضرات علما، و مرجعیت شیعه بتوانند با فداکاری و ایثار و استقامت مبارزه و مقاومت، تمام منسروهای/آزادخواه و وظیفه‌شناس عراقی را از هر جناح و ملت و در هر موقعیتی که هستند بسیج و هم‌آهنگ کنند تا انقلاب آن کشور را به پیروزی نهایی و حاکمیت عدالت و آزادی و استقلال واقعی برسانند. و بر همه مسلمانان متمکن و سزای متعهد کشورهای اسلامی است که از هیچ کمک و مسامحه‌ها مادی و معنوی محروم‌ها نندن موا دغذایی و داریوسی بد ملت مظلوم و مبارزان عراق در بیخ نفرماند و تنها به اظهار ثروت و ثروت سف قناعت نکنند. اینجا تب مصیبت شهادت هزاران مسلمان مبارز عراقی و مردان و زنان و بچه‌های بیگناه بی‌پناه‌ها را به دست امریکای میاجم و مستعمرین غربی و نوکران آنان از یک طرف، و عمال بی‌دین و بی‌وجدان رژیم بعث از طرف دیگر، به حضرت ولی‌عصر عجل اللله تعالی فرجه الشرف و مدراجع معظم بخصوص حضرتعالی و حوزه‌های علمیه و با زمانندکان محترم شهادا، و به همه مسلمانان جهان تسلیم می‌گویم. و از خداوند قادر متعال سلامت حضرتعالی و رفع فشا و روخطرا زجنابعالی و سایر علمای اعلام و پورا دران گرفتار و موفقت نهایی ملت مظلوم عراق و همه مسلمانان جهان را در صحنه‌های مبارزات از مصیبت‌ها مسئلت می‌نمایم، والسلام علیکم ورحمه اللله وبرکاته. یرمضان المبارک ۱۴۱۱- قم حسینعلی منتظری



پاسخ به خوانندگان

س - آیا کتا بهایی که در نشریه تان معرفی می‌کنید از طریق شما می‌توانیم تهیه کنیم؟

ج - کتا بهای معرفی شده را از همان انتشارات مربوطه می‌توانید تهیه کنید. صرفاً کتا بهایی که مربوط به خود ما است با شرایطی که به عرض رسانیدیم در اختیارتان قرار می‌دهیم.

س - دلیل تعطیل مجله‌های امید ایران و تهران موجه بوده و آیا دلیل این کار افشای حقایق در رابطه با انحراف در انقلاب اسلامی بوده یا خیر؟

ج - در این مورد ما اطلاع خاصی نداریم. سوالتان را چاپ کردیم تا اگر خوانندگان دیگر اطلاعی و توضیحی در این مورد دارند ما را در جریان قرار دهند؟

س - تا به حال احزاب و گروه‌های مارکسیستی عموماً معتقد بودند که تفاد طبقاتی مستمر در دوره‌های متوالی سرانجام به روی کار آمدن حکومت اشتراکی کمونیسم در جهان منجر خواهد شد.

اما اکنون شوروی به عنوان رهبری کمونیسم جهانی با طرح‌های گلاسنوست و پروستا ریکا در واقع نظریات مارکس و لنین و... را کنار گذاشته است و اشتباه بودن تئوری‌های مائو لیستی را اعتراف کرده است. مثلاً اینکه مارکسیست‌ها معتقد بودند: "دین افیون توده‌هاست" و دین وسیله‌ای است برای توجیه استثمار و فاساد طبقاتی. اکنون گوربا چف در این نظریه تجدید نظر کرده و اجازت‌ها را زنگشایی مسا جدولکلیسا را صادر نموده است. جای سوال این است که گروه‌ها و احزاب کمونیستی ایران در قبال این تحولات چه موضعی را اتخاذ کرده اند؟ آیا آنها هم در اصول زبرینا یا کمونیسم تجدید نظر کرده اند یا همچنان علی‌رغم این واقعات بر آن اصرار می‌ورزند. آینه‌ها بین گروه‌ها چه خواهد شد؟

ج - یک نکته قابل دقت است که آقای گوربا چف رسماً ایدئولوژی مارکسیسم و مائو لیسم را لکتیک را کنار گذاشته است و هنوز بر آن تا کید می‌کند. حتی برخی مارکسیست‌ها سعی می‌کنند همبستن

س - در پشت جلد نشریه شما ره ۵۹ عکس درختی انداخته بود که شاخه آن درخت تبری در دست در حال قطع کردن ریشه خود بود. تفسیر این طرح چیست؟

ج - اولاً اگر قرار بود خودمان تفسیر و توضیح کنیم که دیگر طراح نمی‌شد چون طرح خودش تفسیر مصور است اما برای راهنمایی عرض می‌کنیم با بدنه دنبال جریباتی برگردید که از خون انقلاب بهره می‌گیرند ولی با اعمال و رفتارشان مردم را از صحنه بدر کرده و تیشه به ریشه انقلاب می‌زنند.

چند شما ره قبل مشکلات مالی و امکاناتی خود را با خوانندگان در میان گذاشتیم و قیمت دوشما ره تغییر کرد. به دنبال آن عزیزانی زحمت کشیده و پیشنهادی دادند که ما را شکر کرده‌اند. من جمله:

- ۱- نشریه را با صفحات کمتر و قیمت پایین‌تر منتشر کنید.
- ۲- نشریه منظم و سر موقع منتشر شود. اگر امکان ندارد، فواصل را بیشتر کنید. مثلاً بهتر است هر سه ماه یکبار منتشر کنید ولی منظم باشد.
- ۳- خط ویژه‌ها مه‌ریز بود و خوانندگانش مشکل در دست‌خبر با شایه تراست

ج - به نظری آید مشکل نشریه ما بی‌شاید با مسئله ترافیک تهران نیست از چند جهت:

اولاً مسئولین ترافیک در این قضیه در مانده اند که چگونه ۱۲ میلیون جمعیت را در شهر با ظرفیت ۳-۲ میلیون نفر جا بدهند بدون اینکه امکانات تفسیر کنند و در عین حال رفت و آمد هم سریع و طبیعی انجام گیرد.

ما هم به دنبال فرمولی می‌گردیم که در عین حال که مطالب از نظر کیفی و کمی کم نشود، و بدون امکانات مالی و انسانی لازم، نشریه مرتب و منظم چاپ شود.

به لحاظ قیمت هم به خوانندگان فشار نیاید و وضعی که هم‌بها رنبا ورد، به علاوه اینکه تنخواه مالی لازم برای شماره‌های مکرر هم موجود نیست.

ثانیاً: مثل مسئولین ترافیک هر روز یک طرحی و نقشه‌ای پیا پی می‌کنیم با زمی‌بینیم مشکل حل نشد، طرحی نبود می‌اندازیم.

آخرین طرحی که رسیده است این است که همان مقدار صفحات و مطالب را داشته باشیم و قیمت را هم بالا نبریم. بلکه با ریز کردن حروف در مصرف کاغذ و فیلم و زینت و هزینه‌ها صرفه جویی کنیم تا نه سیخ بسوزد و نه کباب.

و به جای فشار به جیب خوانندگان قدری به چشم خوانندگان فشار آید. البته کمتر از فشاری که ویژه‌ها آورد.

س - من یک طرفدار جمهوری اسلامی، فدرجوی، ضدبختبار و ضد صدام هستم. ولی با شما هم قهرم، نه دشمن.

به آقایان بگوئید قانون اساسی اجازه نمی‌دهد که مردم را کنار بزنند. باید همه احزاب آزاد با شند و به مجلس راه یابند. آزاد با شند و بی‌سند حق مردم کجاست، خون شهدا کجاست؟

این چه نوع اقتصادنا ب محمدی (ص) است که هیچ‌گاه دست‌ور بر نماند آن را نخواهند ایم. یک روز همه چیز دولتی می‌شود، یک روز همه به دست اشخاص می‌افتد. می‌گویند از زانی می‌شود ولی عملاً گرانتر می‌کنند...

اگر احزاب آزاد می‌بود سر نوشت انقلاب به این جا نمی‌رسید و مشکلات راحت تر حل می‌شد. مملکت فقط مال چند نفر نیست.

ج - آمدوا ریم آنها بی که مغا طب شما هستند به سخن شما توجه نمائید. ضمناً احزاب و گروه‌های سیاسی موجود هم توجه نمائید که نظرات مردم از آنها چیست و صرف به قدرت رسیدن کافی نیست. تئوری و برنامه منسجم لازم است.

س - لطفاً بفرمائید آیا شما نظراً قبول دارید یا نه؟ اگر قبول دارید چرا با یکی از دو جناح اشتلاف نمی‌نمائید. از جمله بیان هم سوال خواهد کرد که چرا شما نزدیک نمی‌شوید؟

ج - اولاً اجازه بدهید سوال کنیم آیا این دو جناح خودشان نظماً مرا قبول دارند یا نه؟ اگر قبول دارند، چرا با یکدیگر اشتلاف نمی‌کنند؟

ثانیاً ما همیشه در جهت تفاهت و اتحاد اصولی حرکت کرده‌ایم. حتی معتقد بودیم که دو جناح طرفدار بخش خصوصی و دولتی اشتلافشان بنیادی نیست. چرا که هر دو به در آمدن متکی هستند و

با بستی حول استقلال مکتبی و خود کفایی متحد شوند.

ثالثاً: قبول داشتن یک نظام مربوط می‌شود به اصول و خط مشی و برنامه و عملکرد نظام، نه قبول جناح‌ها یا باندهایی که در تشکیلات نظام هستند یا نفوذ کرده اند و معمولاً با بد رنیتند. برای اینکه برخورد ما با نظام جمهوری اسلامی را بدانید، شما را راجع می‌دهیم به مقاله‌ها و خط مشی در برخورد با انقلاب اسلامی نشریه شما ره ۲۳.

ناشران و نویسندگان محتوای
می‌توانند جهت معرفی کتاب بهای منتشره
آنها را خود را برای ما ارسال نمایند.

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

جلد اول

خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۶۹



کتاب فوق در دو مجلد به چاپ رسیده است. جلد اول خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست از ۱۳۱۰ تا بیست و یکم شهریور انقلاب اسلامی می‌باشد. جلد دوم نیز تحت عنوان جسنان‌ها بی‌زنا ریخ‌معا صرایران به معرفی فرا دو مواضع شبکه‌های ماساد، سیا و اینتلجنت سرویس در ایران برداخته است. این تحقیق اولین اثری است که دربارهٔ ایران رسیدن، از مهره‌های موشک‌دسای ۲۸ مرداد ۳۲، به تفصیل سخن را نده است. مطالعه این دو جلد، اطلاعات مفیدی در خصوص شخصیتهای مؤثر رژیم پهلوی به دست می‌دهد. امیدواریم که موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی به انتشار این نوع کارهای تحقیقاتی با ارزش که سندیت سبزد است بماند، بپردازد.

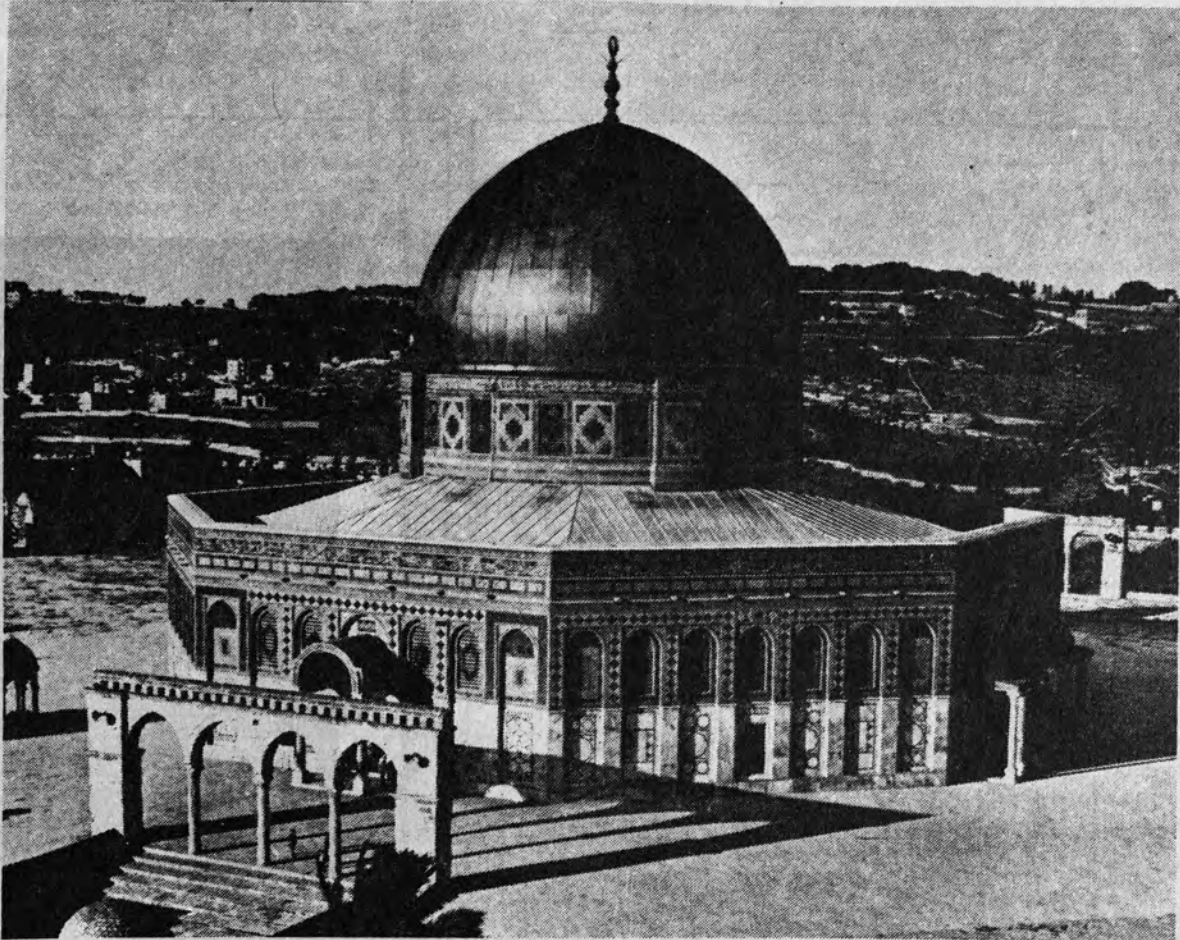
عنوان کتاب: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی
مؤلف: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
ناشر: انتشارات اطلاعات
تیراژ: ۱۰۵۰۰
قیمت: دو جلد ۷۰۰۰ ریال
چاپ اول: ۱۳۶۹

کتاب "اقتصاد بدون نفت" درباره سیاستهای اقتصادی دولت ملی دکتر مصدق، از موضعی علمی و مستند به اسناد رسمی و ما معتبر به بررسی تا ثیرات و عواقب استراتژی اقتصاد بدون نفت بر عوامل و متغیرهای مهم اقتصادی مانند اشتغال، سطح عمومی قیمتها، تولید، سرمایه‌گذاری و صادرات و واردات پرداخته است.

نویسنده هدف اصلی نگارش کتاب را بطلان افسانه دروغین "سکست اقتصادی مصدق" که ساخته و پرداخته قدرتهای بزرگ استعمارگر و بیلندگوهیای تبلیغاتی خارجی بودا خلی نهاست، می‌داند. مطالعه کتاب "اقتصاد بدون نفت"، برای پژوهندگان و مشاقتان شناخت مسائل اجتماعی-اقتصادی دوران نهضت ملی‌کردن نفت ایران، می‌تواند مفید باشد.

"اقتصاد بدون نفت" انور خان میر ناشر: شرکت سهامی انتشار چاپ اول تاریخ انتشار: ۱۳۶۹ قیمت: ۹۰۰ ریال

به یاد روز جهانی قدس



...دیری نمی پاید که مردانی مومن و نیرومند، "اولی باس شدید"
همچون صلاح الدین با شناخت و آگاهی و قدرت ایمان برانگیخته شوند
تا دستهای متجاوز را در خلال دیار قطع کنند و روی سیاه اینان را بنمایانند
و صلح و امنیت را همچون رسول اسلام در این سرزمین برقرار کنند و این مسجد
به دورگرداننده شده، "الاقصی" را به مسجد الحرام و خانه مردم و کعبه
و مشعرو عرفات بازگردانند...

"معلم قرآن و ابوذر زمان

مرحوم آیت الله طالقانی"